

# تجاوزات رژیم عراق به خاک میهنمان را درهم کوییم

برای تقویت همبستگی خلقهای ستمدیده ایران و عراق تمام توان انقلابی خود را به کارگیریم

جنگ مرزی ایران و عراق در نوار مرزی غرب کشور، طی هفته‌های اخیر ابعاد تجاوزات مرزی رژیم عراق به گسترده‌ای یافته است. اکنون یک جنگ تمام عیار جبهه‌ای

## برای افشای هر چه بیشتر جنایات امپریالیسم آمریکا باید جاسوسان امریکائی در پیشگاه خلق محاکمه شوند

وقتی " دانشجویان مسلمان پیرو خط امام " مرکز جاسوسی امپریالیسم آمریکا، مرکز جنایت، غارتگری و نوطئه علیه خلق ما را تسخیر کردند میلیون‌ها زن و مرد بی‌باخته ایران به کوچه هاو خیابان‌ها و میادین ریختند و قاطعانه از این اقدام انقلابی که تجلی خشم توده‌های میلیونی میهن بود، دفاع کردند. جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک میهنان اوج و گسترش تازه‌ای گرفت و وحدت مردم و نیروهای انقلابی که تحت تاثیر سیاست‌های ضدانقلابی دولت بازرگان و سیاست‌های انحصارطلبانه تضعیف شده بود، بار دیگر تقویت و تحکیم شد.

## با مبارزه برای گشایش دانشگاه از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

مردم انقلاب کردند تا فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش گسترش یابد. دانشگاه‌ها و مدارس عالی، دبیرستان‌ها و دبستان‌ها در چهارگوشه میهن گشایش یابد تا جهل و

بیسوادی ریشه‌کن شود و صدها هزار کادر متخصص برای ریشه‌کن ساختن سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امپریالیسم آمریکا تربیت شوند.

## هدف از کودتای امریکایی در ترکیه؛ سرکوب مردم ترکیه و انقلاب مردم ایران است

در صفحه ۱۵

**تجزیه شیلی:**

نفی رفرمیسم، انیات انقلاب

**در این شماره:**

زمینه‌ها و پی‌آمدهای جنگ در کردستان

کودکان و نوجوانان کشورهای سوسیالیستی سازندگان واقعی فردا

با شروع سال تحصیلی هفتاد میلیون کودک و نوجوان شوروی راهی مدرسه می‌شوند

کتابی به برنامه اقتصادی دولت رجایی خانه از پستی ویران است

خواجسته درزند نقش ایوان است

وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی قانون شیخ الاسلام زاده را به عنوان قانون «جدید» تامین اجتماعی ارائه داده است

۱۸ ماه مبارزه شوروی دهقانی (رتاب‌فکری-برمان) با سرمایه داران و زمینداران بزرگ

مبارزات کارگران سیمان رز

طرح طبقه بندی ششغال

جنبش کارگری ایران

شورای اسلامی کارخانه رز، در نامه‌ای خطاب به مجلس شورای اسلامی، به قانون شوراها (مصوبه شورای اتحاد) اعتراض کرد

عظیمی را به وجود آورده است.

هیئت‌های پاکسازی در آموزش و پرورش در کنار تصفیه و پاکسازی عناصر وابسته به نگرانی‌های

در حالیکه فضای ایران را شور ضد امپریالیستی توده‌های ستمدیده ایران فرا گرفته بود فریاد یاس آمیخته بازرگان و شرکاء و سایر محافل مورد حمایت امپریالیسم که با تسخیر سفارت از تسلیم انقلاب ما به امپریالیسم ناامید شده بودند، علیه اقدام انقلابی دانشجویان نخست به صورت زمزمه‌های درگوشی و بتدریج بطور آشکار به هرا بلند شد. بدون تردید محتوا و مضمون تسخیر سفارت و حمایت وسیع میلیون‌ها هموطن مبارز ما از این اقدام قبل از هر چیز، طرد

## اخراج معلمین مترقی و انقلابی تخریب فرهنگی است

در آستانه گشایش مدارس و آغاز سال تحصیلی جدید، سیاست اخراج و تصفیه معلمین انقلابی و مترقی که آموزش و پرورش در کنار تصفیه نخست وزیر رجائی مسئول و و پاکسازی عناصر وابسته به مدافع آن است، نگرانی‌های

# با مبارزه برای گشایش دانشگاه از دستاوردهای انقلاب دفاع کنیم

درحالی که سن از یک هفتاد آغار سال تحصیلی جدید باقی مانده است، دولت جمهوری اسلامی غیرعزم اعتراضات تمامی دانشجویان، اساتدان، کارمندان مبارز انقلابی دانشگاهها و دیگر نیروهای صرفی حامد همچنان بر تعطیل دانشگاهها پای می‌نهد. ما تاکنون بارها بر محرت بودن این سیاست ناکند داسته‌ام. ما می‌گوئیم در شرایطی که امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن مدبوخانه تلاش دارند به هر وسیله‌ای انقلاب مردم ما را به شکست بکشاند. تعطیل دانشگاهها که جد در زمان رژیم ساه و چه سن از انقلاب سنگر مستحکم مبارزه بر علیه امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن و مبارزه در راه استقلال و آزادی مهن بوده‌اند، ساستی است که از آن بهر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن سود خواهد برد.

سن از انقلاب بوده‌های مردم مهن ما حواسار کسرس مراکز آموزشی و فرهنگی بودید، آنها می‌خواستند که دانشگاهها در خدمت رجمتکنان فرار کرد. درهای دانشگاهها بر روی رجمتکنان کتوده بود. چنان امکاناتی فراهم کردد که حواسان رجمتکن مهن امکان ساختن فراغ نال به تحصیلات خود در دانشگاهها ادامه دهند.

مردم حواسار آن بوده و هسند که بی‌سوادی رسدکی بود. مدارس عالی در دانشگاهها هر حد کسرس در خدمت تربیت کادریهای آموزشی و منعممین فرار کرد. تربیت کادر آموزشی برای رسیدن کردن بی‌سوادی یک ضرورت فوری است که ما سندن ندن دانشگاهها صرات جدی برای امر وارد می‌آید از سوی دیگر جامعه‌ای کند می‌خواهد در تمام رصدهای اقتصادی - سیاسی - فرهنگی با امپریالیسم مقابلد کند. ما سمری بر تربیت کادریهای سخنمن و فنی دارد که ساست محرت عطفیل دانشگاهها از طرف دولت

جمهوری اسلامی درست در مقابل خواست مرم توده‌های میلیونی ایران قرار می‌گیرد. این سیاست مخرب سشرس تحقیقات و فشارها را بر جوانان رجمتکن وارد می‌آورد. حال آنکه فرزندان افسار مرفه جامعه با توجه به امکانات وسیعی که در اختیار دارند قادر خواهند بود به تحصیلات خویش در دانشگاههای خارج از کشور ادامه دهند. جوانان رجمتکن مهن فرزندان توده‌های قیام کننده که امکان تحصیل در دانشگاههای داخل را با هزاران خون دل فراهم می‌کردند، به کلی از امکان ادامه تحصیل محروم گشته‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران که دانشگاهها را بخصوص سگری مستحکم دمکراتیک خود می‌بندد و انوان از مقابلد تا موج سوصده دانشجویان بر علیه سلب حقوق دمکراتیک مردم از جانب دولت جمهوری اسلامی است. به بهانه "اعلام فرهنگی" دانشگاهها را به تعطیل کشاند. علاوه بر سگری دهها هزار دانشجو و بهر دادر سبوری عظم و حلالی دانشجوان دهها هزار سن داوظلب ورود به دانشگاهها را سگران آمده خود ساحتیه است.

سارمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - بار دیگر اعلام می‌دارد که مردم آکاد و مبارز مهن ما در مقابل این ساستهای محرت آرام نخواهند سست. سروه‌های مبارز و انقلابی موظفند تا بوضیح و افسان حوات کوانگون این ساست برای بوده‌ها، تلانسی هم‌جانبه را برای بازکنائی دانشگاهها دنبال کنند.

دولت جمهوری اسلامی بر ساند نداند که خصوص در سراط حراتی جامعه ما این ساست عطفیل در خدمت سروه‌های واسد سسد امپریالیسم فرار می‌کند و ارباب ربا را حسرتاند سادری را بر اعلام مردم

آموزشی هرگز خواهد شد توانست مبارزه روشنفکران بزقیخواه و مردم آگاه مهن را در راه آزادی منوسف سازد. ساست نصفیه کارکنان و اسنادان بزقیخواه دانشگاه و مراکز آموزشی در کنار وابستگان رژیم بهلوی و عوامل واسسه به امپریالیسم که ساست دولت جمهوری اسلامی در سایر ارگانها و ادارات کشور بر هسب

وارد می‌آورد. به علاوه دولت جمهوری اسلامی باید بداند که با نصفیه عقیدتی اسنادان، مصلان و کارکنان بزقیخواه دانشگاهها و مراکز

تاکنون صرات بزرگی به انقلاب وارد ساخته است. بدون تردید مردم اسن ساست دولت جمهوری اسلامی را سبز قویا محکوم می‌کنند و از اسنادان کارمندان، مصلان و همه عناصر مبارزی که به دلایل عقبدنی مورد نصفیه جمهوری اسلامی و یا سسر فسار فرار گرفته‌اند، حمایت خواهد کرد.

## به بهانه اینکه معلمان لرستان کلاس روش تعلیم قرآن را به پایان نرسانده‌اند؛

### با توافق نخست وزیر مدارس لرستان از اول مهر تعطیل شد

تعطیل مدارس لرسان که تا موارد مشابه در دیگر نقاط ایران همراه است، به بهانه "سود رسای مکنی" و "کلاسهای تارآموزی و ایدئولوژی و تعلیم روش قرآن برای معلمان" بدون شک ضدامپریالیستی میهمان وارد خواهد آورد.

این اقدام ارتجاعی که با تائید نخست‌وزیر و وزیر آموزش و پرورش عطفی شده است بدون شک با واکنش بوده‌های مردم، معلمین آگاه و دانش‌آموزان انقلابی مواجه خواهد شد. آنها اجسازه خواهند داد که به بهانه‌های بیپوده و نادرست از یک سو بر دامنه اجراج معلمین مبارز افزوده شود و از سوی دیگر فرزندانشان از سنگر مستحکم مبارزه و آگاهی محسروم کردد.

ما ضمن محکوم کردن این حرکت ارتجاعی از کلیشه معلمین و دانش‌آموزان انقلابی لرستان می‌خواهیم که وسعا به افشای این حرکت برداخته و علل و موجبات و اثرات آن را برای بوده‌های مردم توضیح داده و به آنها بگوید که چنین حرکتی سدوزیه در این مقطع حساس از مبارزات ضد امپریالیستی چه عواقب زیاسار و جبران سایدیری بر مبارزه مردم مهن ما خواهد داشت.

ما تردیدی نداریم که اقدام دولت مبنی بر تعطیل دانشگاهها و مدارس - اعتراض همه مردم ایران روبرو خواهد بود.

لرستان کام دیگری به سوی محدودتر کردن آزادی‌های دمکراتیک و یایمال کردن حقوق حقه مردم و حرکتی در جهت بی‌اعتبار کردن انقلاب مردم ایران است.

هدف انقلاب مردم به سها سادوی فقر و کرسگی مرمی است که بیوسنه جنگال کرده خود را بر سه توده‌های رجمتکن این نخس از مردم مهنان فشرده است، بلکه رسته کن کردن جهسل و بی‌سوادی که رصه سلطه امپریالیست‌ها بر مردم است سیر در شمار اهداف مقدم انقلاب ما است. مردم مهن ما در ورای قیامی که با خون و فداکاری خود بارورش کردند، ایرایی آزاد و دمکراتیک و به دور از فقر و بی‌سوادی می‌دیدند. آنها اسطار داشتند که بر ویرانه‌های نظام آموزشی استعماری و امپریالیستی نظامی مرقیانه و نالنده و سارنده ما سهد. آنها به روزهایی می‌اندیشیدند که هر مدرسه و دانشگاه به سگری مستحکم برای ستربا امپریالیسم و با نگاه داخلین سبدل شود. ولی اکسسون بوده‌ها می‌سند که چگونه سحای کسرس مدارس و دانشگاهها و مراکز علم و داری تا تعطیل مدارس و دانشگاهها و اجراج معلمین و حتی اقدام معلمین انقلابی دست بکرسند و تا اعمال ساستهای سبک‌نظرانه کام‌های باره‌ای در جهت عطفیل مراکز علم و داری و کسرس جهل و بی‌سوادی برداسه می‌شود.

به دنبال پورش‌های همه‌جانبه به آزادی‌های دمکراتیک در استان لرسان، به دنبال کتاب‌سوزانها و حطلات پیاپی به عناصر مرفقی و سارمان‌های سیاسی به دنبال دستگیری‌ها و ترورهای کور پس از اجراج بی‌رویه معلمین انقلابی و مبارز در کنار رساخیزی‌ها و سواوکی‌ها، به دنبال انحلال حش‌هایی از آامورس و پرورس استان منجمله انحلال آامورس و پرورس چگی که با اعتراضات همه‌جانبه مردم مواجه سند، اکنون آقای اسحاق مشکینی مدیر کل آامورس و پرورس لرستان اعلام داشته است که "از اول مهرماه رنگ مدارس در استان لرستان به سدا درمی‌آید" وی در توجیه این اقدام ضددمکراتیک و ارتجاعی خود گفته است "ما رمای که رسای مکنی جهب واحدهای آامورس و پرورس شهرستانها و مناطق تابعه استان در نظر گرفته شود و کلاس تارآموزی و ایدئولوژی و تعلیم روس قرآن برای معلمان و راهممان علمانی به امان برسند. مداری همچنان عطفیل است. وی افورده است که " طرح عطفیل مدارس اسان لرستان فلا بدآقای رحائی حسب وزیر و وزیر آامورس و پرورس و همسین سناوران وی ارانده سده است.

اعلام ضرتح و آسکار اس ظراب و در بی این اقدام ارتجاعی آقای مشکینی در عطفیل نمودن مکنی در واحدهای آامورس اسان

## گسترده باد همگامی و همکاری

همه‌نیر وهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

# آیا حجت الاسلام خامنه‌ای هنوز نمی‌داند «چماقداران» چه کسانی هستند!

«کتابسوزی» در جمهوری اسلامی ایران است؟! است که چنین اقداماتی آیا این دروغ است که بارها سازمان ما مخرب بودن اقدام این گروه‌ها را یاد آورد شده و خواستار معرفی سردستانان

امام جمعه تهران، بعد از ۱۹ ماه که از انقلاب مردم ایران می‌گذرد، به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا تازه از واقعتی که هر روز در گوشه و کنار این مملکت تکرار می‌شود مطلع شده است و مهم‌تر از آن این که هنوز لحن امام جمعه تهران نسبت به این گروه‌ها لحنی جانبدارانه و ملاطفت‌آمیز است. امروز کمتر کسی از ماهیتی این گروه‌ها و ضربات مهلکی که توسط آنان بر پیکر انقلاب مردم ما وارد آمده بی‌خبر است.

جمعه گذشته حجت‌الاسلام خامنه‌ای بر مزار آیت‌الله طالقانی کسای را که ۲ سال است به نام طرفداری از اسلام و انقلاب مردم ایران به دفاتر گروه‌های سیاسی صدامیریالیست و اجتماعات آنان و به کتابفروشی‌ها یورش می‌برند و کتاب‌سوزان‌ها به راه می‌اندازد، مورد استناد قرار داد امام جمعه تهران گفت: «نامه‌ها و مراجعات بسیاری از طرف افراد مورد اطمینان به من شده است که گاهی عده‌ای در شهرها و خیابان‌ها به مراکز و کتابفروشی‌ها حمله می‌کنند بدانید این کار خطا و خلاف است. اگر این خلاف‌کاری‌ها از سوی معرصین انجام نگردد من به صراحت می‌گویم که ملت را در برابر آنان قرار خواهیم داد و اگر این کارها از سوی خیرخواهان صورت بگیرد، آنها باید بدانند که کار آنها اهداف مقدس جمهوری اسلامی را مخدوس می‌کند.» (روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۲۲ شهریورماه)

کیهان - صفحه ۲۲ - ۲۲ شهریور

## درخواست کمیته ۹ از اهالی حوزه استحفاظی خود: در مواقع درگیری خیابانی با گروه‌ها به کمیته ۹ مراجعه نکنید

تهران - خبرنگار کیهان: کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹ طی دستور اطلاعیه‌ای از ساکنین حوزه استحفاظی خود درخواست کرد در مواقع درگیری خیابانی با گروه‌ها، مسئله را بشکلی که خون صلاح میبندد فیصله دهد و به افراد کمیته جهت کمک‌خواهی مراجعه نکنند. متن اطلاعیه کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹ که در اختیار خبرنگار شهری کیهان میباشد شرح زیر است:

اهالی محترم حوزه استحفاظی کمیته منطقه ۹، همالطور که مستحضر هستید گروه‌های توطئه‌گر هرروز در کوچه و خیابان بلوا می‌کنند و هرروز فضا را توطئه‌های جنید و اختلاف و آشوب برآه می‌اندازند که ضرر به درگیری میشود و از آن روکه این گروه‌ها می‌خواهند به کمیته‌ها و نیروهای انتظامی ضربه بزنند و آنها را بدنام نمایند و هر مقابل مردم قرار دهند، هیچیک از مقامات مسئول بظت مشخص بودن وضع گروه‌ها هر زمان نمی‌تواند به پرونده درگیری خیابانی این گروه‌ها رسیدگی نمی‌کند، لذا تلاشی می‌شود از کمک‌خواهی در مواقع درگیری از این کمیته خودمختاری نماند و مسئله را خود به ضرورت که صلاح میباید خاتمه دهد.

مردم آگاهند که چگونه حجت‌الاسلام هادی غفاری چه در مجلس و چه در مراسم مار جمعه بارها از حمله به «مراکز و کتابفروشی‌ها» دفاع کرده و آن را به همه مردم توصیه کرده است و اتفاقاً مورد تشویق و حمایت حزب جمهوری اسلامی و ارگان رسمی آن بوده است. آیا امروز کسی هست که نداند هادی غفاری از سردستانان یورش به مراکز و دفاتر سازمان‌های سیاسی صدامیریالیست و اجتماعات آنان و از مستکران

که حرب جمهوری اسلامی و خود آفای خامنه‌ای بارها این سیاست ما را به معنی دشمنی با انقلاب مردم ایران معرفی کرده‌اند! برای آنکه روشن شود جلوی این پدیده صد مردمی را از کجا باید گرفت کافی است به سیاست تبلیغاتی مطبوعات و رادیوی جمهوری اسلامی ایران نظری بیندازیم. کافی است به فتواها و احکام مقامات جمهوری اسلامی ایران و حکام شرع دادگاه‌های انقلاب دقت کنیم. و حرازاد دور برویم؟ کافی است گاهی به اطلاعیه مورخ شنبه ۲۵ شهریور ماه کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۹ بیندازیم تا بفهمیم که چه کسانی راه «خطا» و «خلاف» بیموده‌اند و چگونه «معروض» یا خیر خواهند.

با ایبهمه علیرغم بردیهای حدی به اعتبار و نقتی و سهم حجت‌الاسلام خامنه‌ای و بارایشان در نفویب و تشویق «حماقداران» که نسبت به صدق گفتارشان وجود دارد، ما از هر افرادی که به مرگ و سادی اسی پدیده ضد مردمی سیحامد، قاطعانه حمایت می‌کنیم. چه هر کوششی در اسی زسه از حمایت و ششاسی همه کسانی که به وحدت مردم و تحکیم حبه انقلاب مردم در سارره علم امیریالیسم جهانی سرگردگی امیریالیسم آمر اعتقاد دارند و بدان عمل می‌کند، برخوردار است.

حمایت امریکا را که در پی بی‌اعتبار کردن اقدام انقلابی تسخیر سفارت جلوگیری از رسوائی بیش امیریالیسم امریکا هستند خشی کنند. مجلس ثورا اسلامی نیز اگر بخواهد به خواست توده‌ها و به خواست انقلاب توجه کند باید ا محاکمه جاسوسان جنایتکار امریکا و محاکمه امیریالیست امریکا حمایت کند. کسای که برای جلوگیری از محاکمه جاسوسان، مردم میهن ما را از دخالت نظامی امیریالیست امریکا می‌ترسانند و کسای که واقعا از دخالت امریکا سب دارند، باید بدانند که در صورت هرگونه تجاوز امریکا به خاک ایران، مردم سار میهن، ایران را کورسار امیریالیسم امریکا خواهد کرد.

مردم جهان و ارتقاء آگاهی همه زحمتکشان جهان تاثیر خواهد داشت و از همین رو است که امیریالیسم امریکا محافل لیبرال و همه نیروهای مورد حمایت امیریالیسم، دولت ایران را از محاکمه جاسوسان جنایتکار امریکائی سخت برحذر می‌دارند و می‌کوشند تا هرچه زودتر به این بحران فیصله دهند.

اگر محاکمه گروگان‌ها که خواست میلیون‌ها مردم مبارز ایران و مورد حمایت قاطعانه نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه است، عملی شود قطعا نه تنها امیریالیسم امریکا بلکه درجریان چنین محاکمه‌ای دوستان و جاسوسان امیریالیسم و همه محافل مورد حمایت آن رسوا خواهند شد و پایگاه داخلی

## بقیه از صفحه ۱ باید جاسوسان امریکائی...

اجرای سیاست‌های امریکا به محاکمه کشیده شوند، امیریالیسم امریکا در صحنه جهان، در پیشگاه خلقهای ستمکش ایران و جهان و هم‌چنین در انظار کارگران کشورهای امیریالیستی آنچنان مفتضح و رسوا خواهد شد و مردم جهان از جان جنایات هول انگیز و تکان‌دهنده‌ای باخبر خواهند گشت که از هم‌اکنون می‌توان گفت چنین محاکمه‌ای نه تنها در گسز و تعمیق مبارزات صدامیریالیستی مردم میهن ما و منطقه خاورمیانه بلکه در شناساندن چهره کریه و جنایتکار امیریالیسم به همه

مرداد تاکنون هزاران ایرانی مبارز را در شکنجه‌گاه‌ها تنگ پاره کرده، میلیون‌ها تن از مردم را ورشکسته و خانه‌خوار کرده و با غارت ثروت‌های بیکران مردم ایران و استثمار بی‌رحمانه زحمتکشان ایران میلیون‌ها ایرانی را در فقر و ذلت غوطه‌ور ساخته است. بدون شک اگر امروز در میهن ما، امیریالیسم امریکا بخاطر نقض استقلال ملی ایران، ایجاد دستگاه‌های تفتیش عقاید و ارتکاب جنایات وحشیانه و ضد بشری محاکمه شود، اگر جاسوسان امریکائی به عنوان عوامل

هفته گذشته دولت انگلیس سفارت خود را در تهران تعطیل کرد. سفارت انگلیس از ماهها قبل عملاً تعطیل شده بود ولی برای خالی نبودن عریضه چند نفری در آن کار می‌کردند و دولت انگلیس با تکیه بر امیدهای واهی این موضوع را رسماً اعلام نمی‌کرد.

انقلاب ایران ضمن وارد کردن ضربه‌های عمیق به منافع امپریالیست‌ها در میهنمان، کل منافع آنان را در منطقه خاورمیانه به مخاطره انداخته است. با توجه به اینکه ۶۰ درصد از سرمایه‌گذاری‌های خارجی امپریالیسم انگلیس در خلیج فارس و اقیانوس هند است به خوبی روشن می‌شود که چرا امپریالیسم انگلیس در تمام توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران شریک و نزدیک‌ترین یار دشمن اصلی تمام خلقهای جهان بوده و هست. بخصوص در چند ماهه اخیر دولت انگلیس به طرق مختلف توطئه‌های خود را با امپریالیسم آمریکا هماهنگ کرده و تحت فرمان

سفارت انگلیس در تهران تعطیل شد. (مطبوعات)

## چگونه امپریالیسم انگلیس شبکه‌های جاسوسی خود را حفظ می‌کند؟!

مورد رفتار با دانشجویان ایرانی نیز انجام گرفت و دولت انگلیس همانند دولت جنایتکار آمریکا، بی‌شمارانه اقدام به ضرب و شتم و بازداشت و اخراج دانشجویان ایران مقیم آن کشور کرد. دولت انگلستان به معنی چشم‌پوشی از منافع خود نیست بلکه این اقدام اولاد در چارچوب برنامه‌ریزی جدید امپریالیسم جهانی و با توافق‌های امپریالیست‌ها علیه انقلاب ما است و ثانیاً این اقدام، دست‌آهرا را در طرح توطئه‌های جدید باز می‌گذارد. به همین دلیل کاهش پرسنل سایر سفارت - خانه‌های کشورهای اروپای غربی نیز بخشی از این توطئه‌ها ارزیابی می‌شود. حقایق فوق به درستی نشان می‌دهد که تمامی

عمومی جهان را نسبت به حقانیت مبارزات مردم میهنمان معشوش کند تا بدین‌وسیله خلقهای ایران را از پشتوانه عظیم مردم زحمتکش کشورهای سرمایه - داری و خلقهای تحت ستم محروم سازد و اکنون نیز بدان ادامه می‌دهد. هماهنگی دسایس امپریالیسم انگلیس با امپریالیسم آمریکا تا آنجا پیش رفت که شبکه جاسوسی "انتلیجنت سرویس" انگلیس با همکاری "سیا" و "موساد" در داخل کشور بر فعالیت خود افزود. کشف اخیر شبکه جاسوسی در "اسقفی اعظم" اصفهان و ارتباط این شبکه با چند شهر دیگر که دولت انگلیس توسط مسیونرهای مذهبی خود ایجاد کرده بود گویای این حقیقت است: این هماهنگی‌ها حتی در

امپریالیسم آمریکا عملیات آشکار خود را علیه انقلاب ایران آغاز کرد. بطوری‌که دولت انگلیس از پیشنهاد آمریکا مبنی بر محاصره اقتصادی کشورمان استقبال کرد و آن را فوراً به اجرا گذاشت. همچنین دولت انگلیس پیشنهاد آمریکا را دایر بر توطئه‌های نظامی علیه انقلاب ایران پذیرفت و تقویت نظامی نیروهای جنگی انگلیس را در اقیانوس هند به تصویب رساند. حتی چندی پیش مارگارت تاچر نخست‌وزیر انگلیس به دعوت آمریکا پاسخ مثبت داد و یک اسکادران از نیروی دریایی خود را روانه خلیج فارس کرد. علاوه بر آن انگلیس که کلیه اقدامات تبلیغاتی زهرآگین خود را علیه انقلاب ایران نسبت داد و از این طریق سعی کرد افکار

دولت‌های امپریالیستی اروپا متحدان بدون قید و شرط امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران هستند. این حقایق برخلاف تصور واهی بعضی از دولتمردان جمهوری اسلامی است که سعی دارند دوستان جهانی انقلاب ایران را در میان کشورهای امپریالیست جستجو کنند. این کشورها دشمنان واقعی تمام خلقهای جهان از جمله ایران هستند. دوستان واقعی انقلاب شکوهمند مردم ما، آن کشورهایی هستند که به اشکال گوناگون علیه امپریالیسم جهانی و دول دست‌نشانده آن درستیزند. دولت جمهوری اسلامی بعد از ۱۹ ماه با سردرگمی در شناختن دوستان و دشمنان انقلاب، خلقهای مبارز ما را از امکانات وسیعی محروم ساخته است. امروز انقلاب ما دوران حساسی را می‌گذراند. باید این واقعیت را درک کرد و با انتخاب درست دوستان واقعی و با استفاده از امکانات وسیع آنان، راه را برای شکوفایی هرچه بیشتر انقلاب گشود.

## راهپیمائی کمیته ضد امپریالیستی

### دانشجویان ایرانی در لندن



جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در ایران و معرفی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران در سطح انگلیس به شمار می‌آید. برخی از شعراهای راهپیمائی عبارت بود از: زنده باد همبستگی بین‌المللی وقتی که خلق متحد باشد آمریکا محکوم به شکست است حمایت از بختیار و حمایت از جلادان ارتش شاه را متوقف کنید! مرگ بر بختیار خائن مرگ بر صهیونیسم پیروز باد فلسطین مرگ بر امپریالیسم انگلیس زنده باد طبقه کارگر انگلیس دانشجویان را آزاد کنید! اخراج دانشجویان را متوقف کنید! دستها از ایران کوتاه!

قبل آغاز گردید. تهیه شعارها، پخش وسیع فراخوان این راهپیمائی در روزهای متعدد در نقاط پر - جمعیت شهرهای مختلف انگلیس، تماس با گروه‌های مترقی انگلیس برای جلب پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران از جمله تدارکات انجام شده در رابطه با این راهپیمائی بود. راهپیمائی روز یکشنبه ساعت ۲ بعد از ظهر از هاید پارک لندن آغاز گردید. صدها نفر از هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) و صدها نفر عناصر مترقی ضد امپریالیست از شهرهای لندن منچستر، لیدز، برادفورد، شفیلد، هادسفیلد، برایتون نیوکاسل، بیرمنگام، آکسفورد و ایسویچ برای شرکت در این راهپیمائی گرد آمده بودند. صف - تظاهر کنندگان با نظم و ترتیب بسیار در حالی که شعارهای خود را به زبان انگلیسی با فریادهای



در تاریخ ۹ شهریور ۱۳۵۸ برابر ۳۱ اگوست ۱۹۸۰، راهپیمائی باشکوهی از طرف کمیته ضد امپریالیستی دانشجویان ایرانی در خارج کشور در لندن برگزار گردید. این کمیته تاکنون سه برنامه ضد امپریالیستی افشاگرانه برگزار نموده است. اولین برنامه کمیته تظاهرات ایستاده در اعتراض به دستگیری دانشجویان ایرانی در انگلیس بود که در جلو



## بازداشت و محاکمه تیمسار باقری

### به سود انقلاب است

روز شنبه ۲۳ شهریور ماه، تیمسار باقری فرمانده پیشین نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هنگام فرار از کشور توسط پاسداران مستقر در فرودگاه مهرآباد دستگیر و به دادگاه ویژه انقلاب اسلامی ارتش تحویل داده شد.

افدام تیمسار باقری (که موضوع خروج بوده است) برای فرار هشداری دیگری است مبنی بر خطری که از جانب فرماندهان و امرای ارتش انقلاب رحمگشایان ایران را تهدید می‌کند. براساس گزارش پاسداران، تیمسار باقری قبل از فرار با "پایون دولت" در فرودگاه تماس گرفته و این خود نشان دهنده این است که دست‌های دیگری در درون حکومت در فرار باقری دخالت داشته‌اند. حوادث ماه‌های اخیر از جمله نقش فرماندهان ارتش در واقعه طیس، نقض فعالانه ارتش در کودتای امریکائی ماه‌های گذشته، افشا شدن وابستگی مزدورانی و... که زمانی حساس‌ترین پست‌های ارتش را در اختیار داشته‌اند، همه نشان می‌دهد که تبلیغات جمهوری اسلامی ایران برای ثابت کردن این ادعا که ارتش شاهنشاهی به ارتشی مردمی تبدیل شده، فریبی بیش نیست و ارتش همچنان یکی از موثرترین دستگاه‌هایی است که در صورت تهاجم ضد انقلاب امپریالیستی نقش عمده‌ای بر عهده خواهد داشت.

جا دارد آقای بی‌صدر به عنوان یکی از حامیان سرسخت ارتش کنونی برای مردم توضیح دهد چرا و چگونه زمانی که مردم ما هر روز شاهد توطئه ارتش و عناصر وابسته درون آن می‌باشند، خطاب به آنها اعلام می‌دارد که "از این ارتش خیانت نخواهید دید"!

آقای رئیس جمهور که همواره مدعی است باید حقایق را برای مردم گفت، چرا خود درباره وقایعی که در ارتش می‌گذرد، نه تنها واقعات را به مردم نمی‌گوید بلکه بر روی آنها سرپوش گذارد و آنها را واروه جلوه می‌دهد؟

سیاستی که جمهوری اسلامی ایران در قبال ارتش اتخاذ کرده تاکنون متضمن خطرات بسیاری برای انقلاب ایران بوده است. از قیام بدین سو

سعی دارند از بیان مشکلات و مسائل مردم از تریبون مجلس جلوگیری به عمل آورند.

بطور نمونه در سخنرانی رضا اصفهانی در جلسه علنی روز یکشنبه ۲۳ شهریور همین گروه از نمایندگان بارها کوشش کردند تا جلوی صحبت کردن او را بگیرند. از حمله وقتی که این نماینده گفت:

**"در این زمان هستند کسانی که چند میلیارد ریال ثروت اندوخته‌اند و هیچ‌کس نیست که از آنها بپرسد که اینها را از کجا آورده‌اید"**

مجلس به وسیله گروهی از نمایندگان در مخالفت با این سخنان متشنج شد. پی‌ها هنگامی که وی گفت:

**"هر جا صحبت از حقوق مستضعفین می‌شود، می‌گویند اقتصاد هدف نیست، بلکه اقتصاد هدف نیست، وسیله است"** باز هم برخی از نمایندگان مجلس را شلوغ کرده و کوشیدند از ادامه صحبت وی جلوگیری کنند. فریادها و حمال‌های این گروه از نمایندگان آف‌قدر ادامه یافت که رضا اصفهانی مجبور شد اعلام دارد که در مجلس "این جو جدیدی است که نمی‌گذارند حرفها زده شود.

جالب‌تر از همه اینکه رئیس مجلس به باطن تذکر داد که از تریبون مجلس سوءاستفاده نکند!

آیا از نظر آقای هاشمی رفسنجانی اعلام این مطلب که در این مملکت کسانی هستند که میلیاردها ریال ثروت اندوخته‌اند، سوءاستفاده از تریبون مجلس است؟ آیا او تعهد کرده است که هرگز کلامی علیه سرمایه‌داران از پشت تریبون مجلس گفته نشود؟ اعمال چپ‌سنگی در مجلس رو‌ش‌هایی است که امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته است. تعجبی ندارد که نمایندگان لیبرال‌ها همه کوشش خود را در چنین راهی به کار گیرند. اما اگر آن بخش از نمایندگان که واقعا خواهان مبارزه با امپریالیسم هستند بر چنین روش‌هایی صحه گذارند، دیری نخواهد پایید که مجلس شورا نیز همچون دولت موقت مهندس بازرگان ارحاب نوده‌های ملبیوسی مردم طرد خواهد شد.

## در مجلس شورای اسلامی چه می‌گذرد؟

### موسوی بجنوردی:

## بازرگانی خارجی باید صد درصد ملی شود

تاکنون در برابر ملی کردن بازرگانی خارجی (که در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز پیش‌بینی شده) مقاومت کرده است. ملی شدن بازرگانی خارجی ضربه سختی بر پیکر سرمایه‌داران تجاری که از جانب امپریالیسم حمایت می‌شوند وارد خواهد آورد. اما جمهوری اسلامی تاکنون سیاستی را به پیش برده است که تنها مورد پشتیبانی بچار بزرگ بوده است.

اکنون مجلس شورای اسلامی باید به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات خویش به اجرای اصل "ملی کردن کامل بازرگانی خارجی" بپردازد. هرگونه تعلل و بی‌توجهی نسبت به این امر، جز تشدید گری و تورم و دامن زدن به احتکار کالاها ثمری دربر نخواهد داشت. بدون شک در درون مجلس شورای اسلامی نمایندگان وجود دارند که از مافع سرمایه‌داران تجاری دفاع می‌کنند، آنها با ملی کردن بازرگانی خارجی مخالف هستند و اگر به دلیل فشار مردم و نیروهای مترقی نتوانند مستقیماً مخالفت خود را بروز دهند اما به انحاء مختلف برای جلوگیری از تحقق این امر خواهند کوشید.

نمایندگان مترقی درون مجلس باید خواستار بررسی و تصویب اصل "ملی شدن کامل بازرگانی خارجی" باشند آنها باید مجلس را وادار سازند تا به این ترتیب از یکسوگامی درجهت کاهش گری، تورم و مقابله با احتکار کالاها بردارد و از سوی دیگر چهره مخالفان اجرای این اصل در سزد توده‌های مردم افشاء شود.

چنین کوششی مورد تأیید و پشتیبانی همه زحمتکشان و نیروهای ترقی‌خواه خواهد بود.

### از نظر آقای رفسنجانی بیان واقعات سوءاستفاده از تریبون مجلس است!

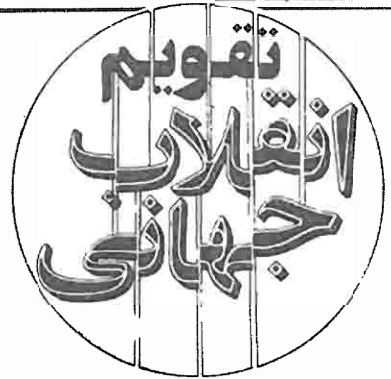
بیشتر مردمی که اخبار مجلس شورای اسلامی را دنبال می‌کنند و شاهد جلسات علنی آن از طریق تلویزیون هستند، متوجه شده‌اند که گروهی از نمایندگان مجلس همواره با هو و جنجال

در جلسه علنی شورا در روز پنجشنبه ۱۳ شهریور ماه محمدکاظم موسوی بجنوردی، نماینده تهران در سخنرانی خود خواستار ملی شدن کامل بازرگانی خارجی شد. وی گفت:

**"الان وقتی که به آن بازاری کردن کلفت می‌گوئیم چرا گران می‌فروشید، می‌گوئید ما در انقلاب شرکت کردیم... باید به آنها گفت شما که پس از انقلاب صد برابر مردم را چاییدید!"**

بجنوردی در این سخنان به یکی از مشکلات مهمی که زحمتکشان ایران با آن دست به‌گریبان هستند، اشاره کرده و با پیشنهاد ملی کردن بازرگانی خارجی راه مقابله با آن را نیز خاطر نشان ساخت. یکی از دلایل گری، کمبود کالا و تورم وحشتناکی که اکنون توده‌های مردم با آن مواجه هستند، کنترل بازرگانی خارجی توسط مشتی از تجار کردن کلفت بازار می‌باشد. تجاری که پس از انقلاب صد برابر مردم را چاییده‌اند! پس از قیام، سرمایه‌داران بسیاری سرمایه‌های خود را به بخش تجارت منتقل کرده‌اند آنها با این عمل قصد داشتند سرمایه خود را از خطرات ناشی از انقلاب حفظ کنند. در این بخش (تجارت) سرمایه‌داران تقریباً از خطر شوره‌های کارگران و مبارزات کارگری درامان بوده و قانون به اصطلاح ملی کردن صنایع نیز شامل حال آنها نمی‌شده است. کمبود کالا در بازار (که به دلیل اخلاص در امر تولید و تحریم اقتصادی و... به وجود آمده و بازاریان بزرگ سیز بدان دامن می‌زنند) سودهای شگفت‌آوری را برای سرمایه‌داران تجاری فراهم آورده است. آنها با احتکار تولیدات داخلی و تنظیم واردات به دلخواه خویش و افزایش روزافزون قیمت‌ها، سودهای کلانی به جیب می‌زنند. سودهای هنگفتی که تاکنون به نهای فقر و بدبختی بیشتر توده‌های مردم تمام شده است.

جمهوری اسلامی ایران در برابر سرمایه‌داران بزرگ بازار سیاست سازشکارانه‌ای را در پیش گرفته است و علیرغم همه فشارها و خواست‌های مردم و نیروهای انقلابی



## تجربه شیلی؛

# نفی فرمیسیم، اثبات انقلاب

که در سال ۱۹۶۵ تشکیل شده بود و در دوره حکومت فری (قبل از آلنده) توانسته بود تاحدودی در بین کارگران، دهقانان و روشنفکران پایه بگیرد، در افشای عاملین قتل ژنرال اشنایدر نقشی اساسی داشت. این سازمان برخلاف توهامات فرمیستی آلنده و حزب "اتحاد خلقی" که معتقد به رسیدن به سوسیالیسم از طریق تبدیل نهادهای بورژوازی به نهادهای پرولتری بود، اعتقاد داشت که دستگاه دولتی بورژوازی را نمی‌توان تبدیل به نهادهای پرولتری نمود بلکه با تکیه بر اصول مارکسیسم - لنینیسم تاکید می‌نمود که برای برقراری سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا، دولت بورژوازی را باید درهم شکست و دیکتاتوری طبقه کارگر را بر ویرانه‌های آن بنا نمود.

"میر" در ابتدا دچار این اشتباه تاکتیکی شد که "اتحاد خلقی" قادر به کسب پیروزی انتخاباتی نخواهد بود و تاکتیک‌های خود را بر مبنای شکست "اتحاد خلقی" در انتخابات و یا سرکوب فوری آن به وسیله بورژوازی در صورت پیروزی تنظیم نمود. این اشتباه در اثر کم بها دادن به تضادهای درونی بورژوازی و امکان مانورهای از طرف "اتحاد خلقی" (مثل مذاکرات آلنده و حزب دمکرات مسیحی) به وجود آمد. اما این سازمان در بیانیه‌ای که یکماه قبل از پیروزی آلنده انتشار داد به این اشتباه خود اعتراف نمود و امکان پیروزی انتخاباتی آلنده را محتمل اعلام نمود. "میر" که قبل از این موضع‌گیری معتقد بود که درگیری انقلاب و ضدانقلاب به زودی در پایان انتخابات فرا خواهد رسید، اعلام کرد که این مقابله به تعویق افتاده است اما زمینه آن هرگز از بین نرفته است.

میر در ارزیابی از پیروزی انتخاباتی آلنده اعلام نمود:

"کارگران هم اکنون این حق را به دست آورده‌اند که انحصارات خارجی، بانکها، کارخانه‌ها و زمین را به مالکیت خلق درآورند. مردم اکنون پرزیدنت آلنده را انتخاب کرده‌اند و این مسئله به هیچ‌وجه قابل مذاکره نیست. وظیفه اساسی جنبش عبارت است از دفاع از پیروزی انتخاباتی در مقابل مانورهای بورژوازی، مبارزه در جهت سازماندهی توده‌ها با شروع از این واقعیات و فرموله کردن سیاستی در قبال افسران یائین و سربازان در نیروهای مسلح. ما به خطراتی که در مقابل مردم و راه کسب قدرت به وسیله کارگران از طریق اکثریت انتخاباتی وجود دارد انگشت گذاشته و با این نیت که آنها را برای مقابله (با بورژوازی) که این راه خواه ناخواه به آن منجر خواهد شد آماده خواهیم ساخت. ... ما از بخش‌های انقلابی اتحاد خلقی حمایت خواهیم نمود و کوشش خواهیم کرد مراکز تصمیم‌گیری را از گاخ ریاست جمهوری و راه‌روهای گنگره به جبهه‌های متشکل توده‌ها منتقل نمائیم."

الساندری کاندیدای مستقل نماینده جناح راست (۳۴/۹ درصد آراء) و رودمیرو تومیک از حزب دمکرات مسیحی (۲۷/۸ درصد آراء) حمایت می‌نمودند. حزب دمکرات مسیحی تحت شرایط بحران، تومیک یکی از "رادیکال‌ترین" عناصر خود را با شعارهای "توده‌پسند" به میدان فرستاده بود. در نتیجه آلنده که در انتخابات سال ۱۹۶۴ (علیرغم آنکه رای بیشتری از سال ۷۰ کسب کرده بود) از نماینده مشترک جناح‌های بورژوازی ادواردو فری شکست خورده بود، در این سال توانست اکثریت آراء را کسب نماید.

بر طبق قانون اساسی شیلی چون هیچ‌یک از کاندیداها اکثریت مطلق آراء را کسب نکرده بود، گنگره این کشور از بین دو نفری که بیشترین آراء را کسب کرده بودند، یکی را انتخاب می‌کرد تا آن زمان در شیلی اکثر ریاست جمهوری‌ها بخاطر عدم کسب اکثریت آراء از طرف گنگره انتخاب شده بودند و گنگره‌ها نیز هر بار نفر اول را انتخاب نموده بود. اما این بار انتخاب آلنده که با برنامه مشخصی (\*\*\*\*) به میدان آمده بود و جنبه‌های رادیکال این برنامه بورژوازی شیلی را در هراس فرو برده بود، بسیار مشکل می‌نمود.

برنامه "اتحاد خلقی" علیرغم آنکه در چارچوب نظام بورژوازی و با تاکید بر حفظ نهادهای دولتی بورژوازی تدوین شده بود، حاوی نکات مترقی در زمینه ضرب‌زدن به منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران بود و بنابراین آنها به هیچ‌وجه نمی‌توانستند به آن تن دهند. از طرفی حزب دمکرات مسیحی که با شعارهای "چپ" به میدان آمده بود و در برنامه‌اش با برخی نکات برنامه "اتحاد خلقی" نزدیکی داشت و بدین وسیله بخش‌هایی از خرده بورژوازی را به خود جلب کرده بود، قادر نبود که یکباره چرخش کرده و به دفاع از الساندری نماینده راست دست بزند. این حزب برای حفظ منافع بورژوازی به مانور جدیدی دست زد و در مذاکره با آلنده اعلام نمود در صورتی که وی برنامه خود را به حفظ "قانونیت" و احترام به پارلمان و ... محدود کند و تضمین نماید که آن را تنها از این طریق به پیش برد، از وی حمایت خواهد نمود. آلنده یک بار دیگر این تضمین قانونی را اعلام نمود و بدین طریق شرایط تاکید ریاست جمهوری خود را به دست آورد.

اما جناح راست بورژوازی از همان آغاز مخالفت خود را با انتخاب آلنده بطور علنی اعلام نمود. این جناح سعی کرد از طریق تظاهرات خیابانی ارتش را وادار به مداخله نماید تا قدرت را به دست بگیرد. برای این منظور راست‌ها ژنرال اشنایدر را (که معتقد به عدم مداخله ارتش در امور سیاسی و حفظ قانون بود) ترور کردند و سعی نمودند مسئولیت آن را به گردن آلنده و "اتحاد خلقی" بیندازند و بدین ترتیب شرایط را برای عدم رای پارلمان فراهم نمایند، اما این توطئه برملا شد و برنامه آنها با شکست مواجه گردید. پارلمان ریاست جمهوری آلنده را تأیید نمود و وی رسماً در این مقام قرار گرفت.

میر و "اتحاد خلقی" سازمان "میر" (جنبش چپ انقلابی شیلی)

در ۲۱ شهریور ۱۳۵۲ خبر کودتای امریکائی در شیلی به سرعت در سراسر جهان منتشر شد. ژنرال‌های نظامی شیلی بسرکردگی اگوستینو پینوشه به دستور و حمایت امپریالیسم امریکا، حکومت مترقی سالوادور آلنده را سرنگون ساختند و با کشتار هزاران میهن‌پرست شیلیائی حکومت نظامی‌ای را که اکنون هفت سال است رسالت دفاع از منافع امپریالیسم را در شیلی برعهده گرفته، برکشور حاکم ساختند. تجربه حکومت سه ساله آلنده و کودتای امریکا که جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم شیلی را سرکوب ساخت و هزاران تن از مبارزان این کشور را از دم تیغ فرماندهان امریکائی ارتش گذراند، حاوی درس‌های بسیاری است. تاکید بر این درس‌ها، بخصوص در شرایط کنونی میهن ما حائز اهمیت بسیار است.

شیلی جزو معدود کشورهای امریکای لاتین است که در آن یک سنت تاریخی و طولانی دمکراسی بورژوازی وجود داشته است. از آغاز قرن حاضر که سرمایه‌داری در این کشور رشد نمود، بورژوازی این کشور همواره سعی داشته سنت‌های قانونی و پارلمانی را حفظ کند. می‌توان گفت در تاریخ اخیر شیلی تا قبل از کودتای پینوشه بجز چند دوره کوتاه دیکتاتوری عربان بورژوازی، سرمایه - داران این کشور حکومت خود را با اتکاء بر "قانون اساسی" ساخته و پرداخته خود و "قانونت" بورژوازی حفظ نموده‌اند. احزاب چپ در شیلی که سابقه آنها به دهه‌های آغازین قرن حاضر و تولد طبقه کارگر شیلی باز می‌گردد بحر در مواردی که دیکتاتوری عربان بر کشور حاکم بوده است، امکان یافته‌اند که فعالیت‌های خود را بطور علنی پیش برده و از این طریق در زندگی سیاسی کشور شرکت نمایند. (آگاهی بر این مسئله به ما اجازه می‌دهد که دید روشن‌تری از چگونگی به قدرت رسیدن آلنده کسب نمائیم.

سالوادور آلنده که نماینده جناح مرکز حزب سوسیالیست شیلی بود برای چندین دوره متوالی نماینده پارلمان این کشور بود (بک‌دوره رئیس پارلمان) و در چهار دوره انتخابات ریاست جمهوری از طرف ائتلاف‌های مختلف شرکت جسته بود (۱۹۵۲، ۱۹۵۸، ۱۹۶۴ و ۱۹۷۰) وی در سال ۱۹۷۰ از طرف "اتحاد خلقی" (U.P) (\*\*\*) در انتخابات شرکت کرد و توانست با کسب ۳۶/۳ درصد آراء در راس کاندیداها قرار گیرد. عواملی که اجازه دادند آلنده در این انتخابات پیروز شود، از این قرار است:

- ۱- تشدید بحران اقتصادی در شیلی و ناتوانی بورژوازی در مقابله با آن.
- ۲- رشد جنبش توده‌ای و بالارفتن سطح آگاهی و تشکل طبقه کارگر.
- ۳- اوج‌گیری تضاد بین جناح‌های بورژوازی شیلی.

در انتخابات سال ۱۹۷۰ شیلی، بورژوازی این کشور دچار تضاد و چنددستگی شدیدی شده بود و احزاب بورژوازی نتوانستند در مقابل آلنده به وحدت برسند و از کاندیدای مشترکی حمایت نمایند. این احزاب عمدتاً از دو کاندیدا جرج





## (قسمت دوم) مبارزات کارگران سیمان ری حول خواست طرح طبقه بندی مشاغل

نسبتاً عینی از توان و سطح مبارزاتی کارگران داشته باشد، بدون آنکه امکان تعدیل و معقول کردن خواست کارگران و امکان به کارگیری اشکال مبارزاتی دیگر را در نظر داشته باشد، تنها به این اعتبار که خود لزوم عمل خویش را درک کرده است، حرکت کارگران را متوقف می‌سازد و در توجیه اقدام خود عنوان می‌کند که اکثر کارگران خواهان ادامه مقاومت نبوده‌اند. به این ترتیب بطور متوالی حرکتی جدا از توده جای خود را به حرکتی دنباله‌روانه و بالعکس می‌دهد و این نوسان، تزلزل و دوگانگی مانع از آن می‌شود که شورا بتواند رابطه‌های اصولی بین خود و توده کارگران برقرار کرده و زمینه را برای پیشبرد آگاهانه مبارزه کارگران فراهم سازد.

۳- فعالین شورا بنا به نگرش محدود خود نتوانستند به ارزیابی صحیحی از ترکیب و توان نیروهای درون انجمن اسلامی و میزان نفوذ عملی هر یک از این نیروها دست یابند و خط و مرز روشن و مشخصی بین عناصر ضد کارگران نظیر "فرخ رو" و اعضای معمولی آن ترسیم کنند. آنها (فعالین شورا) مناسبات خود را با هر یک از نیروهای درون انجمن بر پایه شناخت صحیحی از ماهیت و مضمون عملکردهای آن قرار نداده و شیوه برخورد خود را با هر یک از این نیروها بر اساس چنین شناختی مبتنی ساختند. شورا می‌بایست با اتخاذ سیاستی درست نیروهای صادق درون انجمن اسلامی را به سمت خود جلب و یا حداقل بی‌طرف ساخته، عناصر ضد کارگر آن را افشاء و متفرد ساخته و بدین طریق توازن نیروها را بیش از پیش به سود کارگران برهم می‌زد.

بیش انحرافی حاکم بر شورا با ندیدن تفاوت‌های ماهوی بین کارگران مذهبی و عناصر ضد کارگری که سنگ "اسلام" بر سینه می‌زدند، با یکی پنداشتن آنان و با درپیش گرفتن سیاست تقابل و تعارض باکل انجمن اسلامی عملاً بر امکانات و توازن بالقوه مدیریت لیبرال و عناصر ضد کارگر برای تهاجم به شورا افزوده و زمینه را بیش از پیش برای تشدید تبلیغات نفاق‌افکنانه آنان فراهم ساخت.

۴- در این میان رفقای ما نیز کم و بیش به این انحرافات مبتلا بوده‌اند. برخورد منفعلانه با عملکردهای غلط شورا و حتی در بعضی مواقع حمایت از آنها، بخصوص در مورد طرح طبقه‌بندی مشاغل، نداشتن یک سیاست قاطع و روشن در قبال شورا و خطاهای آن، تنها و تنها نشانه آن است که رفقای ما نیز خود به چنین انحرافات دچار بوده‌اند. این استدلال که "چون شورا در زیر فشار مدیریت لیبرال از یک سو و انجمن اسلامی از سوی دیگر قرار داشته است و لذا ما نمی‌توانستیم پشت جبهه شورا را خالی کنیم و آن را در مقابل این فشارها تنها بگذاریم" تنها و تنها می‌تواند توجیهی خجولانه برای سردرگمی و انفعال بیان کنندگان آن باشد. این تفکر هنوز نمی‌فهمد که آنچه که می‌تواند بیش از هر چیز شورا را در مقابل فشارهای وارد بر آن تقویت کند نه سکوت در مقابل خطاها و اشتباهات آن بلکه نقد پیگیر و بی‌رحمانه انحرافات آن و کمک به تصحیح مستمر و مداوم خطاهای کوچک و بزرگ آن است. تنها از این طریق است که می‌توان سنگر تشکل توده‌ای کارگران را به درستی استوار در مقابل هرگونه تعرض و تهاجم امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران بدل کرد و دوستان دروغین کارگران و شوراها را نیز بر جای خود نشاناد.

★

سیاست‌های ضدکارگری وزارت کار در زمینه زیربناهدان حقوق اقتصادی کارگران طی ماه‌های اخیر همواره اعمال می‌شده است و از آنجا که در پاسخ به خواست طرح طبقه‌بندی مشاغل جدید و مترقی (از جانب کارگران)، وزارت کار و مدیران لیبرال همواره کارشکنی می‌کردند. از این رو کارگران سیمان ری بطور خودبخودی و به صرف تجربه به این نتیجه رسیدند که باید خودشان آستین‌ها را بالا بزنند و به فکر تدوین یک طرح طبقه‌بندی جدید و مترقی باشند و منتظر وزارت کار نشوند. از اینجا بود که شعار اقتصادی اجرای طرح طبقه‌بندی طی چند ماه مبارزه مداوم پاپایی گسترش مبارزه‌ای که شورا در راس آن بود تدریجاً و بطور خودبخودی به شعار سیاسی تدوین و اجرای طرح طبقه‌بندی تغییر ماهیت یافت. ریشه گرایش به چپ در رهنمودها و اقدامات شورا را باید بیش از هر چیز در این مسئله دید.

واقعیت آن است که کارگران سیمان ری از آنجا که اکثر در مرز بازنشستگی قرار داشتند، خواهان پیاده شدن طرحی بودند که به اتکاء آن از حقوق و بازنشستگی بیشتری برخوردار شوند. از این رو خواهان تدوین و اجرای فوری و بلادرنگ این طرح بودند. آنها فقط در فکر تحقق خواست خود بودند و شورا نیز با ندیدن همه واقعیت‌های موجود تابع منافع و مطالبات فوری کارگران شده بود. بیش حاکم بر شورا چنان در ذهنیات آشفته خود غرق بود که افزایشی معادل ۴۰٪ برای دستمزدها بیش کشیده بود که این مسئله با تعجب و ناباوری خود کارگران نیز روبرو شده بود.

سرفرود آوردن در مقابل خودانگیختگی کارگران زمانی به روشنی و وضوح خود را آشکار ساخت که در پی جلوگیری از اجرای طرح توسط مدیریت، کارگران از گرفتن حقوق ماهانه خودداری کردند و شورا نیز به دنباله‌روی از حرکت کارگران پرداخت. به این ترتیب شورا بجای آنکه خواست‌ها و مبارزه خودبخودی کارگران را به کانال صحیح آن هدایت کند و از این رهگذر بر آگاهی و تشکل آنان بیفزاید خود به تبعیت کور از حرکت خودپوی کارگران کشانیده می‌شود. اگرچه پیشرو همواره باید عمل مستقیم کارگران را به مرکز ثقل فعالیت خود تبدیل کند لیکن "عمل مستقیم بیشتر از آنکه در شکل مشخص شود، در مضمون آن تعریف می‌شود" و مضمون حرکت خودانگیخته کارگران در اینجا نیز عملی ساختن خواستی بوده است که زمینه عینی تحقق آن اساساً فراهم نبوده است و از این رو نمی‌توانسته است مبنای اتخاذ تاکتیک پیشرو قرار گیرد. خیالپردازی و درک ذهنی شورا نسبت به وظایف خود در تداوم منطقی خویش بدانجا می‌گشود که بطور یکجانبه و خودسرانه پایان حرکت کارگران را بدون کوچکترین نتیجه‌ای اعلام می‌دارد. شورا بدون آنکه یک ارزیابی

۲- تلاش شورا برای تدوین و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل بدون توجه به حدود واقعی اختیارات شوراها در موقعیت کنونی، بدون توجه به آنکه چنین طرحی اساساً نمی‌تواند توسط یک شورا به تنهایی تدوین و در یک کارخانه به تنهایی اجرا شود، بیش از هر چیز انعکاس خودانگیختگی کارگران و تجلی دید خیالپردازانه پیشروان این حرکت بوده است. بینشی که در شرایط کنونی ظرفیت شورای کارخانه را در حدی می‌بیند که توان قانونگذاری و اجرای آن را داشته باشد و شورا را بدون در نظر گرفتن واقعیت صفت‌بندی و تعادل نیروهای طبقاتی ارگان مقتنه و مجرب و در یک کلام ارگان اعمال حاکمیت می‌پندارد، بینشی است که در پیله تنگ اوهام خود گرفتار شده و حاضر نیست به چیزی جز بافته‌های ذهنی خود رجوع کند. این تفکر در سیمان ری مدعی بود که چون "طرح" از پشتیبانی اکثر کارگران برخوردار است لذا اصرار و پیگیری شورا در جهت تدوین و اجرای آن نیز نمی‌تواند نادرست باشد. این تفکر هنوز نمی‌داند که پیشرو نمی‌تواند و نباید اسیر و مقهور تمایلات و شور خود انگیزه کارگران شود، این تفکر هنوز آتقندر ارتقاء نیافته است که بفهمد مبنای معیار حرکت پیشرو در یک کارخانه، تنها خواست‌های آنی و عاجل کارگران همان کارخانه نیست. بلکه در عین حال میزان هماهنگی این خواست‌ها با سطح عمومی مطالبات کارگران در دیگر کارخانه‌ها و ظرفیت عیناً موجود مبارزه کارگران برای تحقق این خواست‌ها نیز می‌باشد. از این گذشته این موضوع که پیشرو باید منافع عینی و عاجل کارگران را در نظر گیرد در جای خود دارای اهمیت است. لیکن از آن مهم‌تر آن است که توجه به این منافع را مطلق نساخته بلکه مبارزه به‌خاطر آنها را با منافع اساسی و نهایی طبقه پیوند دهد.

بزرگترین خطای شورای سیمان در عدم درک این مسئله بود که: هر چند خواست اجرای "طرح طبقه‌بندی مشاغل ابتدائاً یک خواست اقتصادی است ولی چنانچه به شعار "تدوین و اجرای طرح طبقه‌بندی جدید" تبدیل شود دیگر یک خواست اقتصادی نبوده بلکه به یک خواست سیاسی ذهنی تبدیل می‌گردد. خواست سیاسی‌ای که بسیار فراتر از ظرفیت و توان موجود شوراها و سندیکاهای کارگری است. چه، تدوین یک طرح عمومی و قانونی نظیر طرح طبقه‌بندی مشاغل در تحلیل نهائی در حیطه مسئولیت‌های قوه مقتنه قرار می‌گیرد و شوراها یا ارگان اعمال حاکمیت (قوه مقتنه و اجرائیه و...) نیستند بلکه ارگان‌های تشکل توده‌ای‌اند. شورای سیمان در حالتی بینابین میان فشار خودبخودی از پائین برای تدوین و اجرای طرح جدید قرار داشت و از طرفی دیگر نمی‌توانست ظرفیت واقعی شوراها را موجود را به درستی ارزیابی کند و از آنجا که

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشواز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران





## نگاهی به برنامه اقتصادی دولت رجائی

(قسمت دوم)

# خانه از پای بست ویران است خواجه دربند نقش ایوان است

در شماره پیش مقدمه برنامه دولت رجائی که برخوردار دولت و نظریه پردازان جمهوری اسلامی را با مسئله اقتصاد و مالکیت بیان می‌دارد، مورد بررسی و نقد قرار دادیم. مقدمه هر برنامه اقتصادی بیان کننده چارچوب و اصولی است که برنامه در درون آن و مبتنی بر آن به اجرا گذاشته می‌شود. این واقعیتی مسلم است که در این مرحله از انقلاب میهن ما، مبارزه کارگران و زحمتکشان میهن، برای قطع سلطه اقتصادی امپریالیسم جریان دارد. این واقعیت می‌بایست در برنامه اقتصادی دولتی که در پی مبارزه با امپریالیسم است نه تنها تجلی یابد، بلکه اساس و بنیان آن را تشکیل دهد. اما دولت رجائی بجای آنکه در پی آن باشد که برنامه اقتصادی را منطبق با شرایط فعلی و نیازهای انقلاب میهن ما تدارک ببیند، در پی آن بوده است که خطوط و مرزبندی "مکتب" درباره زیربنا بودن یا روبنا بودن اقتصاد و حدود مالکیت مشروع را معین کند و این در حالی است که میلیون‌ها نفر از کارگران و زحمتکشان شهری و روستائی میهن ما و خانواده‌شان گذران زندگی، تهیه قوت و مسکن، پوشاک و بهداشت و دیگر جنبه‌های رفاه مادی را

هر روز دشوارتر و غیرممکن‌تر می‌یابند. این در حالی است که کارخانه‌داران و تجار با مالکیت "مشروعی" که بر سرمایه‌شان دارند، سودهای حیرت‌انگیز "مشروعی" را به جیب می‌زنند و این درحالی است که تحریم اقتصادی امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا، اقتصاد ایران را زیر فشار تدریجی و تشدیدشونده‌ای قرار داده و بر اختلالات درونی آن افزوده است. آری! در این حال است که برنامه دولت بجای تاکید و توجه به امپریالیسم و جنگ اقتصادی که در کنار جنگ سیاسی و تبلیغاتی با ایران برپا کرده است، در پی مرزبندی‌های موهوم میان سرمایه‌داران "جواد و منفق" و سرمایه‌داران "فاسق و مسرف و مترف" است. و حتی برای یکبار هم لفظ امپریالیسم را به کار نمی‌گیرد. همانطور که گفتیم این نحوه نگرش به مسئله تدوین برنامه که از بینش قشری دولت رجائی ریشه می‌گیرد، در هدفها و سیاستهای برنامه تجلی می‌یابد. درباره برنامه کوتاه مدت در شماره پیش سخن رانیدیم، در این شماره به بررسی هدفهای برنامه اقتصادی و برنامه صنعتی می‌پردازیم:

دولت رجائی چه پاسخ‌هایی به این مسائل می‌دهد؟

## درک نادرست دولت رجائی از وابستگی

درباره قطع سلطه امپریالیسم بر اقتصاد ایران هدفهای برنامه دولت مضمونی گنگ، محدود و انحرافی دارد. هرچند در بخش‌های دیگر برنامه اشاراتی به سیاست‌هایی در جهت قطع "وابستگی" شده است اما در هدفهای برنامه، وابستگی عمدتا در انکای بودجه دولت به درآمد حاصل از صادرات نفت خام محدود گشته است. در دبل "هدفهای برنامه اقتصادی" دولت آمده است:

"الف- فراهم نمودن زمینه‌های کاهش و سها قطع وابستگی به خارج بطوریکه اتکاء بودجه به درآمد حاصل از صدور نفت و مواد خام به خارج از بین رفته و بودجه مملکت منکی بر درآمد حاصل از تولیدات داخلی باشد و استقلال سیاسی در حداقل رمان ممکن تحقق یابد."

انکای بودجه دولت به درآمد نفت یکی از بارزترین جنبه‌های وابستگی اقتصاد جامعه ما به امپریالیسم است اما محدود کردن مسئله قطع وابستگی به کاهش نقش درآمد نفت در بودجه از عدم درک صحیح از مفهوم امپریالیسم و وابستگی اقتصادی نشأت می‌گیرد. آنچه برای قطع وابستگی ضروری است، همانطور که در بالا گفتیم گسستن تمامی پیوندهای سلطه‌آمیز با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و درهم کوبیدن روابطی در اقتصاد داخلی است که چنین پیوندهائی را برای رشد و حیات خود ضروری می‌دارد. بی‌تردید پیگیری چنین سیاستی انکای بودجه دولت به فروش نفت خام را به شدت کاهش خواهد داد. اما محدود کردن هدف فقط به کاهش اهمیت درآمد نفت در بودجه دولت انکار ارکان بسیار عمده‌ای در وابستگی اقتصاد میهن ما به امپریالیسم جهانی است.

## ۲- هدف‌های برنامه اقتصادی دولت

همانطور که گفتیم قطع سلطه امپریالیسم بر اقتصاد ایران هدف مبارزات ضدامپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهن ماست. برای آنکه برنامه‌ای بتواند در این جهت پیش رود، باید در آن به روابط اقتصادی که اقتصاد ایران را در تابعیت امپریالیسم جهانی قرار داده است توجه خاص شود. اینها روابطی است که حفظ و دوام آنها، ناگزیر تثبیت و تحکیم مجدد امپریالیسم بر اقتصاد ایران را در پی خواهد داشت. این روابط باید با بسیج سازمان یافته کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان و روشنفکران که در شوراها تحقق می‌یابد و با بهره‌گیری از حمایت اردوگاه سوسیالیستی و سایر کشورهای ترقی‌خواه جهان گسسته گردند.

دولتی می‌تواند در جهت مبارزات ضد امپریالیستی کارگران و زحمتکشان میهن ما گام‌های مؤثری بردارد که از هم‌گسستن این روابط در برنامه کار فراردهد و بکوشد تا ناموزونی‌های عمیق و گسترده اقتصادی را که نتیجه چندین دهه رشد منطح سرمایه‌داری وابسته در ایران بوده است، در جهت رشد دادن به نیروهای مادی تولید ملی، و ایجاد پیوندهای رشد یابنده میان بخشهای تولیدی اقتصاد داخلی برطرف کند. اولویت بخش‌های اقتصادی را معلوم بدارد و رابطه هر یک از این بخشها را با بخش‌های دیگر اقتصاد میهن ما معین کند و آنگاه سیاست‌های لازم برای نیل به این هدفها را بیان دارد. چنین برنامه‌ای باید نیازهای رو به رشد کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان میهن ما را تأمین کند و اولویتها و سیاست‌های لازم به تحقق آن را معلوم کند. دولتی که چنین برنامه‌ای را ارائه کند و توان اجرای آن را هم داشته باشد، دولتی است که نماینده طبقه کارگر و زحمتکشان میهن است، اما اکنون ببینیم برنامه

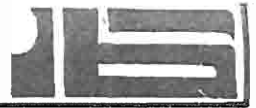
آیا اقتصاد کشوری چون کره جنوبی که بخش عظیمی از صادراتش را محصولات صنعتی ساخته شده در واحدهای تولیدی وابسته به انحصارات امپریالیستی تشکیل می‌دهد و بودجه دولت آن نیز منکی نه به صدور نفت و نه به مواد خام دیگری است، اقتصادی مستقل است؟ خوب می‌دانیم که کره جنوبی یکی از وابسته‌ترین کسورها به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا است. از این مثالها در درجات مختلف کم نیستند. طرح مسئله وابستگی بدین ترتیب حکایت از ناتوانی دولت در درک مفهوم و عینیت وابستگی اقتصادی به امپریالیسم می‌کند.

## برنامه دولت رجائی و سرمایه‌داران وابسته

در حالی که خیلی از سرمایه‌داران متوسط وابسته هنوز هم پس از یکسال و نیم بعد از قیام بهمین ۵۷ در پایگاه‌های اقتصادی خود قرار دارند و بسیاری از آنان در گوشه‌های کمین کرده‌اند تا هرچه زودتر برای سرمایه‌داران انحصاری فراری نشینند و آنچه آنان می‌کردند اینان نیز زیر پوشش اسلام بکنند، برنامه دولت رجائی صحبتی از سرمایه‌داران وابسته به میان نمی‌آورد. در حالی که کارخانه‌داران و تجار مورد حمایت امپریالیسم هر روز، با دامن زدن به شعله‌های خانمانسوز گرانی، کارگران و زحمتکشان میهن ما را تحت فشار هرچه شدیدتری قرار می‌دهند و بدین ترتیب در خدمت امپریالیسم، در جهت به انحراف کشاندن جنبش انقلابی میهن ما قرار دارند، دولت رجائی خلعید از آنان را در برنامه خود قرار نمی‌دهد. ممکن است بر ما خرده گیرند که مقدمه دوم برنامه که در باب مالکیت و محدودیت‌های آن است که خود می‌تواند حاکی از توجه دولت به چنین مسئله‌ای باشد. ما می‌گوئیم کاربرد مفهوم مالکیت "مشروع" و "مشروط" را که مفهوم بسیار مبهم و کلی است یکبار پیش از این هم در قانون معروف به قانون ملی‌شدن صنایع که در زمان بازرگان به تصویب شورای انقلاب رسید، دیده‌ایم دیده‌ایم که

● در حالی که خیلی از سرمایه‌داران متوسط وابسته هنوز هم پس از یکسال و نیم بعد از قیام بهمین ۵۷ در پایگاه‌های اقتصادی خود قرار دارند و بسیاری از آنان در گوشه‌های کمین کرده‌اند تا هرچه زودتر برای سرمایه‌داران انحصاری فراری نشینند و آنچه آنان می‌کردند اینان نیز زیر پوشش اسلام بکنند، برنامه دولت رجائی صحبتی از سرمایه‌داران وابسته به میان نمی‌آورد.

چگونه تحت این عنوان که برخی از سرمایه‌داران وابسته "رابطه غیرقانونی" با رژیم گذشته نداشته‌اند، مشمول این نشدند. دیده‌ایم درحالی که هم شرکت پپسی‌کولا و هم شرکت کوکاکولا هر دو وابسته‌اند، دومی را قانون مزبور شامل نشد. کم نیستند چنین شرکت‌ها. دیده‌ایم درحالی که واحدهای تولیدی ۵۳ تن از سرمایه‌داران بزرگ وابسته به مالکیت دولت درآمد، شرکت‌های تجاری و خدماتی آنان در دستشان باقی ماند. دیده‌ایم که بجای دولتی کردن تجارت خارجی، چگونه وزیر بازرگانی دست در دست تجار محترم در پی "قطع وابستگی در تجارت خارجی" است!



بقیه از صفحه ۹

## خانه از پای بست...

### سرمایه‌های امپریالیستی

در یکسال و نیم گذشته دولت سکوت پرمعنائی را درباره سرمایه‌های خارجی حفظ کرده است! پس از آن که بانکهای ورشکسته به تملک دولت درآمد، سخنگویان دولت گفتند که چون این بانکها ورشکسته بوده‌اند (و نه چون آنها سالها اقتصاد میهن ما را چپاول کرده‌اند) گرامتی به صاحبان سرمایه‌های امپریالیستی تعلق نمی‌گیرد. وقتی که سهام برخی از صنایع وابسته به تملک دولت درآمد، دولت صحبتی از سهام سرمایه‌داران امپریالیستی نکرد و هنوز دولت به صراحت معلوم نکرده است با آنها چه خواهد کرد و سیاست آن درباره سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های انحصارات امپریالیستی در ایران چه خواهد بود طبق آمار رسمی در سال گذشته (۱۳۵۸) متجاوز از ۴۰۰ میلیون ریال سرمایه و وام خصوصی انحصارات امپریالیستی به ایران منتقل شده است این درست است که این رقم به مراتب کمتر از رقم مشابه در سالهای گذشته است اما مسئله وجود و برقراری چنین رابطه‌ای است. و نه مقدار و میزان آن که اگر چنین باشد و دولت صریحا حکم به مصادره تمامی سرمایه‌های انحصارات امپریالیستی ندهد و ورود و فعالیت آنها را در اقتصاد ایران ممنوع نکند، راه برای گسترش و افزایش فعالیت آنها باز خواهد ماند.

### وابستگی اقتصاد ایران به

### امپریالیسم است و نه به "خارج"

در برنامه دولت رجائی بجای تاکید بر قطع وابستگی به امپریالیسم، صحبت از قطع وابستگی به "خارج" است. این تفاوتی سطحی در حد گزینش الفاظ نیست. این ناشی از چگونگی برخورد رجائی با روابط سلطه‌آمیز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بر اقتصاد میهن ماست که انحرافات بسیار عمده‌ای را در پی دارد. مسئله در این است که تابعیت اقتصادی ایران نسبت به امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا باید از میان برده شود و هرگونه وابستگی به آن قطع گردد.

● آنچه مهم‌ترین تشویق و کمک برای صنایع کوچک و صنعتگران است، حذف عملگردها در انحصارات تولید، تجاری و خدماتی در اقتصاد میهن ما و برپایی صنایع بزرگ مستقلا با پیوندهائی ارگانیک و رشدیابنده با دیگر بخش‌های تولیدی است که خود باید از اهدافی اساسی برنامه اقتصادی درجهت قطع وابستگی به امپریالیسم باشد.

مردم آگاه و مبارز میهن ما نیک می‌دانند که اقتصاد ایران در طی دهه‌های گذشته به وابستگی به امپریالیسم جهانی و بیش از همه به سرکرده آن امپریالیسم آمریکا کشانده شده است. کارگران و صنعتگران آگاه میهن ما نیک می‌دانند رابطه با سرمایه‌های امپریالیستی و انحصارات آنها که در پی

ایجاد و گسترش روابط استثماری و کسب سود هرچه بیشتر و غارت هرچه سریع‌تر ثروت‌های اقتصادی ما هستند، نتیجه‌ای جز وابستگی جامعه ما به امپریالیسم دربر ندارد و این است که در این مرحله از جنبش انقلابی، محور مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن ما را مبارزه همه‌جانبه با سلطه امپریالیسم آمریکا تشکیل می‌دهد. اما با یک کاسه کردن تمامی جهان و جلوه دادن وابستگی به امپریالیسم تحت عنوان وابستگی به "خارج" دوستان و دشمنان استقلال و آزادی میهن ما در جهان در یک صف قرار داده می‌شوند. ما باید روشن کنیم که می‌توانیم و باید با کشورهایی که می‌توانند ما را در راه کسب استقلال میهنمان و در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و ایجاد اقتصاد و صناعی مستقل کمک کنند، رابطه متقابل داشته باشیم. امروز می‌بینیم که دول امپریالیستی آمریکا، فرانسه، انگلیس، آلمان و ژاپن و... ما را تحت فشار قرار داده‌اند و تا آنجا که می‌توانند به ما ضربه می‌زنند تا به بحران اقتصادی در میهن ما دامن زنند. امروز ما می‌بینیم کشورهایی چون اتحاد شوروی، کره شمالی، ویتنام، قهرمان، آلمان شرقی، کوبا، بلغارستان، الجزایر، لیبی و... در مبارزه شگوهند خلق ما علیه وابستگی به امپریالیسم جهانی حاضرند صمیمانه به ما کمک کنند. آنان که کشورهای ترقی‌خواه جهان را با دولت‌های ارجاعی و امپریالیستی جهان یکسان جلوه می‌دهند، آنان که رابطه متکی بر حفظ و تقویت استقلال میهن با کشورهای ترقی‌خواه جهان را با وابستگی به امپریالیسم یکی وانمود می‌کنند، آنان که رابطه با کره شمالی و کره جنوبی، ویتنام، انقلابی و امپریالیسم آمریکا، لیبی و عربستان، آلمان شرقی و امپریالیسم آلمان، کوبا و آرژانتین را یکی می‌دانند، آنگاه که ناگزیری وجود رابطه اقتصادی در عرصه جهانی را در درپیش روی می‌بینند، آنگاه که درمی‌یابند باید در سطح جهان رابطه اقتصادی داشت، از آنجا که دوستان و دشمنان را در یک ردیف قرار داده‌اند به پذیرش پیوندهای امپریالیستی و تابعیت از امپریالیسم تن خواهند داد. بدین ترتیب در عمق به‌کارگیری لفظ "وابستگی به خارج" بجای وابستگی به امپریالیسم جهانی، خطر گرایش به "غرب" نهفته است. چنین بینشی مسلما به زبان استقلال و آزادی میهن ما است.

### رفاه کارگران و زحمتکشان

تأمین نیازهای رو به رشد کارگران و زحمتکشان در لفاف "عمل و قسط" و جلوگیری از "فقر و نکاتر ثروت" در هدف‌های برنامه دولت مبهم و ناروشن باقی مانده است.

"دولت بر توزیع درآمد و امکانات اقتصادی"، "به‌نجوی که زمینه‌های رشد را برای کلیه استعدادها فراهم آورد" تاکید ورزیده است. اما هیچگاه صریحا بر مسئولیت دولت برای براندازی فقر و گرسنگی و افزایش رفاه مادی توده‌های محروم و زحمتکش نه تنها تکیه نکرده بلکه آن را با توجه به مقدمه برنامه به عملکرد روابط با سرمایه‌داری واگذار کرده است.

آنچه از مجموع این برنامه به ویژه از مقدمه دوم و از برنامه صنعتی و کشاورزی آن استنتاج می‌شود این است که دولت می‌خواهد توزیع درآمد را به‌گونه‌ای جریان دهد که درچارچوب مالکیت "مشروع" و "مشروط" زمینه حرکت، رشد، آزمایش و جزا" به همگان ارزانی شود (مقدمه دوم) "تا زمینه‌های رشد برای کلیه استعدادها فراهم گردد" (هدف‌های برنامه اقتصادی) این نیست مگر بازسپردن کارگران و زحمتکشان میهن ما به همان روابطی که طی سالها ستم‌های بسیار بر آنها وارد آورده است.

در برنامه رجائی از تأمین کار دائم و مناسب برای همه کارگران و تضمین حداقل مزد و حقوق بازنشستگی و از کارافتادگی، در حدی که رفاهی متناسب با امکانات تولیدی جامعه برای کارگران فراهم گردد، بهبود شرایط کار و رفع نایمی‌های کار (که هر هفته عده‌ای از کارگران را زخمی و ناقص‌العضو می‌کند و عده‌ای را به کشتن می‌دهد) تأمین مسکن مناسب با برخورداری از آموزش و بهداشت رایگان و رفع فقر تغذیه که همه در زمره مهم‌ترین و مبهم‌ترین خواست‌های کارگران و زحمتکشان است، آنچنان کلی و مبهم سخن رفته است که می‌توان گفت هیچ برنامه مشخصی ارائه نشده است.

### برنامه صنعتی

هدف برنامه صنعتی دولت "نجات کشور از اقتصاد تک محصولی" از طریق "توجه شایان" به بخش صنعتی است. این نکته‌ای مثبت در برنامه دولت است هم از این‌روی که در پی "نجات کشور از اقتصاد تک محصولی" است و هم از این جهت که بر این توهم که می‌توان با تکیه بر کشاورزی به توسعه مستقل اقتصادی دست یافت خط بطلان کشید اما عدم وجود درکی صحیح و شناختی عمیق از مفهوم و عملکرد امپریالیسم برای تدوین‌کنندگان برنامه، مانع از آن است که اینان بتوانند خصوصیات اساسی سرمایه‌داری وابسته را بشناسند و هدف‌های برنامه را با توجه بدان درجهت مقابله با آن تنظیم کنند. آنچه تدوین‌کنندگان برنامه دولت از وابستگی اقتصادی می‌بینند، تک محصولی بودن اقتصاد و انکساری بودجه دولت به درآمد نفت است که در واقع هر دو جنبه‌هایی از یک مسئله و آن نیز از عوارض اقتصاد وابسته است و نه علت و اساس آن.

● آنچه تدوین‌کنندگان برنامه دولت از وابستگی اقتصادی می‌بینند، تک محصولی بودن اقتصاد و انکساری بودجه دولت به درآمد نفت است که در واقع هر دو جنبه‌هایی از یک مسئله و آن نیز از عوارض اقتصاد وابسته است و نه علت و اساس آن.

آنان در تدوین برنامه صنعتی به این واقعیت اساسی بی‌توجه‌اند که صنعت ما صنعتی وابسته است که برخی از صنایع بزرگ آن در تملک دولت قرار دارد، برخی هنوز در دست سرمایه‌داران وابسته است و برخی دیگر در مالکیت مشترک دولت و سرمایه‌داران وابسته می‌باشد. این صنایع نه در جهت رفع نیازهای اقتصادی جامعه‌ها و کارگران و زحمتکشان میهن ما، که برای تأمین سود انحصارات امپریالیستی برپا شده‌اند. دولت تکلیف خود را با این صنایع چگونه می‌بیند؟ اینها همانطور که بوده‌اند، خواه تحت مالکیت خصوصی خواه تحت مالکیت دولت، باقی‌مانند؟ آیا صرفا با ایجاد صنایع واسطه می‌توان "صنایع مونتاز" مورد نیاز کشور را به سوی خودکفائی سوق داد؟ صنایع مونتاز جز همان صنایع وابسته‌اند؟ با صنایع وابسته‌ای که به معنای دقیق صنعت مونتاز نیستند چه باید کرد؟ (مانند پلی اکریل ایران وابسته به انحصار امپریالیستی دویان و آلومینیوم‌سازی ایرالکو وابسته به انحصار امپریالیستی رینولدز) در مواردی بسیار صنایع واسطه صنایع مونتاز خود وابسته‌اند (مانند موتور سازی ایران ناسیونال) پیوندهای وابستگی در صنعت آنچنان گسترده و عمیق است که بدون

# زمینه ها و پی آمدهای جنگ در کردستان

آینده جنبش ملی خلق کرد اکنون دقیقاً در گرو آن قرار گرفته است که مفاصل قهرآمیز میان جنبش ملی و نیروهای جمهوری اسلامی (که خود درستی با امپریالیسم قرار دارند) پایان گیرد و قهر سازمان یافته خلق کرد، امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن را نشانه گیرد.

اما واقعیت این است که سیاست جمهوری اسلامی در قبال مسئله ملی بطور عام و جنبش ملی خلق کرد بطور اخص همه شرایط را برای به انحراف کشاندن جنبش ملی خلق کرد و خنثی کردن کوششهای واقعی برای تأمین حقوق ملی خلق کرد فراهم آورده است. جمهوری اسلامی ایران با چشم بستن به واقعیات و انکار موجودیت تاریخی ملت‌ها و ست ملی و یکسان پنداشتن کردستان و یزد، با دامن زدن به تضادهای زوینائی و به ویژه مذهبی با مسدود کردن هرگونه راه صلح آمیز و با عدم احساس مسئولیت در قبال سرنوشت مردم کردستان از طریق تضییق بی حد و حصر حقوق ملی خلق کرد عملاً تنها و تنها به قهر تکیه کرده، راه جنگ تا به آخر را در پیش گرفته است.

سرخسختی در برابر واقعیات و تلاش عبث برای تحقق ایده‌آلهائی که دست یافتن به آنها فقط در آینده امکان پذیر است می‌تواند حکومتی را که خود درستی با امپریالیسم قرارداد، برانگیزد تا بی محابا در برابر مردمی گرسنه، رنج دیده و ستم کشیده، به گونه‌ای لجام گسیخته و خشم انگیز به سیاه و سلاح خویش بنزد و علیرغم هیاو پیرامون مکتب عدل، آشکارا تنها کتاب کین را پیش روی زحمتکشان کرد باز کند! در آن سو نیروهای مسلح جنبش ملی در مقابل حاکمیتی به سنگر نشسته است که حاضر نیست در مقابل استوار حاکمیت خود در کردستان هیچ یک از خواست‌های تاریخی خلق کرد را بپذیرد!

درست یا درک همه جانبه این مسائل است که آشکار می‌شود پیشاهنگ پروتاریا با چینه دشواری‌های سنگینی روبروست. تنها زمانی که پیشرو پروتاریا تصویری واقعی و ملموس از جنگ کردستان، از محتوا و سمت و سوی این جنگ و ضرورت تغییر سمت آن ارائه دهد، روشن خواهد شد که آثار شیطنت‌ها و ماجراجویان انقلابی، دوش به دوش حاکمیت در کنار شوینیزم و ناسیونالیسم بورژوازی و همگی با نیروهای ضد انقلاب به کار افتاده‌اند تا خلق کرد را به ورطه‌ای بکشاند که در آن به فجع ترین شکل ممکن ماجرای بارزانی عراق تکرار گردد. تجارب مبارزات ملیت‌های تحت ستم سایر کشورها، هشدار بسیار جدی برای انقلابیون صادقی است که مسئله کردستان را دست کم گرفته‌اند و هنوز ابعاد فاجعه ادامه جنگ کردستان را درک نکرده‌اند.

باید به درستی درک کنیم که امروز ماریج تاریخ باهای چوبین بسیاری را نظاره‌گر است که هیچ یک هنوز خود نبیاری ندانند که در این دامگه حادثه چون افتادست.

## همواره، در همه جا، امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی ماست

### ۱- واقعیات‌های موجود

امروز انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های میهن ما مرحله بسیار حساسی را طی می‌کند. امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همه نیروهای اهریمنی خود را به خدمت گرفته تا شاید شکست‌های خود را جبران کند، اراده خلق قهرمان ما را در هم شکند و سلطه پیشین خود را بار دیگر احیا نماید. امپریالیسم آمریکا مدت‌ها سعی می‌کرد از طریق حمایت لیبرال‌ها و دیگر دوستان و سرسپردگان، در حاکمیت به صورت گام به گام

برنامه خویش را به پیش برد. لکن وقتی یقین حاصل کرد که از این طریق راه به جایی نمی‌برد و هر روز که می‌گذرد لیبرال‌ها بیشتر از حاکمیت بیرون رانده می‌شوند و مواضع دوستان وی بیشتر زیر ضرب قرار می‌گیرد، راهی دیگر در پیش گرفت.

درست از زمانی که امپریالیسم آمریکا و متحدان درونی و بیرون آن دریافتند که هدف مقدم باید وازگونی حاکمیت موجود و به چنگ گرفتن قدرت باشد، توطئه‌های نهن و آشکار فزونی گرفت و دو چندان شد. جنگ روانی علیه انقلاب ایران برای لوٹ کردن دستاوردهای آن، تبلیغات گسترده برای وارونه جلوه دادن حاصل پیروزی‌های خلق‌های میهن ما در افکار عمومی جهان، اعمال انواع فشارهای سیاسی، محاصره اقتصادی برای خوابانیدن چرخ‌های تولیدی و فلج کردن اقتصاد، خرابکاری و بمب‌گذاری در مابین عمومی برای ایجاد جو ناامنی و رعب، سازماندهی کودتای ناموفق جهت سرنگونی حکومت برنامهریزی برای جدا کردن مناطقی از میهنمان، حمایت آشکار از خوانین مرتجع و باغی‌گری آنان، حمله آشکار نظامی به خاک کشورمان، متمرکز کردن نیرو در آب‌های خلیج فارس، تلاش برای تهاجم نظامی به ایران از طریق متحدین خود، تجاوز به حق حاکمیت ملی و پشتیبانی عملی و فعال از ضد انقلابیون داخلی در مرزهای غرب و جنوب و شرق کشور، همه و همه اقداماتی است که امپریالیسم آمریکا از آن زمان تاکنون به آنها متوسل شده است!

امروز آنچه بیش از همه نگران کننده است، پیدائی و گسترش رهنه‌هایی است که امپریالیسم می‌تواند در جهت اجرای سیاست‌های خویش از آنها به بهترین وجه بهره‌برداری کند. تضاد فی‌نفسی امپریالیسم هر آن جایی که تضادی فرعی (مثلاً تضاد ملی) حدث پیدا می‌کند، هر آن جایی که میان خلق‌های ما شکاف‌های ملی، قومی، مذهبی و غیره زمینه‌ی بروز می‌یابد به انواع حیل‌ها در تشدید این تضادها و عمیق‌تر کردن این شکاف‌ها و تضعیف نیروی خلق (سروشی که مشخصاً در وحدت خلق نهفته است) و کند کردن و منحرف کردن روند رشد مبارزه طبقاتی زحمتکشان تلاش می‌کند. در اوضاع جاری کردستان نه تنها می‌توان عمق و وسعت امید امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن را به بهره‌گیری از رشد تضاد ملی دریافت، بلکه می‌توان از گسترش روزافزون فعالیت سروهای وابسته به امپریالیسم نیز تصویر روشنی ارائه داد.

### ۲- خیال پردازی‌های "چپ"

این هم درست همان واقعیتهائی است که در سیر تکوینی‌اش، تمام تلخی خوش‌پنداری‌های ماجراجویان چپ را - که شادمانه جنگ ملی را همان دفاع از دژ پایداری" علیه امپریالیسم" می‌پندارند - هرچه بیشتر فاش و بصرملا می‌گرداند.

آنها در این خیال‌اند که امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن در کردستان با ناساعدترین و مرگ‌آورترین شرایط روبرو هستند. زیرا در مخیله آنان شیفتگی نسبت به قهر سلحخانه مشخصاً ماهیت و محرکات طبقاتی نهفته در این قهر را تحت‌الشعاع خود گرفته است. آثار شیطنت همواره از مشاهده تسلیح توده‌ها چنان از خود بی‌خود شده است که به سادگی ماهیت طبقاتی، محرکات عینی و راستای تاریخی حرکت آن توده‌های مسلح را به فراموشی سپرده، خوش دارد باور کند جنگ ملی با نیروهای جمهوری اسلامی همان جنگ با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق ماست.

آثار شیطنت‌ها این طور القاء می‌کنند که گویا امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن در برابر "اعمال قهر انقلابی خلق کرد" هم‌اکنون در

★ ما باید بتوانیم این مطلب را به توده‌ها توضیح دهیم که شاخص جنبه اجتماعی و سیاسی جنگ "حسن نیت" افراد و دستجات و حتی توده‌های مردم نبوده بلکه وضع طبقه‌ای است که جنگ را پیش می‌برد. سیاست این طبقه است که جنگ ادامه آن است.

لینن

کردستان به زانو درآمده‌اند، (بهرتر بود سری به کردستان می‌زدند، بعد قضاوت می‌کردند) و "قهر انقلابی خلق" هم‌اکنون با دشمن اصلی خلق‌های ما می‌رزد. آنها اینطور تبلیغ می‌کنند که در مقایسه با سایر مناطق ایران نیروهای وابسته به امپریالیسم در کردستان بیش از جاهای دیگر سرکوب شده‌اند و هم‌اکنون در مرگ‌آورترین و مصیبت‌بارترین شرایط به سر می‌برند. آنها میل دارند که مردم کردستان و دیگر نقاط ایران اینطور خیال کنند که جنگ بین پیشمرگ با پاسدار و یا جنگ میان زحمتکشان کرد و ترک همان جنگ بین خلق با امپریالیسم یعنی همان جنگ بین انقلاب و ضد انقلاب است. آنها آشکارا کتمان می‌کنند که بین ملیت‌های هم‌وطن ما نیست و حول ستم ملی شکل گرفته است. آنها با این خیال باطل گسترش هرچه بیشتر جنگ ملی را همان "اعتلای انقلابی" همان "پیشرفت جریان انقلاب ضد امپریالیستی خلق" معرفی می‌کنند.

و این درست در حالی است که همه نظریه‌پردازان و گردانندگان دیپلماسی امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن به اتکالی تجارشان در سایر کشورها، لحظه‌ای هم از دامن زدن به خصومت بین ملیت‌ها و به بیراهه‌کشاندن و مرداب افکندن مبارزه توده‌ها باز نمی‌ایستد. آنها تمام امکانات خود را به کار می‌گیرند تا سمت اصلی مبارزه ملل تحت ستم را از جانب خود منحرف گردانند و به سوی یکدیگر بکشاند. و صریح و آشکار می‌گویند آنها که می‌کوشند جنگ کردستان را جنگ بین انقلاب و ضد انقلاب جلوه دهند، گروه‌های ملی خلق کرد را در شرایط فعلی "چپ" که مبارزه ملی خلق کرد را در شرایط فعلی همان مبارزه ضد امپریالیستی معرفی کنند، بدانند که سیاستی پیش گرفته‌اند که همه مرتجعین وابسته به امپریالیسم بیشترین رضایت خویش را از آن ابراز می‌دارند.

انقلابی‌گری کاذب برای توجیه تخیلات خوش‌پندارانه خود اکنون مجبور است واقعیات درحال گسترش را در جنگ کردستان یک به یک کتمان کند تا نادرست بودن تئوری‌ها و شیوه‌هایی که برای حل مسئله ملی عنوان می‌کنند برملا نشود. آنها آشکارا خطر امپریالیسم و رشد نیروهای وابسته به امپریالیسم و همچنین تضعیف روزافزون جنبه‌های طبقاتی مبارزه زحمتکشان کرد را کم و ناچیز جلوه می‌دهند یا اصلاً آن را لاپوشانی می‌کنند و این در نفس خود چیزی نیست جز تحمیل خلیق به سود امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن و این خیانتی است آشکار به خلق کرد، آرمان‌های ملی و منافع واقعی او. این خیانتی است که تاریخ آن را قطعاً در برگ‌های سیاه خویش به ثبت می‌رساند.

### ۳- مسأله ملی همیشه

#### خصلت یکسانی ندارد

با سرنگونی رژیم شاه و تشکیل جمهوری اسلامی ایران که زبیدی دارای سمت‌گیری ضد امپریالیستی است، جنبش ملی خلق کرد با شرایط کاملاً جدیدی مواجه شد. در این شرایط نوین، جنگ با جمهوری اسلامی ایران در برابر درگیر در مبارزه با امپریالیسم آمریکاست، همان مبارزه



خلق کرد با امپریالیسم آمریکا به حساب نمی آید. در شرایط نوین جنبش ملی خلق کرد تنها در صورتی می تواند مضمون دمکراتیک و ترقی خواهانه خود را حفظ کند که بازم مشخصا سمت اصلی حرکت و مبارزه خویش را علیه دشمن اصلی خلق ما یعنی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع وابسته به آن تنظیم نماید. همانگونه که حکومت جمهوری اسلامی نیز اگر به گسترش جنگ علیه جنبش ملی خلق کرد ادامه دهد و بخواهد به پایمال کردن حقوق دمکراتیک توده ها از جمله مطالبات ملی خلقها در چارچوب پیروزیهایی که حاصل قیام تاریخی بهمن ماه ۵۷ است، بپردازد، خصلت ضد امپریالیستی خود را مالا از دست خواهد داد و از مسیر فعلی منحرف خواهد شد.

تمام شواهد و واقعیات کنونی جامعه و مقدماتی ترین جمع بندیها از اوضاع موجود نشان می دهد که سمت اصلی جنبش ملی نمی تواند و نباید علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران باشد. جنبش ملی خلق کرد وقتی مضمون ترقی خواهانه و انقلابی دارد که در خدمت تمیق و گسترش بیش از پیش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک قرار گیرد. متلاشی کردن جبهه نیروهای وابسته به امپریالیسم را و طبقه اصلی خویش به حساب آورد و دقیقا بدانند که امپریالیست ها نه تنها به خلق کرد خود مختاری نخواهند داد، بلکه هزاران بار فصیح تر خلق محروم کرد را سرکوب خواهند کرد. بدون درک عمده بودن مبارزه ضد امپریالیستی هیچگاه نمی توان واقعا از حقوق ملی خلق کرد دفاع نمود و برای تحقق آن تلاش کرد. هر سبستی جز این تنها بطور کاذب از "حقوق ملی خلق کرد" دفاع می کند و بالاتر از آن، چنین سیاست هائی عملا در تقابل با مبارزه ضد امپریالیستی خلق های میهنمان قرار می گیرد. این امر نشان می دهد که:

"... مسئله ملی همیشه خصلت یکسانی ندارد و جنبه و وظایف جنبش ملی در دوره های مختلف تکامل انقلاب تغییر می کند... در نتیجه تغییر خصلت و وظایف انقلاب در مراحل مختلف تکامل در خصلت و وظایف مسئله ملی نیز تغییرات مربوطه ای روی می دهد.

مارکسیست های روس همیشه ما خدشان این تر بوده که مسئله ملی جزئی است از گل مسئله مربوط به تکامل انقلاب و این مسئله در مراحل مختلف انقلاب وظایف مختلفی مطابق با جنبه انقلاب در هر لحظه تاریخی معین دارد و به موجب این کیفیت سیاست حزب نیز در مورد مسئله ملی تغییر می کند." (استالین - مسائل لنینیسم)

از آنجا که هنوز میان جنبش سوسیالیستی و دمکراتیک طبقه کارگر سراسر کشور و جنبش ملی دمکراتیک خلق های تحت ستم پیوندهای درونی و محکم پدید نیامده است و سیاست پرولتاریا کنترل و هدایت جنبش ملی را در راستای منافع تاریخی آن برعهده نگرفته است و از آنجا که مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها هنوز زیر لوای جریان های خرده بورژوازی جریان دارد، و از آنجا که ظرفیت حاکمیتی کنونی در تامین حقوق ملی به حد مشخص و معینی محدود می شود، و از آنجا که جمهوری اسلامی خود با امپریالیسم در ستیز است، با ساقش قرار دادن مبارزه به خاطر کسب حقوق ملی (بویژه با ستم جستن از احوال قهر) جنبش ملی را به چنان مسیری می کشاند که دیگر بجای ترقی خواهانه و مبارزه با دشمن اصلی یعنی امپریالیسم آمریکا باقی نخواهد ماند، از جانب دیگر جنگ ملی در کردستان و هرگونه دیگری از ایران سود جستن سوسیالیسم ذهن زحمتکشان را به سبب ستم ناسیونالیسم آفرویه ساختند و موقعیت نیروهای ناسیونالیست را در جنبش تحکیم می بخشد که بدون هیچ شک و شبهه ای گسترش خود این نیروها در بیان توده های ملت ستم دیده جنبش ملی را از انجام وظایف تاریخی اش ادر این مرحله از انقلاب باز خواهد داشت. بدین وضعیت است که لزوما جنبش ملی از جبهه ترقی خواهان خود جدا دور می شود و قیام بخار فساد خواهد شد. در این وضعیت جنبش ملی لزوما با ارتجاعی ترین

سیروها همسو و همگام خواهد شد. تشدید خصومت میان ملیت ها هیچگاه به نفع توده های زحمتکش نبوده است. تشدید ناسیونالیسم، درک وحدت منافع طبقاتی را برای زحمتکشان سراسر میهن بسیار مشکل خواهد ساخت. با تشدید ناسیونالیسم در میان ملیت های ستم دیده لزوما بورژوازی و خرده بورژوازی که همواره خواهان جلوگیری از گسترش و رشد مبارزه زحمتکشان و سرپوش نهادن بر آنند، تقویت خواهند شد.

آیا جنبش ملی خلق کرد در این شرایط نوین قادر خواهد بود به دفاع از منافع واقعی خلق کرد برخیزد؟ آیا جنبش ملی خلق کرد در جمهوری اسلامی ایران قادر به همسوئی با جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران خواهد بود؟ همانگونه که در آغاز مقاله توضیح داده ایم پاسخگوئی به این سئوال مشخصا در گرو آن است که بدینجهت جهان بینی طبقه کارگر و آرمان وی، سوسیالیسم، تا کجا و چه میزان توانسته است مهر و نشان خود را بر جنبش ملی خلق کرد بگذرد؟ تنها اندیشه پرولتاری است که قادر است از پوسته سنگین و ضخیم تنگ نظری ناسیونالیستی به در آید و از ورای آن ستم امپریالیستی و بیدادگری انحصارات جهانی را که در عصر ما منشاء واقعی تداوم اعمال ستم ملی است، باز شناسد. زمانی که جنگ میان ملیت های تحت ستم درگیر می شود، روحیات ناسیونالیستی چنان یکپارچه خواهند شد که طرفین به سختی می توانند تشخیص دهند که دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع وابسته به آن است که از ادامه جنگ بیشترین بهره ها نصیب دشمنان آنان خواهد شد.

نه ناسیونالیسم بورژوازی حزب دمکرات، نه آنا رشیسم خرده بورژوازی (دهقانی) کومهله به مثابه بخشی از ملیون کرد، هیچکدام قادر نیستند از منافع واقعی خلق کرد دفاع نمایند. اعمال رهبری این نیروها در جنبش ملی و گسترش نفوذ این نیروها در شرایط فعلی، جنبش ملی خلق کرد را بیش از پیش از شناخت واقعی دشمن اصلی، از تشخیص سمت اصلی مبارزه و از دستیابی به فوری ترین خواست های خویش نیز محروم خواهد کرد. در شرایط فعلی هر نیروئی جز کمونیست ها چنانچه در رهبریت جنبش ملی خلق کرد قرار گیرند، آمادگی آن را دارند که ناسیونالیسم تنگ نظر و شورشگری را رشد داده و آن را از راستای ضد امپریالیستی منحرف سازند. در این رابطه "حزب توده" اخیرا مدعی شده است که:

" ما اطمینان داریم که قاضی محمد شهید رهبر و بنیانگذار حزب دمکرات کردستان اگر امروز زنده می بود، دست در دست امام خمینی به پشتیبان صدیق جمهوری اسلامی ایران میدل می شد."

( "مردم" ۲۴ شهریور)

عوا فریبی محض است هرگاه اینگونه تداعی شود که یک نیروی بورژوا دمکرات چنانچه در شرایط فعلی در راس جنبش ملی خلق کرد قرار گیرد بطور قطع به مبارزه ای موثر برای قطع جنگ با نیروهای جمهوری اسلامی برخوانند خاست دست در دست وی خواهد نهاد و راهگشای صلح و دوستی با آن خواهد گردید. این اطمینان برای "حزب توده" اطمینانی کاملا کاذب است. "حزب توده" عوا فریبانه می کوشد مرز مشخص بین کومهله (آنا رشیسم خرده بورژوازی دهقانی) و سیروهای وابسته به امپریالیسم کرد را مخدوش کند و همه آنان را به یکسان هرفی کند. "توده های" این حقیقت آشکار را پنهان می کنند که در صورت غلبه ضد انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی "خط کومهله" با آن حکومت نیز خواهد جنگید. حال آنکه "خط زرگاری ها و کوری رشا" مشخصا دست در دست ضد انقلاب خواهند نهاد و با همین جریان تاریخی - طبقاتی که کومهله نام گرفته است نیز درگیر خواهند شد. درست بر همین قیاس "حزب توده" اکنون خیال می کند ویژگی های بورژوا - دمکراتیک جریان تاریخی - طبقاتی ای که قاضی محمد بنیانگذار و برچمدان آن بود و نظر به خصلت به غایت ارتجاعی رژیم شاه در آن زمان خصلتی ترقی داشت، چنانچه امروز در راس جنبش ملی خلق کرد قرار می گرفت، قطعا

قادر به هدایت جنبش ملی در راستای راستین آن بود. حال آنکه میزان حفظ آن خصلت های مترقی در شرایط حاضر دقیقا به میزان درآمنگنی عناصر تفکر پرولتاریائی در جنبش حقیق طلبانه ملی بستگی دارد. جنبش ملی خلق کرد هرگاه به نیروی اتحاد سوسیالیسم و دمکراتیسم انقلابی خرده بورژوازی دست یابد و به نیروی این اتحاد ناسیونالیسم بورژوازی را منفرد سازد قادر خواهد شد جنبش ملی را در راستای مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران و تامین حقوق واقعی خلق کرد رهبری نماید.

جوهر و مضمون عملکرد عینی مواضع طبقاتی شهید قاضی محمد در رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی لزوما یکی نیست. درست به همانگونه جوهر و مضمون عملکرد عینی مواضع طبقاتی کومهله نیز در وضعیت فعلی با وضعیتی که احیاناً یک رژیم آمریکائی روی کار باشد، لزوما متفاوت خواهد بود، اما "حزب توده" تصویری کاملا مخدوش از این حقایق ارائه می دهد. "حزب توده" طوری تبلیغ می کند که گویا اگر قاضی محمد زنده بود امروز قطعا به جمهوری اسلامی پشت نمی کرد و جمهوری اسلامی چنانچه از سوی همان خطر "جدی"، "فوری"، "باقی" سرنگون شود، کومهله قطعا به جاننشین وی پشت نخواهد کرد. لیکن تمام ارزیابی های واقعا علمی، طبقاتی و دیالکتیکی، نادرستی این شوه ارزیابی را که به اغراض تبلیغاتی آلوده است، برملا می سازد.

اکنون دیگر ما به خوبی درک می کنیم که پیشبرد چنین مبارزه ای سرشار از پیچیدگی ها و دشواری هائی است که در برخورد با آنها بیش از همیشه صداقت انقلابی و فراست کمونیستی را طلب می کند.

اکنون دیگر این نکته آشکار شده است که حد و میزان رشد انحراف از سمت گیری ضد امپریالیستی در جنبش ملی خلق کرد در شرایط فعلی توسط حد و میزان رشد و نفوذ نیروی ناسیونالیسم بورژوازی در آن مشخص می شود. اکنون دیگر آشکار شده است که حد و میزان رشد گرایشات ضد امپریالیستی در جنبش ملی در شرایط فعلی توسط حد و میزان رشد نیروی سوسیالیسم علمی با دمکراتیسم خرده بورژوازی انقلابی در جنبش ملی توضیح داده می شود.

## جنبش ملی و زمینه های جنگ

### شکل مبارزه و ستم ملی

این به مفهوم آن است که دولت های ملی و یا دمکرات های ملی که نمی توانند مسئله ملی را حل کنند، نمی توانند سلطه امپریالیسم را نابود کنند.

جمهوری دمکراتیک خلق در حالی که هنوز طبقات استثمارگر وجود دارند، مسئله ملی را حل می کند.

گرچه وجود و تداوم مسئله ملی و در نتیجه مبارزه ملی خود ناشی از تداوم نظام سرمایه داری است لکن این بدان معنی نیست که مبارزه در راه کسب حقوق ملی همواره با نوع و شکل خاصی از مبارزه نیز به رسمیت شناخته شود. مبارزه در راه حل مسئله ملی نیز اشکال گوناگون مبارزاتی است که با تغییر هر وضعیت مشخص لزوما تغییر پیدا می کند.

این درست نیست که در بررسی های عینی در یک کلام تداوم جنگ در کردستان را ناشی از تداوم ستم ملی بشناسیم. این استنتاج بسیار کودکانه است. تا ستم ملی تداوم دارند، مبارزه ملی نیز جریان خواهد داشت. اما این تداوم جریان لزوما به شکل قهرآمیز مبارزه تجلی نخواهد یافت. اشکال مبارزه به عوامل تاکتیکی معین بستگی دارد. حال آنکه خود مبارزه ناشی از ستم ملی و آن نیز در دوران ما از موجودیت نظام سرمایه داری ناشی می شود.



توجه به این مسئله از آنجا بسیار ضروری است که انقلابیگری کاذب هم اکنون تمام نیروی خود را به کار می برد که نشان دهد گویا مبارزه در راه حقوق ملی خلق کرد تنها به یکفیل (شکل جنگ مسلحانه) ممکن خواهد بود. آثارشیتها اینطور تبلیغ می کنند که آنها که می گویند باید از ادامه جنگ جلوگیری کرد، خلق را در برابر ستمرگان به تسلیم دعوت می کنند! و توجه ندارند که در آن صورت نیز زورگویان جمهوری اسلامی قهر را به خلق کرد "تحمیل" خواهند کرد.

سازمان ما نیز سالها اینطور تبلیغ می کرده که مبارزه مسلحانه تنها شکل ممکن مبارزه در شرایط دیکتاتوری شاه بوده است و دلیلی هم که می آورد مشخصا این بود که دیکتاتوری قهر را به مبارزین "تحمیل" می کند اما امروز ما دریافته ایم که این گفتار قبل از آنکه بیان ناشی از واقعیت عینی بوده باشد، بیان احساسات و تعالیات درونی پیشرو بوده است.

اکنون نیز تبلیغات وسیعی از جانب آثارشیتها دامن زده می شود که گویا تنها شکل مبارزه در راه کسب حقوق ملی در کردستان ضرورتا جنگ مسلحانه است. حال آنکه این مشخصا یک عوامفریبی محض است.

ستم ملی و تضادهای میان ملیت های یک کشور تنها در جمهوری دمکراتیک خلق و جمهوری سوسیالیستی بطور ریشه ای قابل حل است. تنها این جمهوری ها هستند که حق ملل در تعیین سرنوشت خویش را به رسمیت خواهند شناخت.

تنها این دولت ها هستند که از طریق رشد موزن و با برنامه، از طریق ملی کردن استثمار فرود از فرد زمینه تاریخی تضادهای ملی را ریشه کن خواهند ساخت. تنها در این جمهوری ها است که مبارزه در راه حقوق ملی وجود نخواهد داشت و نمی تواند وجود داشته باشد زیرا آنها چیزی فراتر از حقوق ملی یعنی حق تعیین سرنوشت تمام ملل را به رسمیت می شناسند.

ما در سطور زیر به علل و زمینه های عمده شدن شکل قهرآمیز مبارزه در راه رفع ستم ملی خواهیم پرداخت. ما در این بررسی نشان خواهیم داد که چه عوامل عینی موجب درگیری جنگ در کردستان شده است و برای تغییر شکل مبارزه چه عواملی نیز لزوما باید دگرگون شود.

### ۱- نقش ارگان های قهر

جنبش ملی در کردستان پس از سرنگونی رژیم شاه تحقق خواست دیرینه و تاریخی خلق کرد، یعنی تأمین خودمختاری برای کردستان را عملا در راس و در دستور مبارزات خود قرار داد. این جنبش الزاما بنا به سوابق تاریخی خود زیر رهبری نیروهای ناسیونالیست و در راس آن حزب دمکرات قرار گرفت. این مسئله که رهبری نیروهای ناسیونالیست با ماهیت بورژوازی در عمده ساختن مسئله ملی که نتیجه آن تضعیف مبارزه طبقاتی و تشدید نفاق میان خلقهاست، چه سهمی برعهده داشته است از مسایل کلیدی شناخت زمینه های جنگ در کردستان است. آموزش مارکسیسم در مورد مسئله ملی می گوید:

"... بورژوازی همیشه خواست های ملی خود را در درجه اول قرار می دهد و آنها را بدون هیچ قید و شرطی مطرح می سازد. برای پرولتاریا این خواست ها تابع منافع مبارزه طبقاتی است..." (لنین - حق تعیین سرنوشت)

اما برای توضیح زمینه های جنگ تنها اشاره به ماهیت ناسیونال - بورژوازی رهبری جنبش ملی به هیچ وجه کافی نیست. موقعیت تاکتیکی نیروهای جنبش ملی، شکل گیری ارگان های قهر، نقش نیروهای ضدانقلاب از یک سو و ماهیت حکومت اسلامی، سیاست تاکتیکی او نسبت به مسئله ملی در کردستان و وضعیت نیروهای سرکوب آن از عمده ترین عواملی است که جنگ را به مثابه شکل عمده مبارزه ملی در کردستان مطرح ساخته است.

عملکرد نیروهای ناسیونالیست طی یک سال و نیم اخیر در کردستان صحت این داوری برامون زمینه های تاکتیکی جنگ را اثبات کرده است. این نیروها در شرایط ضعف شدید پایگاه توده های حاکمیت در کردستان و در شرایط خلافت قدرت دولتی و عدم استقرار ارگان های قهر حکومت، پس از قیام و ضعف یا فقدان حضور سازمان های نیرومند کمونیستی در رهبری جنبش ملی از طریق ضبط سلاح های پادگان های ارتش و بهویژه پادگان مهاباد، توده های خلق را مسلح ساخته و آنان را به خاطر کسب حقوق ملی در ارگان های مسلح سازمان دادند.

این ارگان های مسلح در منطقه عملا وظایف ارگان های قهر دولت جمهوری اسلامی (ارتش، سپاه پاسداران، شهربانی و ژاندارمری) را برعهده گرفتند. این ارگان ها نمی توانند وجود داشته باشند و این وظایف را برعهده بگیرند و نمی توانند این وظایف را برعهده بگیرند اما با ارگان های قهر دولت مرکزی درگیر جنگ مسلحانه نشوند. طبقات حاکم همواره حاکمیت خود را از طریق ارگان قهر بر دیگران تأمین می کنند و هنگامی که چنین ارگان هایی در کردستان زیر رهبری نیروهای ناسیونالیست و خارج از ارگان های قهر جمهوری اسلامی شکل گرفتند، این امر به معنای آن بود که صرف وجود دو سیستم اعمال قهر که مضمون و محتوای ملی و طبقاتی جداگانه ای دارند در یک قلمرو واحد فی نفسه درگیری قهرآمیز میان آن دو را اجتناب ناپذیر می سازد و شکل محوری مبارزه خلق برای کسب حقوق ملی را الزاما به صورت قهرآمیز درخواهد آورد.

آثارشیتها در برخورد با جنبش ملی خلق کرد، به خیال دفاع از حقوق دمکراتیک خلق کرد از جنگ ملی حمایت می نمایند. آنها درک نمی کنند که در این مرحله از انقلاب ایران، توسل به جنگ برای کسب حقوق ملی در کردستان از آنجا که به ناسیونالیسم و خصومت ملی دامن می زند و نقش مخربش در مقابل گسترش مبارزه طبقاتی زحمتکشان در کردستان ایفا میکند، زمینه سرکشت مستقیم کمونیست ها را در جنبش ملی و تحکیم بندهای دیونی آنان با مبارزه طبقاتی کارگران و زحمتکشان و مبارزات ضدامپریالیستی دمکراتیک مردم ایران تضعیف می کند.

### ۲- آثارشیتیم کومه له

آثارشیتیم خرده بورژوازی کومه له با پشتیبانی تعالیات ملی خلق کرد به خشن ترین شکل ممکن نوعی عصیان گری انتقام جویانه را علیه تمام قدرت های موجود حاکم دامن می زند. آثارشیتیم تنها به دشمنی با هر نوع قدرت وفادار است و در برابر هیچ چیز دیگری مسئول و متعهد نیست. آثارشیتیم ستاینده هر طغیان است. آثارشیتیم استاد ویرانگری است، آثارشیتیم کومه له تیلور فوران خشم خرده بورژوازی دهقانی است که در برابر همه دگرگونی هایی که هستی وی را در معرض تاراجی بی امان قرار داده است. آثارشیتیم کومه له که عملکرد آن در ابعاد توده ای به خشمی لجام گسیخته علیه همه عوامل غیرخودی منجر می گردد، تاکنون عملکردی بسیار مخرب روی تلاش های نیروهای مسئول برای قطع مداخلات برجای نهاده است. از درون آثارشیتیم دهقانی کومه له در جریان تداوم جنگ ملی به گونه ای گریزناپذیر ناسیونالیسم و حتی شوینیزم فرا خواهد روئید. زمینه های این تحول از هم اکنون در حال شکل گیری است. آثارشیتیم هائی مثل کومه له و همه گروه های خرده ریز هم مسلک وی که در کردستان فعالیت می کنند هم اکنون نیز در تحلیل نهائی به ساز ناسیونالیسم بورژوازی می رقصند. پرخاشگری های ظاهری چیزی از واقعیت های درحال تکوین نخواهد کاست. آثارشیتیم ها قبل از آن که به ماهیت طبقاتی رهبری اعتراض توده ها نسبت به حاکمیت بیاندیشند، به شرکت توده ها در اعتراض توجه می کنند. آثارشیتیم ها به این مسئله کاری ندارند که کدام توده ها کدام حاکمیت را زیر ضرب گرفته



است. آنها از این شادمانند که توده ها حاکمیت را زیر ضرب گرفته اند. آنها کاری باین ندارند که حاصل این درگیری به سود کدام طبقه تمام خواهد شد و کدام نیرو از آن بیشترین بهره گیری را خواهد کرد. آنها فقط از این شادمانند که مردم طبعیان کرده اند. حال دیگر این موضوع که حاصل کار و آینده کار چه خواهد شد، مسئله ای نیست که شایسته بررسی باشد! آنها با این شورشگری کور و بی هدف هم اکنون بدترین برداشتها و گرایش های مخرب و انحرافی را در طیف معینی از نیروهای جوان و نوپای جنبش انقلابی ایران پدید آورده اند. آنها با این تقدیسات آثارشیتستی خود از مسئله ملی در کردستان تصویری گاملا مخدوش و پوچ و اغواگرانه را از اغراض جنگ و آینده آن در اذهان تصویر کرده اند.

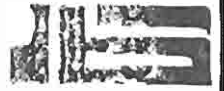
ما امروز قاطعانه و با صراحت تمام از تسلیم شدن در برابر ناسیونالیسم، تن دادن به آن و سهمی که عملا جدا از نیت خویش در تشدید آن داشته ایم، انتقاد می کنیم. ما جمع بندی تجارب خود را در برخورد با مسئله ملی در اختیار جنبش کمونیستی ایران قرار خواهیم داد. نهائی ترین ایده آل آثارشیتها، دامن گرفتن اعتراض توده نسبت به حاکمیت و در عالی ترین شکل آن جنگ با حاکمیت است.

آثارشیتها کاری به این ندارند که مضمون دمکراتیک و ترقیخواهانه جنبش ملی فقط تا آنجایی وجود دارد که باعث تمکین و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران گردد. اگر جنبش ملی در موقعیتی قرار گیرد و به اشکالی از مبارزه تبدیل شود که ما با شرکت خود در آن نتوانیم در سمت و سوی آن تأثیر بگذاریم، الزاما به دنباله روی از ناسیونالیسم حاکم بر جنبش کشیده خواهیم شد. تجارب شاخه کردستان سازمان در یک ساله اخیر نیز به قاطعانه ترین شکل نشان می دهد که تا هنگامی که این جنگ در کردستان ادامه دارد، زمینه های عینی تأثیر گذاری بر آن از طریق تبلیغ و ترویج دمکراتیک پرولتاری مدام تضعیف می گردد. جنگ در وضعیت کنونی همانا عمده ترین عامل تخریب مبارزه طبقاتی زحمتکشان کرد و فراتر از آن تمام مبارزه رهاش بخش و ضد امپریالیستی خلق کرد است.

### ۳- ناسیونالیسم "دموکرات"

شواهد تاریخی نشان می دهد در تمام کشورهایی که حکومت های ضد امپریالیست روی کار آمده اند چنانچه مبارزه ملیت های تحت ستم آن کشورها در راه کسب حقوق ملی زیر رهبری ناسیونالیست ها قرار گرفته باشد، زمینه های درگیری های خصومت آمیز میان آنان با حاکمیت آشکارا تشدید می شود، زیرا نیروهای ناسیونالیست بنا به ماهیت طبقاتی شان همواره در در همجا مسئله ملی را عمده ساخته و اهداف آن را مافوق اهداف عمومی جنبش سراسری ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق قرار می دهند. این مسئله تضاد با امپریالیسم و نیروهای وابسته به آن را در قلمرو جنبش ملی تحت الشعاع تضاد با حاکمیت قرار می دهد. این امر از یک سو زمینه های درگیری های خصومت آمیز بین جنبش ملی و حکومتی که ضد امپریالیست است را تشدید می کند و از سوی دیگر زمینه را برای نفوذ و بهره برداری ضد انقلاب (نیروهای وابسته به امپریالیسم) در جنبش ملی و به انحراف کشیدن آن فراهم می آورد.

از اینها گذشته، کیفیت طرح حقوق ملی و سطح خواسته ها از جانب ناسیونالیسم عموما تابع نوسانات درگیری با حاکمیت، میزان بسیج نودهای حول خواست های ملی و پیروزی ها و شکست های تاکتیکی جنبش در پروسه زمان قرار می گیرد. آنها نمی توانند درکی قانونمند از مناسبات بین حکومت ضد امپریالیست و جنبش خلق تحت ستم و انتظارات آن دواز یکدیگر داشته باشند. عین این دیدگاه در نیروهای حکومت نیز عمل می کند. این گونه برخوردها و ذهنیت ناشی از آن در بین نیروهای حکومتی و جنبش خلق کرد که مشخصا تابع موقفیت های تاکتیکی است



مناسبات بین جنبش‌های ناسیونالیستی ملیت‌ها را با حکومت‌های ضد امپریالیست ناپایدار می‌سازد و این عدم ثبات نیز به خودی خود یکی از زمینه‌های مهم درگیری‌های خصمانه بین نیروهای حکومت و نیروهای جنبش ملی را فراهم می‌آورد. ادامه این درگیری‌های خصمانه و جنگ، زمینه رشد ضدانقلاب را در هر دو طرف فراهم می‌کند.

تنها پای فشردن بر این واقعیت که حاکمیت به‌جای تأیید حقوق حقه خلق کرد جنگ را بر جنبش تحمیل نموده است، بدون توجه به تمام عواملی که شردیم، توجیهی است برای عملکرد ناسیونالیستی تحت پوشش "یا توده‌ها بودن". کمونیست‌ها هرگز نباید تنها حضور توده‌ها در جنبش ملی را مبنای شرکت مسلحانه خود در آن قرار دهند، چنین بینشی ما را تا سطح جبهه‌سازی در برابر قهر خودبخودی توده‌ها تنزل خواهد داد و حاصل این حرکت نیز چیزی جز کام جوشی ناسیونالیسم رایج در جنبش ملی نخواهد بود.

آیا ما در شرایط مشخص و دل‌آلود وجود فعلی با شرکت در جنگ مسلحانه بر سر حقوق ملی بیشتر در تصحیح سنگینی جنبش ملی خلق کرد موثر می‌افتیم و یا با شرکت در جنگ، مبارزه طبقاتی را تخریب، ناسیونالیسم را تشدید و دنباله‌روی از آن را دامن خواهیم زد و شکاف میان جنبش ملی و مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک مردم سراسر ایران را عمیق‌تر خواهیم ساخت و بدین ترتیب زمینه حرکت مستقل خود را بیش از پیش تضعیف خواهیم نمود؟ مغز بسیار ساده‌اندیش آنارشیسم دهقانی کومه‌له و شرکاء هنوز آنقدر رشد یافته نیست که سر از این قضایا در آورد. اما بطور قطع ناسیونالیسم بورژوازی در پاسخگویی به این پرسش در پی آن است که کدام پاسخ زمینه‌های عدم شرکت ما را در جنگ ملی تضعیف خواهد کرد.

#### خلاصه کنیم:

تمام تجربه یک سال و نیم اخیر جنبش ملی مسلحانه در کردستان در تأیید نظریه مارکسیستی دولت، به مثابه ارگان‌های اعمال قهر طبقاتی به‌منظور حفظ نظم عملاً موجود طبقاتی حاکی از آن است که وجود دو سیستم ارگان‌های اعمال قهر مسلح مستقل که هر دو وظایف دولت را برعهده می‌گیرند، نمی‌تواند موجب تداوم جنگ مسلحانه نشود، تمام تجربیات و دانش فعلی ما حاکی است که تداوم جنگ جنبش ملی با حاکمیت مبارزات ضد امپریالیستی و طبقاتی درون بافت طبقاتی خلق کرد را مشخصاً تحت‌الشعاع مسئله ملی قرار می‌دهد و ناسیونالیسم در جنبش ملی را تقویت می‌کند و تمام حقایق نشان می‌دهند که رشد این گرایش‌ها در جنبش ملی بهترین زمینه را برای رشد جریان‌های ضد انقلابی و وابسته به امپریالیسم در جنبش ملی و به انحراف کشیده شدن مبارزه طبقاتی را به وضوح فراهم می‌آورد.

### سیاست حکومت

### وزینه‌های جنگ

#### ۱- انکار ستم‌ملی و حقوق خلق کرد

و اما دولت جمهوری اسلامی به‌خاطر تأمین حاکمیت خود در کردستان بیش از هر جای دیگر از شیوه‌های ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه استفاده نموده است. زیرا دولت جمهوری اسلامی برخلاف مناطق شیعه و فارس، در کردستان فاقد پایگاه توده‌ای لازم می‌باشد. جمهوری اسلامی هرگز حاضر نشده است حق شرکت مردم کردستان را در ساختمان ارگان‌های حکومت و نهادهای آن به رسمیت بشناسد و به آن پایبند ماند. چه در تدوین قانون اساسی، چه در مجلس شورا و چه در سایر نهادهای حکومتی (سپاه پاسداران، دادگاه‌های انقلاب، کمیته‌ها، جهاد سازندگی و...) اراده خلق‌های ستم‌دیده و در راس آن خلق کرد بطور کلی نادیده گرفته شده است. جمهوری اسلامی به توافقنامه‌ای که بین آقایان طالقانی، بنی‌صدر و هاشمی رفسنجانی و نمایندگان نیروهای سیاسی در فروردین ۵۸ در سنجند امضاء شد، هرگز پایبند نماند. جمهوری

اسلامی با این شکل تاسیس رژیم خود، با این شکل اداره‌کنش که انحصارطلبی سیاسی و در راس آن محروم کردن تمام خلق‌ها از شرکت در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خویش است، علاقه خود را از توده‌های مردم کردستان و دیگر خلق‌های تحت ستم ایران بیگانه ساخته است و بدین‌وسیله بیشترین زمینه را برای رشد گرایش‌های ضد جمهوری اسلامی - شوونیسم و کینه توزی ملی در میان ملیت‌ها پدید آورده است. دولت جمهوری اسلامی باتأکید روی سیاست سرکوب و اعمال فشار روش غیر منطقی و آشتی ناپذیر خود را تا امروز رها نکرده است. این دولت بدون در نظر گرفتن این مسئله اساسی که از ادامه جنگ کدامین نیرو بیش از همه سود می‌برد، جنگ کردستان را عملاً به سوئی سوق می‌دهد که بیشترین ضررات را به وحدت خلق‌های ایران و همبستگی ملی مردم میهنمان وارد خواهد آورد. جمهوری اسلامی به دلیل تضادهای درون خود و همچنین به علت نداشتن یک برنامه روشن در مورد مسئله ملی نه‌تنها بطور بارزی از قطع مخاصمات قاصر مانده، بلکه بنا بر ماهیت طبقاتی خود همچنان سیاست قشری و کونه‌نشی خود را ادامه می‌دهد. سیاستی که هم‌اکنون باعث رشد بیش از پیش ضدانقلاب در کردستان و تقویت گرایش‌های ضدانقلابی و راست در حکومت گشته، سیاستی که هم‌اکنون به مانع اصلی تحکیم وحدت بین جبهه‌های مبارز میهنمان در برابر امپریالیسم امریکابدل گردیده است، سیاستی که بیشترین خشنودی را در میان محافل امپریالیستی و دشمنان خلق ما پدید آورده است.

#### ۲- نقش سران ارتش

در این میان باید روی این مسئله تأکید جدی داشت که فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی ایران از روز سرنگونی رژیم شاه، به ویژه از ابتدای سال جاری تا امروز برای حفظ سیستم ضد خلقی ارتش و تثبیت موقعیت خود سعی کرده‌اند به بهترین وجه از ادامه این جنگ سود جویند، جنگ کردستان بنا بر ارزیابی‌های عینی یکی از مهمترین عوامل و انگیزه‌هایی بوده است که به حفظ فرماندهان امریکائی و عناصر ضد انقلابی و میدان‌داری آنها در ارتش منجر شده است و این نکته‌ای است که حتی بعضی عناصر ضد امپریالیست در درون حاکمیت خود صراحتاً روی آن انگشت گذاشته‌اند. این ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که جنگ کردستان یکی از مهمترین بهانه‌هایی بوده است که نیروهای افراطی دست راستی و سرکوبگر خلق و همچنین نیروهای بورژوازی لیبرال آن را وسیله حفظ ارتش و تثبیت موقعیت فرماندهان آن ساخته‌اند. سخنان فلاحی را به یاد بیاورید که چه وقیحانه می‌گفت:

"چه کسی می‌گوید این ارتش قابل اعتماد نیست؟ این ارتش اکنون یک سال است که در کمال رشادت به سرکوب اشرار کردستان مشغول است و در این راه صدها نفر را قربانی کرده است"

امپریالیسم آمریکا دقیقاً و آگاهانه از طریق عوامل خود در حکومت و بخصوص ارتش، که هر از گاهی ستمی از آنان افشاء می‌شوند، زمینه‌های ادامه جنگ بین ملیون کرد و نیروهای دولتی را در جهت تضعیف انقلاب و تقویت موقعیت نیروهای وابسته به خود دامن می‌زند. در این میان سران ارتش در طی یکسال و نیم گذشته از تمایلات قشری جمهوری اسلامی در جهت پیشبرد اهداف ضدانقلابی خود و توجیه ضرورت وجودشان در ارتش بیشترین بهره‌برداری را به عمل آورده‌اند.

#### ۳- انکاء بر دشمنان جنبش ملی

دولت جمهوری اسلامی از آنجا که فاقد حداقل پایگاه "توده‌ای" در کردستان است، بخاطر تأمین حاکمیت خود از اقداماتی نظیر مسلح نمودن فتوادل‌های وابسته به رژیم سابق نظیر رشید جهنگیری، بهمن‌خان خسروی و عبدالله خان مرادی و سایر عناصر مزدور و ضد خلقی از قبیل عظیم مبهودی و نظایر آن خسودداری نکرده است.

انکاء جمهوری اسلامی به چنین عناصر و

نیروهای بیش از پیش به مخاصمات ملی و جو سوتن و بی‌اعتمادی در کردستان دامن زده است و عوامل جنگ‌افروز را در منطقه تقویت می‌نماید. از جانب دیگر مشاهده می‌شود در آن مناطقی که حاکمیت بطور نسبی مستقر می‌گردد، تضاد میان نهادهای خرده‌بورژوازی و این نیروها در حال رشد است. بطور نمونه قبل از استقرار حاکمیت در منطقه دیواندره اغلب فتوادل‌های منطقه و در راس آن عبداله‌خان مرادی با ارتش و سپاه پاسداران همکاری نزدیک داشتند و عبداله خان طی ماههای گذشته نزدیک به پانصد قبضه سلاح از ارتش و پاسداران دریافت کرده‌بود. ولی اکنون عبداله‌مرادی و تعدادی دیگر از فتوادل‌های بزرگ منطقه به جرم وابستگی به رژیم سابق توسط پاسداران دستگیر و زندانی شده‌اند و اموال و زمین‌های آنها مصادره گردیده است. هم چنین در پارهای نقاط نظیر سنقر، بانه و سنندج تضاد میان ارگان‌های حکومتی و عناصر مزدور که تا دیروز با حاکمیت همکاری داشته‌اند در حال رشد است که در چند مورد منجر به دستگیری و خلع سلاح آنها شده است و در آینده نیز در هر نقطه‌ای از کردستان که حاکمیت دولت برقرار گردد ما با پدیده‌هایی از این قبیل روبرو خواهیم بود. زیرا بین منافع جمهوری اسلامی و نیت بسیاری از جاش‌های محلی که سالها در رژیم شاه با جنبش ملی و دمکراتیک خلق کرد دشمنی و با رژیم شاه دوستی کرده‌اند، وحدت اساسی وجود ندارد. مسئله است که بی‌سبب و بی‌مورد جمهوری اسلامی با نیروهای وابسته تضاد وجود دارد با این همه می‌بیم که بر اثر تشدید خشم ملی، این نیروها اینگونه در کنار هم قرار می‌گیرند و این چنین صف‌ها مخدوش می‌شود.

آنچه که تحت عنوان سازمان پیشمرگان مسلمان کرد شکل گرفته است سازمانی است که به کمک عوامل جمهوری اسلامی از جاش‌های محلی، عناصر منفور خلق و ستمی مزدور و تفالسه ساواکی‌های پس مانده از رژیم سابق شکل گرفته و در نظر است که حکومت نیز بیش از پیش آن را تقویت کند اما این سازمان نظر به شناختی که مردم از آن به دست آورده‌اند، به یکی از عواملی بدل شده است که جز تشدید خصومت ملی و سد کردن راه صلح نقش دیگری برعهده ندارد.

حکومت جمهوری اسلامی هرگز درک نکرده است که استقرار صلح بین نیروهای دولتی و جنبش ملی تا چه حد به زیان نیروهای وابسته به امپریالیسم که در کردستان و در نیروهای دولتی و به‌ویژه ارتش عمل می‌کنند، تمام می‌شود. حکومت هنوز درک نکرده است. جنگ چگونه بهترین زمینه‌ساز رشد ضدانقلاب و نیروهای بعثی در کردستان است.

طی ماه‌های گذشته تغییرات مثبتی در مواضع ترکیب و سیاست برخی نیروهای جنبش ملی کردستان به‌سود استقرار صلح و متوقف کردن جنگ با جمهوری اسلامی و متوجه ساختن سبب عمده مبارزه علیه نیروهای ضدانقلاب و نیروهای وابسته به امپریالیسم در منطقه پدید آمده است. اما این تحولات نظر به موقعیت عینی کنونی ننواسته است در سیاست عمومی حاکم به نیروهای طرفین تأثیر تعیین‌کننده باقی گذارد. اما این تحولات نظر به موقعیت عینی کنونی به‌ویژه بی‌برنامگی و سیاست کور جمهوری اسلامی نواسته است در سیاست عمومی حاکم به نیروهای طرفین تأثیر تعیین‌کننده باقی گذارد. در فاصله چندماهه گذشته جمهوری اسلامی برای قطع مخاصمات مسلحانه در کردستان واقعا تضادهای درونی حکومت و کمین‌گری هر یک از جناح‌ها برای بهره‌گیری از سیاست دیگری فرصت‌های قطع مخاصمات را مشخصاً تضعیف کرده است. اکنون جمهوری اسلامی عملاً عزم ادامه جنگ دارد ضمن آنکه از لابلای نگاه‌های وی بیم از ادامه آن نیز به چشم می‌خورد.

جمهوری اسلامی در برخورد با مسئله ملی، پاک گیج و سردرگم است. جمهوری اسلامی چنان از یک پیروزی بسیار ناچیز از خود بی‌خود می‌شود که دیگر "فکر رستمانش" نیست.



بقیه از صفحه ۱

## خانه از پای بست ویران است...

توجه اساسی و صریح به وابستگی صنعتی نمی‌توان مدعی از بین بردن وابستگی در صنعت شد و آنان که اساساً به این مسئله بی‌توجهاند بی‌تردید هیچگاه راه به "کعبه" نخواهند برد.

دولت نه تنها به مسئله وابستگی صنعتی توجهی صریح و روشن ندارد و آن را به وجود اقتصاد تک محصولی (که عارضه وابستگی و نه علت آن است) محدود می‌کند، بلکه به مسئله رابطه میان بخشهای تولیدی نیز بی‌توجه است. رابطه میان صنایع سنگین و تولید کننده وسایل تولید و وسایل مصرفی چگونه است و اولویتهای برنامه در این باره چیست؟ رابطه میان صنعت و کشاورزی چه باید باشد تا هم ضامن رشد و شکوفائی کشاورزی فرزوده و درهم شکسته میهن ما باشد و هم راهگشای رشد و استقلال صنعتی.

توسعه و گسترش منابع تولید، ماشین آلات صنعتی و کشاورزی و ابزار تولید و صنایع پایه‌ای (بند ۲ رئوس برنامه صنعتی) در هر برنامه‌ای می‌تواند بگنجد. صنایع آلومینیوم سازی و پتروشیمی ما صنایعی پایه‌ای اما وابسته‌اند وجود چنین صنایع وابسته‌ای چه دردی را در راه تأمین صنایع مستقل و بدور از وابستگی دوا خواهد کرد؟ برخی از ماشین‌آلات کشاورزی هم اکنون در ایران مونتاژ می‌شود، با ایجاد صنایع واسطه برای آنها آنچنان که در برنامه دولت آمده است، چه پیوند اساسی میان صنعت و کشاورزی به وجود خواهد آمد؟ نه تنها باید به ماهیت وابستگی این صنایع توجه داشت و قاطعانه و پیگیرانه در پی قطع وابستگی صنایع به انحصارات امپریالیستی بود بلکه باید رابطه‌های ارگانیک و رشد یابنده میان این بخشها برقرار ساخت که در برنامه اقتصادی دولت به هیچ روی بدان توجهی نشده است.

### صنایع کوچک

همچنین دولت تأکید بسیار بر صنایع کوچک دارد. در بند ۱ رئوس برنامه صنعتی آمده است:

"توسعه و ایجاد واحدهای کوچک صنعتی برای کاهش وابستگی یا مشارکت و فعالیت بخش تعاونی و خصوصی"  
و در بند ۶ از همین فصل برنامه آمده است:  
"کمک و تشویق صنعتگران در جهت توسعه فعالیت خود در تقلیل وابستگی و تشویق صنایع دستی"

این تأکیدات هرچند بجا اما در برنامه دولت رجائی حکایت از توهمی می‌کند که دولت در زمینه نقش صنایع کوچک دچار آن است. بدیهی است باید صنایع کوچک و صنعتگران که در سالهای گذشته تحت فشار شدید انحصارات وابسته بوده‌اند و به ورطه ورشکستگی کشیده شده‌اند را تشویق و کمک کرد. مسئله در چگونگی این کمک و توانائی این بخش در ره‌اندیدن اقتصاد میهن ما از وابستگی به امپریالیسم است. تازمانی که انحصارات صنعتی، تجاری و خدماتی سرکارند تا زمانی که اساس اقتصاد جامعه ما در وابستگی به امپریالیسم قرار دارد، علیرغم همه کمک‌ها و تشویق‌ها، امکانات رشد این صنایع و این صنعتگران بسیار محدود و حتی غیر ممکن خواهد بود آنچه مهم‌ترین تشویق و کمک برای صنایع

کوچک و صنعتگران است، حذف عملکرد انحصارات تولید، تجاری و خدماتی در اقتصاد میهن ما و برپائی صنایع بزرگ مستقل با پیوندهائی ارگانیک و رشدیابنده با دیگر بخشهای تولیدی است که خود باید از هدفهای اساسی برنامه اقتصادی در جهت قطع وابستگی به امپریالیسم باشد. در چنین شرایطی و با فراهم آوردن امکانات مادی برای صنایع کوچک و صنعتگران است که می‌توان انتظار داشت صنایع کوچک و صنعتگران میهن ما رشد یابند. نمی‌توان بار قطع وابستگی را بر پشت خمیده صنایع کوچک و صنعتگران قرار داد بلکه بجای آن باید آنچنان در جهت قطع وابستگی پیش رفت که امکان رشد برای آنها فراهم گردد. نحوه برخورد برنامه اقتصادی دولت با صنایع کوچک و صنعتگران چیزی جز زدن شیپور از سر گذاشت نیست.

### دولتی شدن صنایع وابسته

علاوه بر نکات بالا نکته قابل توجه دیگری در برنامه صنعتی دولت نهفته است و آن به میان نیاوردن لفظ صنایع دولتی و عدم تأکید بر مالکیت دولت بر صنایع است.

در این زمینه نیز ما عقیده داریم که این نه ناشی از سهو و فراموشکاری برنامه‌ریزان، بلکه مبتنی بر بینشی است که بر تمامی برنامه سایه انداخته است و آن تأکید بر مشروعیت بخشیدن به مالکیت خصوصی بر وسایل تولید است. کسانی که در مقدمه برنامه آنچنان که دیدیم از مالکیت مشروع دفاع می‌کنند و بر این توهم دلخوش کرده‌اند که مسئولان جمهوری اسلامی سرمایه‌دارانی را که "فاسق و مسرف و مترفند" از مالکیت عزل خواهد کرد، دیگر نیازی به این نمی‌بینند که مالکیت سرمایه‌های بزرگ و صنایع وابسته در اختیار دولت باشد. به نظر اینان اگر سرمایه‌دارانی که "جواد و منفق" باشند بر سرمایه‌های بزرگ و صنایع وابسته مالک باشند مسئله‌ای در کار نیست و هیچ اصلی از اصول "مکتب" نقض نشده است! اینان بنا بر بینشی که دارند نمی‌توانند این نکته را دریابند که رشد و حرکت سرمایه، بزرگ شدن و انحصاری شدن آن را در پی دارد که نتیجه آن تشبیت و تحکیم سلطه امپریالیسم بر میهن ما است. بدین ترتیب حتی برای یکبار هم لفظ مالکیت دولت بر صنایع وابسته به میان نیامده است. به جای آن در بند ۱۷ همین فصل از برنامه "سهیم کردن کارکنان اعم از کارگران و کارمندان در مالکیت واحدهای تولیدی ملی شده" مطرح شده است. ببینیم معنای این سیاست چیست و چگونه دولت رجائی در پی ایجاد توهمی در میان کارگران و کارمندان است.

ما درباره مسئله پرداخت سود ویژه به کارگران در هفته‌های گذشته مطرح شد، گفتیم که طرح سود ویژه به کارگران، جز فریبی از جانب دولت وابسته شاه نبود. آنچه به کارگران پرداخت می‌شد، اساساً جزئی از مزد آنها بود که تحت عنوان سود ویژه پرداخت می‌شد و باید مزد آنان با احتساب آنچه آنان به عنوان سود ویژه دریافت می‌کرده‌اند، پرداخت گردد.

دادن مالکیت سهام کارخانه‌های ملی شده به کارگران و کارمندان در برنامه‌های رجائی بدین معناست که آنها بخشی از مزد خود را به صورت سود سهام دریافت کنند. ما بر این عقیده‌ایم که پرداخت مزد به کارگران و حقوق به کارمندان (چه در صنایع ملی شده و چه در غیر آنها) نباید با ایجاد فریبکاری و ایجاد احساس مالکیت صورتی برای کارگران و کارمندان انجام شود. مزد همه کارگران در همه‌جا در اقتصاد میهن ما باید در حدی باشد که با ۴۰ ساعت کار در هفته رفاه مادی آنان

و خانواده‌شان تأمین شود (غذای کافی، پوشاک و مسکن مناسب، بهداشت و درمان...). پائین بودن مزد کارگران و طولانی بودن ساعات کار آنان، فقر شدید و فرسودگی سریع آنان را به بار آورده و عمر متوسط آنان را به شدت کاهش می‌دهد. در این وضع پیش کشیدن مالکیت سهام کارخانه‌های ملی شده توسط کارگران و کارمندان این صنایع، فریب، یا اگر خوش‌بین باشیم، توهمی بیش نیست.

گذشته از این، این سیاست می‌تواند عواقب بسیار ناگواری برای اقتصاد میهن ما داشته باشد. چنانچه کارگران و کارمندان به این سهام را به دست می‌آورند، بتوانند آنها را بفروشند یا به دیگری واگذار کنند، می‌توان انتظار داشت نه در مدتی چندان بعید بلکه به سرعت و به زودی، کارگران و کارمندان جزء که در گذران زندگی تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار دارند، ناگزیر به فروش سهامی شوند که در مالکیت آنان قرار دارد. بدین ترتیب چندی نمی‌گذرد که این

● دادن مالکیت سهام کارخانه‌های ملی شده به کارگران و کارمندان در برنامه‌های رجائی بدین معناست که آنها بخشی از مزد خود را به صورت سود سهام دریافت کنند. ما بر این عقیده‌ایم که پرداخت مزد به کارگران و حقوق به کارمندان (چه در صنایع ملی شده و چه در غیر آنها) نباید با ایجاد فریبکاری و ایجاد احساس مالکیت صورتی برای کارگران و کارمندان انجام شود.

سهام در دست سرمایه‌داران بزرگ متمرکز می‌شود و بار دیگر این صنایع به دست انحصارات می‌افتد این همان سیاستی است که به تازمه پس از ملی شدن برخی از صنایع در سال گذشته بازرگان و مشاوران او مطرح کردند. در هر صورت این سیاستی انحرافی است و در جهت ایجاد توهم و حتی فریب کارگران و زحمتکشان است که می‌تواند در جهت رشد مجدد سرمایه‌داری وابسته ایران قرار گیرد.

### وابستگی تکنولوژیک

یکی از ارکان مهم وابستگی اقتصادی به امپریالیسم، وابستگی تکنولوژیکی صنایع وابسته است. تکنولوژی صنعتی به معنای به‌کارگیری علوم در جهت تولید و افزایش باروری کار است. از خصوصیات جامع وابسته ضعف آنها در زمینه ابداع و نوآوری تکنولوژیکی است که امکان سلطه انحصارات امپریالیستی را از طریق تحمیل روشهای معین تولیدی و کسب بخش عظیمی از تولید اجتماعی به صورت اجاره تکنولوژی فراهم می‌سازد. برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی در برنامه صنعتی و به طور کلی در برنامه اقتصادی به مسئله وابستگی تکنولوژیکی و ضرورت ایجاد زمینه‌های لازم برای به‌کاربندی علوم در تولید و برای ابداع و نوآوری فنی که یکی از ارکان قطع وابستگی است، کاملاً بی‌توجه گذشته‌اند. بدیهی است دیدگاهی که انقلاب فرهنگی‌اش به معنای بستن دانشگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و کلاس‌های درس مدارس فنی و حرفه‌ای است، نمی‌تواند به چنین مسئله حیاتی توجه داشته باشد. چگونه می‌توان انتظار داشت که بدون ایجاد زمینه‌های رشد تکنولوژی مستقل در میهنمان بتوان در جهت قطع سلطه انحصارات امپریالیستی بر صنایع وابسته ایران به پیش رفت این سئوالی است که آنان که در دانشگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها و کلاس‌های درس را به‌روی دانشجویان بسته‌اند، نظریه‌پردازان جمهوری اسلامی، و نیز دولت رجائی باید به مردم میهن ما پاسخ گویند.

"ادامه دارد"

## بررسی قانون تأمین اجتماعی «جدید»

# وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی قانون شیخ الاسلام زاده را به عنوان قانون «جدید» تأمین اجتماعی ارائه داده است

بار دیگر مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی، قانون تأمین اجتماعی آریامهری را که دکتر شیخ الاسلام زاده و مزدوران دیگر در رژیم شاه تدوین کرده بودند، به عنوان قانون جدید تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران ارائه داده‌اند. یک بار در اسفند ماه ۵۸، سازمان تأمین اجتماعی برای این قانون، سن سویی به عنوان طرح جدید و انقلابی ارائه داده بود که با در شماره‌های ۵۲ و ۵۳ "کار" تحت عنوان "پیش نویس قانون جدید تأمین اجتماعی یا رونوشت قانون تأمین اجتماعی رژیم شاه؟" آن را به تفصیل مورد بررسی و انقاع قرار دادیم. این بار همان پیش‌نویس با تغییراتی بسیار جزئی و اضافه و حذف کردن چند ماده و تصریح به عنوان قانون "جدید" ارائه گردیده است. همانطور که قبلاً گفتیم از ۱۱۹ ماده قانون تأمین اجتماعی آریامهری منجوز از ۱۰۰ ماده آن بلا تغییر و دست‌نخورده مانده است. گویا تنها از "نخستین" پزشکی دکنتر شیخ الاسلام زاده، در زندان اوین استفاده شده بلکه از "نخستین" اصلی این مزدور (تدوین فواید صد کارگری) نیز مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی کمال استفاده را کرده‌اند!

در قانون "جدید" ۱۸ ماده از مواد قانون قبلی حذف شده است که این مواد به مقررات و روش‌های اجرائی این قانون و مواد اداری یعنی ارکان و تشکیلات سازمان رفاه و مقررات مالی آن مربوط می‌شد و بود و نبودشان تأثیر چندانی در وضع کارگران نداشت.

بررسی این قانون روشن می‌کند که مسئولین وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی در جهت تغییر قانون ارتجاعی قبلی کوچکترین قدمی برداشته‌اند و آن را در همان چارچوب ضدد کارگری‌اش تماماً حفظ کرده و بی‌شرمه می‌خواهند به عنوان قانون "جدید" و نمونه‌ای از دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان ایران به کارگران تحمیل نمایند. کارگران می‌پرسند:

"مقامات مسئول اگر قصد نداشتند که در قانون آریامهری تغییرات اساسی به وجود بیاورند، چرا حقیقتش را نگفتند که "ما تنها در چند ماده و تبصره کم اهمیت تجدید نظر کرده‌ایم و قانون ما همان قانون قبلی است به اضافه این چند ماده و تبصره... چرا به جای گفتن حقیقت امر عوام‌فریبانه از تدوین و ارائه قانون تأمین اجتماعی جدید دم می‌زنند؟ آیا تصور می‌کنند که کارگران که سالها تبعیض و ستم قانون صد کارگری رژیم شاه را با پوست و گوشت خود لمس کرده‌اند، آنچنان ناآگاه یا فراموشکارند که آن را در چهره‌های به اصطلاح "جدید" ش نخواهند شناخت؟"

مسئله در این است که در این مجدد نظر از میان این چند ماده و تبصره اضافه شده نیز، ۴ ماده و تبصره که آشکارا به نفع سرمایه‌داران

است گنجانده شده. ماده ۲۸، تبصره ماده ۴۲ ماده ۴۵ مکرر و ماده ۹۸ از موادی هستند که در قانون "جدید" کاملاً به نفع کارفرماست. مضمون این مواد عبارتست از:

کاهش سهم حق بیمه پرداختی سرمایه‌دار، تعدیل مهلت پرداخت حق بیمه، تخفیف جریمه دیرکرد و ...

بطور نمونه ماده ۲۸ طی این تجدید نظر مشمول تغییرات زیر شده است:

در قانون قبلی کل حق بیمه پرداختی ۳۰٪ بود که ۲۰٪ آن را کارفرما، ۷٪ را کارگر و ۳٪ آن را دولت می‌پرداختند. در قانون "جدید" این ۳۰٪ به ۲۷٪ کاهش یافته و سهم کارفرما از ۲۰٪ به ۱۳٪ کاهش یافته و سهم کارگر از ۷٪ به ۵٪ و سهم دولت از ۳٪ به ۹٪ رسیده است. روشن است که:

اولاً - کاهش ۳٪ از کل هزینه پرداختی حق بیمه به زیان کارگر است.

ثانیاً - ۷٪ از سهم هزینه کارفرما کاهش یافته است و این مقدار از کیسه دولت (هزینه عمومی) به نفع سرمایه‌دار تأمین می‌شود. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که "کارشاسان" وزارت کار و سازمان تأمین اجتماعی بیش از آنکه نگران بهبود شرایط تأمین اجتماعی کارگران باشند، نگران منافع سرمایه‌داران بوده‌اند. قانون تأمین اجتماعی "جدید" علاوه بر نکات فوق‌الذکر در اصلی‌ترین وجوهش دارای نواقص اساسی است که دیلاً مهمترین نکات آن را بر می‌شماریم:

۱- مقدمتاً باید تأکید شود که نحوه ارائه و طرح این قانون به ترتیبی که وزارت کار طرح می‌کند نادرست و غیر اصولی است. آنان قانون

**قانون تأمین اجتماعی باید کلیه افراد زحمتکش را بدون استثنا و تبعیض تحت پوشش قرار دهد و همه را مشمول کلیه موارد تأمین اجتماعی از قبیل حوادث، بیماری، از کار افتادگی، بیکاری، بازنشستگی و ... قرار دهد.**

کلیه مردم میهن ما باید تا رسیدن به سن قانونی کار، بطور رایگان تحت پوشش این قانون قرار گیرند و از تمامی امکانات بهداشتی و درمانی تحصیل رایگان و اجباری، تغذیه مناسب و ... برخوردار گردند.

تأمین اجتماعی را به عنوان قانونی مجزا از قانون کار طرح و تدوین کرده‌اند، حال آنکه اساساً قانون کار و تأمین اجتماعی یک کلیت واحدند و بدون ارتباط با یکدیگر مفهوم ندارند.

۲- دامنه مشمول این قانون همانند قانون گذشته محدود به بخش کوچکی از کل کارگران و زحمتکشان است. در این قانون بخش وسیعی از کارگران و زحمتکشان (روستائیان، کارگران ساختمانی، کارگران کارگاه‌های کوچک، مشمولین قانون استخدام کسور و قوانین خاص و ...)

خارج از پوشش خدمات تأمین اجتماعی قرار دارند.

قانون تأمین اجتماعی باید کلیه افراد زحمتکش را بدون استثنا و تبعیض تحت پوشش قرار دهد و همه را مشمول کلیه موارد تأمین اجتماعی از قبیل حوادث، بیماری، از کار افتادگی، بیکاری و بازنشستگی و ... قرار دهد. کلیه مردم میهن ما باید تا رسیدن به سن

تنها با شرکت فعال تشکیلات کارگری و نمایندگان واقعی آن در بررسی و تدوین قانون کار و تأمین اجتماعی، می‌توان قانون تأمین اجتماعی واقعی جدیدی را تدوین کرد. قانونی که تجلی دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما باشد.

قانونی کار باید بطور رایگان تحت پوشش این قانون قرار گیرد و از تمامی امکانات بهداشتی و درمانی، تحصیل رایگان و اجباری، تغذیه مناسب و ... برخوردار گردند.

برای کلیه جوانانی که به سن قانونی کار می‌رسند و آمادگی خود را برای کار اعلام می‌کنند دولت موظف است کار مناسب پیدا کند و تا هنگام اشتغال آنان را تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دهد.

۳- در قانون "جدید" باز هم استفاده از خدمات تأمین اجتماعی موکول به پرداخت حق بیمه شده است و اگر به هر دلیلی، میزان حق بیمه پرداختی کافی نباشد، کارگر و خانواده‌اش از استفاده از این خدمات محروم می‌شود. مطابق این قانون حتی ارائه خدمات به یک کودک دوساله که پدر و مادرش را از دست داده نیز موکول به پرداخت حق بیمه شده است. این مسئله که مضمون ماده ۶۹ مکرر است، توسط "کارشاسان" سازمان تأمین اجتماعی جمهوری اسلامی ایران به قانون قبلی اضافه شده و قبلاً به عقل دکتر شیخ الاسلام زاده نرسیده بود. حال آنکه قانون تأمین اجتماعی باید بر اساس تأمین خدمات اجتماعی مورد نیاز زحمتکشان استوار باشد به بر اساس میزان و مدت پرداخت حق بیمه افراد.

و از آنجا که عملاً موسسات درمانی، ارائه خدمات درمانی را موکول به پرداخت کل حقوق بیمه می‌کنند، باید در قانون تأمین اجتماعی صریحاً قید شود که مراکز درمانی هنگام مراجعه بیمه شده، موظف هستند بدون قید و شرط (صرفنظر از اینکه آیا کل حق بیمه آنها پرداخت شده است یا نه؟) خدمات لازم را ارائه دهند.

۴- این قانون با یکی از مهمترین و مبرم‌ترین مسائل مربوط به تأمین اجتماعی یعنی مسئله بیمه بیکاری بطور سطحی برخورد کرده و تنها



# «شورای اسلامی کارخانه رز»، در نامه‌ای خطاب به مجلس شورای اسلامی، به قانون شوراهای (مصوبه شورای انقلاب)، اعتراض کرد

می‌دانیم که حقایق را در همه‌جا مطرح کنیم تا برادران ما بدانند و آگاه باشند. نامه اعتراضی شورای کارکنان شرکت تولیدی رز، بیانگر رشد آگاهی و درک ضرورت همبستگی زحمتکشان میهن ماست. این نامه همانند روشنگری‌های مسئولان‌های که بطور مستمر در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها صورت می‌گیرد، نشانه ایمان خدشه‌ناپذیر کارگران و زحمتکشان ایران به گسترش پیگیرانه دامنه انقلاب بوده و بیانگر احساس مسئولیت عمیق شوراهای پاسداری از دستاوردهای انقلابی و تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک میهن ماست.

نموده‌اید؟ چرا امسال سوال سرمایه‌داران خائن و ضد انقلاب را مصادره نکرده‌اید؟ چرا بدهی‌های قبلی کارخانجات را به عهده آنها نگذاشتید و هنوز در نظر دارید پول سهام آنها را محاسبه کنید و به آنها پرداخت کنید یا حتی سودهای قبلی آنها را حقوق مشروع و طلب آنها می‌دانید؟ آیا جز این است که شوراهای تا به حال این مسائل را بارها مطرح کرده‌اند ولی از طرف شما اقدامی مفید نشده؟ تمام این عوامل است که باعث رکود بعضی از صنایع شده و همچنان آنها را در بدهی‌های فراوان غرق می‌کند و ما وظیفه خود

را بالا ببرند ولی برای همه ما روشن است که کارگران انقلابی، مومن به آن هستند و برای گردش کارشان بیشتر از هر کسی در عمل فعالیت می‌کنند و این خود مسئولین هستند که در عمل باعث خوابیدن چرخ تولیدویکاری کارگران می‌شوند. چرا؟ چون حاضر نیستند کارگران و نمایندگان آنها یعنی شوراهای را محترم بدانند. برای آنها سرمایه‌داران و مدیران طاغوتی عزیز هستند نه شورا والا به شهادت اکثریت کارگران، این شوراهای اسلامی و انقلابی کارگران بوده‌اند که تا بحال این صنایع را روی پا نگهداشته‌اند و با مبارزه پیگیر خود علیه سرمایه‌داران و عوامل آنها

وزیر بازرگانی (رضا صدر) و رئیس سازمان برنامه و بودجه (مهندس سبحانی) و وزیر دارائی (رضاسلمی) و وزیر کار و امور اجتماعی (مهندس نعمت‌زاده) که در جلسه روز شنبه ۸ شهریور ۵۹ همگی علیه شوراهای بود و گفتند که خرابی کارها و خوابیدن چرخ کارخانجات بخاطر دخالت شوراهای در کار است، اعلام می‌کنیم. اتفاقاً درست برعکس! نظر ما و تمام شوراهای در این است که خوابیدن تولید و رکود صنایع بخاطر فرار گرفتن افرادی مثل مهندس هسته‌ای در راس صنایع ملی شده که بیستی از ۷۰٪ صنایع کشور ماست، می‌باشد. آنها تا بحال جز دفاع از مافع سرمایه‌داران و سرکوب شوراهای راهی را نرفته‌اند. امروز با زهم خیانت خود را متوجه شوراهای و کارگران می‌کنند. آنها می‌گویند کارگران باید گذشت کنند و کمتر بگیرند و تولید

شورای اسلامی کارکنان تولیدی رز، طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی، مخالفت صریح خود را با تصویب نامه اخیر شورای انقلاب اعلام کرد که ذیلاً قسمت‌هایی از این نامه را نقل می‌کنیم:  
... ما شورای اسلامی کارکنان رز مانند اکثریت شوراهای مخالفت صریح و قاطع خود را با آئین‌نامه (قانون) شوراهای که اخیراً از طرف وزارت کار تهیه و به تصویب شورای انقلاب رسیده است، اعلام می‌کنیم و می‌گوئیم تنها آئین‌نامه‌ای مورد قبول ماست که مفهوم واقعی شورای طالقانی را که مخالف با سرمایه‌داری و استثمار و استبداد است، استعمار است، دربرداشته باشد و نه آنطور که وزارت کار می‌خواهد شورایی در دست سرمایه‌داران و زورگویان. ما مخالفت خود را با سخنان وزیر صنایع و معادن (دکتر احمدزاده)،

بقیه از صفحه ۲۰

## تبلیغات بی‌شرمانه علیه...

آمریکائی را به فدائیان خلق نسبت دهند. در حالی که همه مردم ایران می‌دانند که کودتاگران و همه عوامل وابسته به امپریالیسم دشمنان سرسخت انقلابیون کمونیست‌اند، چرا که کمونیست‌ها سرسخت‌ترین و آشتی‌ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن‌اند.

ما همانگونه که قبلاً اعلام داشته‌ایم هرگونه تلاش مذبوحانه برای نزدیک نشان دادن نوکران امپریالیسم را به نیروهای انقلابی خیانت به انقلاب، خیانت به استقلال و آزادی میهن و خیانت به توده‌های زحمتکش و مبارز ایران می‌دانیم.

مردم به نیروهای انقلابی خلق اعتماد دارند و طبعاً به همان نسبت که ممکن است این تبلیغات بی‌شرمانه را باور نمایند که انقلابیون خلق در کودتا شرکت دارند، مقاومت در برابر کودتاهای آینده کاهش می‌یابد.

امپریالیسم آمریکا آرزو دارد که وقتی نوکرانش کودتا راه می‌اندازند، مردم چنین تصور کنند که نه امپریالیسم، نه دشمنان جنایتکار مردم، بلکه انقلابیون یعنی وفادارترین دوستان مردم و سرسخت‌ترین دشمنان امپریالیسم در کودتا شرکت دارند، مسلماً اگر چنین تصویری در مردم پدید آید، مقاومت در برابر کودتاهای آینده به شدت کاهش می‌یابد و احتمال پیروزی نوکران امپریالیسم ده‌چندان می‌شود، از همین رو است که ما کسانی را که با بی‌شرمی تمام، کودتای آمریکائی را به انقلابیون خلق نسبت می‌دهند، خدمتگزاران دانسته یا ندانسته امپریالیسم آمریکا می‌دانیم و سیاست تبلیغاتی رادیو-تلویزیون را که در خدمت این سیاست قرار دارد، قویاً محکوم می‌کنیم.



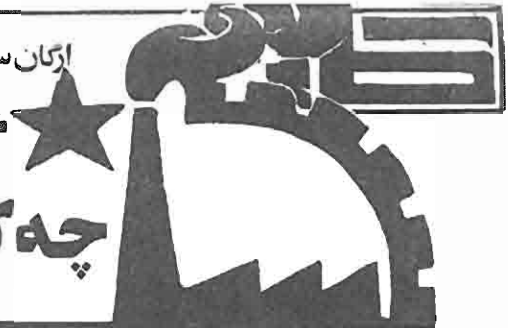
## وحدت کارگران فصلی آشوراده (بندر توکمن) در سندیکای کارگری

موفقیت‌های آنها سایر کارگران فصلی واحد (حدود ۷۰ نفر) را نیز متعقد ساخت که باید در چارچوب سندیکا متحد شوند و با حمایت دیگر کارگران مبارزات خود را در جهت تحقق خواسته‌هایشان ادامه دهند.  
این اقدام کارگران فصلی پیروزی دیگری برای سندیکای کارگران ناحیه چهارشیلات و گامی در جهت کسب پیروزی‌های هرچه بیشتر در مبارزه کارگران علیه استثمارگران است

حقوقشان مبارزه کرده‌اند، از جایی به جای دیگر حواله شده‌اند. تلاش فردی آنها در این مدت جز وعده‌های توخالی سردرگمی و کاغذپرانی برایشان حاصلی به بار نیاورده است. حدود یکسال پیش ۴۵ نفر از کارگران فصلی بر آن شدند تا خواسته‌های خود را از طریق سندیکا دنبال کنند. آنها با برخورداری از حمایت فعال سندیکا توانستند وزارت کار و مدیرعامل شیلات را به توافق با خواسته‌هایشان وادارند.

سندیکای کارگران ناحیه چهارشیلات - آشوراده بیش از پانزده ماه است که در جهت تحقق خواسته‌های کارگران پیگیرانه مبارزه می‌کند. حاصل این تلاش طولانی موفقیت‌های بزرگ از جمله پیاده کردن طرح طبقه‌بندی مشاغل برای کارگران دائمی است. در تمام مدتی که کارگران دائمی و بخشی از کارگران فصلی از طریق وحدت در سندیکا مبارزات خود را پیروزمندانه به پیش می‌بردند سایر کارگران فصلی که بطور انفرادی در جهت کسب

# ۴۰ ساعت کار در هفته خواسته همه کارگران است



# چه کسانی در امر تولید اخلال می کنند؟

برداشته است و بارها و بارها ضرورت این امر را نیز به مدیریت، وزارت صنایع و معادن و دفتر ریاست جمهوری بطور جدی هشدار داده است. ولی هیچگونه توجه و اقدام جدی و مسئولانه‌ای در جهت رفع این نقیصه از جانب "مسئولین" صورت نگرفته است.

### ۳- ماشین سازی پارس (همدان)

این کارخانه وابسته به سازمان گسترش و نوسازی صنایع است. مدیریت فعلی این واحد به عهده همان مدیران قلی است که از عوامل سرمایه داران هستند. تولید این واحد طی سالهای اخیر سال به سال رو به نقصان گذاشته است. تولید در سال ۵۶ حدود ۷۴۰۰۰ تن بوده است، سال ۵۷، ۷۷۰۰۰ تن، سال ۵۸، ۲۴۰۰۰ تن و در سال ۵۹ این رقم همچنان رو به کاهش دارد. بی برنامه‌گی مدیریت و برخورد لاقیدانه آن (بطور مشخص: کوتاهی در بستن یک قرارداد بزرگ با سیمان لوشان) و تا حدی نداشتن بازار فروش (در درجه دوم) عوامل این افت تولید بوده است.

مدیریت این کارخانه که شدیداً ضد شورا و ضد کارگر است، حتی در اجرای کوچکترین خواسته‌های کارگران تا آنجا که بتواند،

می‌شود. بیش از ۹۰٪ مواد مورد نیاز این کارخانه در داخل قابل تامین است. مدیریت فعلی هیچگونه تخصصی در مورد نوع تولید این کارخانه ندارد. در حال حاضر تنها از ۲۰ درصد دستگاه‌های موجود استفاده می‌شود. مدیریت تا کنون هیچگونه رغبتی به راه - اندازی اصولی تمام دستگاه‌های موجود در کارخانه از خود نشان نداده است.

مدیریت کنونی هیچگونه اقدام جدی و مسئولانه در جهت تامین به موقع مواد اولیه و تهیه بازار فروش نکرده است. علاوه بر اینها به تازگی با "ساخت و پاخت" با یکی از همپالکی‌هایش (یک تاجر چوب) به خرید مقدار زیادی چوب پوسیده و بی‌مصرف که به هیچوجه با نوع تولید این کارخانه مناسبتی ندارد، اقدام نموده است. بی‌برنامگی، عدم مهارت و ابتکار، بی‌توجهی و برخورد غیرمسئولانه مدیریت کنونی نسبت به امر تولید، کار را به آنجا کشانده است که میزان تولید کارخانه در حال حاضر به ۸۰۰ عدد در در یک ماه رسیده است. حال آنکه کارخانه می‌تواند این تعداد را در مدت سه روز تولید کند. شورای کارخانه به گواه مبارزات ۱۸ ماهه‌اش ثابت کرده است که نه تنها هیچگاه خواهان کاهش میزان تولید نبود، بلکه همواره با تمام توان انقلابی‌اش سعی در جهت به‌راه‌اندازی کارخانه و بالا بردن سطح تولید و تامین مواد مورد نیاز گام

در ایران قابل تامین است. تولید کارخانه قبل از انقلاب ۱۲۰۰ عدد کاپشن در هفته بود و تولید فعلی آن بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ کاپشن در هفته در نوسان است و اما علت افت تولید:

- ۱- برسیدن به موقع مواد اولیه (پارچه...)
- ۲- نبودن لوازم یدکی چرخ‌های دوزندگی و سایر دستگاه‌ها
- ۳- پوسیدگی نخ شورای کارخانه همواره در جهت تامین مواد اولیه و تهیه قطعات یدکی تلاش کرده و بارها در مورد این کمبودها به مدیریت هشدار داده است. ولی این مسئله همواره مورد بی‌توجهی کامل مدیریت قرار گرفته و تقریباً هیچگونه اقدام جدی در جهت رفع این نقائص نشده است. در حال حاضر کارخانه برای حداکثر یک ماه آینده مواد اولیه دارد و عدم تامین مواد اولیه پس از یک ماه، تعطیل کارخانه و بیکار شدن بیش از ۱۷۰ کارگر آن را به دنبال خواهد داشت.

شوراهای کارخانه‌ها از آغاز شکل‌گیری شان تاکنون همواره از جانب نیروهای که از شرکت فعال و آگاهانه مردم در حیات سیاسی جامعه وحشت داشته‌اند و کسانی که به واسطه ماهیت طبقاتی شان به قدرت سازنده توده‌ها بی اعتقاد بوده‌اند، مورد یورش و تهاجم قرار گرفته و می‌گیرد. یکی از اتهامات واهی و بی‌اساسی که مسئولین ملکنی اعم از شورای انقلاب رئیس جمهور و وزارت کار و برای متلاشی کردن و تهی کردن محتوای این نهادهای توده‌ای و ضدامپریالیستی به آنها نسبت داده‌اند، متهم کردن شوراهای اخلال و کارشکنی در امر تولید است. ما همچنانکه در گذشته بارها و بارها بی‌اساس بودن ادعاهای فوق را به استناد شواهد زنده و روزمره نشان داده‌ایم، در اینجا نیز عوامل و موجبات این اختلال و افت در میزان تولید و نقش مدیران و شوراهای را در ۴ واحد تولیدی و صنعتی شرق تهران اجمالاً بررسی می‌کنیم:

### ۱- کارخانه تولید و پخش پوشاک (واحد سرخه‌حصار)

این کارخانه در گذشته متعلق به دربار بود و سهامدار اصلی اش اشرف (خواهر شاه) بود. این کارخانه اکنون وابسته به صنایع و معادن است و مدیریت‌اش به عهده فردی به نام صباغیان (برادر وزیر کشور قبلی) است. بخش اعظم مواد اولیه این کارخانه

### ۲- صنایع چوب ایران

این کارخانه قبل از انقلاب متعلق به یک سرمایه‌دار به نام عبدالمهی بود. پس از قیام کارگران این واحد به رهبری شورایشان موفق به ملی کردن این کارخانه شدند. این کارخانه اکنون زیر نظر وزارت صنایع و معادن و توسط مدیران دولتی اداره

## کارگران با هشیاری و اتحادشان توطئه مدیریت

## شرکت تهیه و توزیع وسایل یدکی ایران ناسیونال

### را افشاء کردند

شورا، کارگران از این توطئه خائسه مدیریت آگاه می‌شوند و از خروج وسایل از کارخانه جلوگیری می‌کنند. کمیته کارخانه ایران ناسیونال پس از ناخبر شدن از جریان دزدی مدیریت، سعی می‌کند قصه را لایوشانی کرده و از

تقلب و فریبکاری بهرین و تازه‌ترین وسایل یدکی شرکت را تحت عنوان "ضایعات شرکت" با مارک‌ترین قیمت به فروش رسانده و نقد خارج کردن آن را دارد. به همب یکی از نمایندگان شورا و بیکری دیگر اعضای

شرکت تهیه و توزیع وسایل یدکی ایران ناسیونال با ۷۰۰ کارگر، در کیلومتر ۱۱ جاده کرج واقع است. در این شرکت پس از قیام، مدیریت پیشین برکنار شد و مدیریت جدیدی از طرف دولت تعیین گردید. اخیراً مدیریت جدید تصمیم گرفت که ضایعات موجود در شرکت را همچنانکه تاکنون معمول بوده است، به فروش رساند و به دنبال آن قرار شد این ضایعات را با ۴۵٪ تخفیف بارنامه نموده و به فروش رسانند. اما وقتی که اجناس آماده خروج از شرکت می‌شود، شورای کارخانه متوجه می‌شود که مدیریت با

کارشکنی و توطئه می‌کند و جالب اینجاست که همه را هم به گردن جمهوری اسلامی می‌اندازد.

### ۴- روغن نباتی ناب

این کارخانه قبلاً متعلق به یک سرمایه دار بوده که شورای کارخانه با تلاش بسیار و مراجعات مکرر به صنایع و معادن، دفتر نخست وزیر و رئیس جمهور و شورای پیگیری طرح‌های انقلاب، سرانجام موفق به ملی کردن کارخانه می‌شود. این کارخانه اکنون توسط مدیران دولتی اداره می‌شود. تولید آن در حال حاضر در حدود ۳۰ درصد نسبت به گذشته کاهش یافته است. با آنکه مواد مورد نیاز (دانه‌های روغنی) به مقدار زیاد در گمرکات موجود است ولی کوتاهی و مسامحه‌کاری مدیریت در ترخیص به موقع این مواد (اخلال در تحویل مواد اولیه) منجر به این شده است که میزان تولید ماهانه کارخانه به اندازه تولید هفتگی‌اش تنزل کند. شورای کارخانه تاکنون بارها عواقب این اخلال را به مدیران هشدار داده ولی هربار با بی‌اعتنایی مدیریت مواجه شده است. علیرغم اخلال مدیریت و برخورد غیرمسئولانه دولت، شورای کارخانه روغن نباتی ناب، جهت مقابله اصولی با مشکلاتی که در پیش رو دارد پیگیرانه تلاش می‌کند.

" شما کارگرید و باید کارتان را بکنید! چکار به این کارها دارید؟!"  
نمایندگان شورا علیرغم برخورد غیرمسئولانه کمیته ایران ناسیونال، برای پیگیری مسئله به نخست وزیر مراجعه می‌کنند.  
کارگران شرکت تهیه و توزیع وسایل یدکی ایران ناسیونال طی اجتماعاتی که در کارخانه تشکیل شد، ضمن محکوم کردن توطئه خائسه و ضدانقلابی مدیریت، حمایت بی‌دریغ و فاطمانه‌شان را از اقدامات پیگیرانه شورا اعلام کردند.



## هدف از کودتای امریکایی در ترکیه؛

# سرکوب مردم ترکیه و انقلاب مردم ایران است

پس از لغو پیمان سنتو که ترکیه نیز جزئی از آن بود و پس از سقوط رژیم وابسته پهلوی، امپریالیسم آمریکا همواره کوشش کرده است اتحاد دولت‌های ارتجاعی منطقه مانند مصر، پاکستان، ترکیه، عربستان را بیشتر تحکیم بخشد. چنین اتحادی عامل مهمی در محاصره انقلاب ایران و سرکوب جنبش‌های انقلابی منطقه به حساب می‌آید. مشکلات داخلی ترکیه مانع مهمی در جهت تحکیم این اتحاد بوده‌است. با کودتای اخیر آمریکا این امکان را می‌یابد که این اتحاد را هرچه سریعتر تحکیم نماید و به نحو نمایان‌تری در جهت تأمین منافع پلید خود در منطقه به‌کار گیرد.

کودتای اخیر در ترکیه مانند هر کشور وابسته دیگر، باردیگر چهره ارتش ضد خلقی را به نمایش گذارد. این کودتا هر چند در جهت سرکوبی هرچه بیشتر مبارزات روبه‌گسترش مردم ترکیه انجام پذیرفته است، اما مسلماً بر علیه خلق‌های ایران و منطقه نیز می‌باشد.

● آمریکا با کودتای اخیر از یکسو می‌تواند اطمینان خاطر بیشتری برای حفظ منافع خود در ترکیه داشته باشد و از سوی دیگر زمینه تهاجم و توطئه‌چینی علیه انقلاب ایران و خلق‌های منطقه بسیار سهل‌تر می‌گردد. یکی از هدف‌های کودتا در ترکیه محاصره شدیدتر انقلاب مردم ایران است و در تعادل نیرو در منطقه به سود امپریالیسم آمریکا عامل موثری است.

کودتای اخیر ترکیه واکنش و انزجار کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی ایران را برانگیخته است. از جمله کانون هماهنگی شوراهای اسلامی با صدور بیانیه‌ای این کودتای امریکایی را قویا محکوم کرده و کارگران ترکیه را به مقاومت جدی در مقابل فاشیسم دعوت کرده است. در این بنایه آمده است:

" امروز کارگران و اتحادیه‌های کارگری بایستی به مقابله با دولت دست نشانده ناتو برخیزند کارگران بایستی با تشکیل شوراها و کمیته‌های اعتصاب و هسته‌های مقاومت به مقابله علنی با حکومت نظامی وابسته به آمریکا، این دشمن بشریت برخیزند."

کودتاجیان و اربابان آنان پنداشته‌اند که تعویض قدرت و سلب بیشتر آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌تواند صدای حق‌طلبانه خلق‌های قهرمان ترکیه را خاموش سازد اما امواج خروشان نبرد ضد امپریالیستی خلق‌های ترکیه چنان شتابان اوج خواهند یافت که راهی جز شکست برای کودتاگران و اربابان امپریالیست‌شان باقی نخواهد ماند.

لیر ترکیه را در مقابل دلار آمریکا تا ۵۰٪ پائین آورد. از سوی دیگر دولت ترکیه سعی نمود با استفاده از وام‌های خارجی بر مشکلات اقتصاد بیمار ترکیه فائق آید. اما این وام‌ها، نتیجه‌ای جز افزایش بدهی‌های ترکیه که اینک از ۱۰ بیلیون دلار تجاوز کرده است، نداشت.

شکست برنامه‌های دمیرل برای بهبود وضع اقتصادی کشور، فشار بر زحمتکشان را افزون‌تر گردانید. سازمان‌های سیاسی چپ ترکیه مانند ارتش آزادیبخش خلق ترکیه (اتحاد - مبارزه) در سمت دادن ناراضی‌تری مردم به کانالی صحیح نقشی بارز داشته‌اند. اما همزمان با گسترش مبارزات مردم، فعالیت باندهای فاشیستی و احزاب راست‌گرا که به وسیله سرمایه‌داران به‌وجود آمده‌اند، نیز گسترش یافته‌اند. در طی سال گذشته صدها انقلابی مارکسیست و دمکرات ترکیه به وسیله این باندها به شهادت رسیده‌اند. اوج‌گیری مبارزات مردم سبب گردید که در بیش از ۲۰ شهر ترکیه مقررات حکومت نظامی برقرار گردد.

و اما همزمان با رشد مبارزات مردم ترکیه، اختلافات درون پارلمان و جناح‌های گوناگون حاکمیت نیز از حدت بی‌سابقه‌ای برخوردار گردید. تعمیق اختلافات جناح‌های گوناگون در شرایط اعتدالی انقلابی ترکیه موجبات گسترش هرچه بیشتر مبارزات زحمتکشان ترکیه را فراهم آورده است و سرمایه‌داری ترکیه و حامیان امپریالیست آن را وادار می‌کند که برای مهار و سرکوب مبارزات مردم شیوه‌های حکومتی خشن‌تری را برگزینند و شرایط مساعدتری برای سرکوب مردم ترکیه به‌وجود آورند.

بدون شک ادامه این وضع برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا که منافع بی‌شماری در ترکیه دارد، پذیرفتنی نبود. از این روی کودتا مناسب‌ترین راه‌حل برای جلوگیری از گسترش مبارزات مردم ترکیه به‌شمار می‌رفت.

آمریکا سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در ترکیه کرده است. در حدود ۲۶ پایگاه نظامی در ترکیه دارد، ترکیه عضو پیمان ناتو می‌باشد و آمریکا همواره اجازه استفاده از این پایگاه‌ها را داشته است. در سال ۱۹۷۵، ترکیه در اعتراض به عدم صدور سلاح‌های آمریکا به ترکیه (پس از حمله ترکیه به قبرس، آمریکا صدور سلاح‌های خود به ترکیه را قطع کرد) فعالیت‌های این پایگاه را ممنوع ساخت. با شروع انقلاب ایران، امپریالیسم آمریکا که از مبارزات مردم ایران به وحشت افتاده بود باردیگر کمک‌های نظامی خود را به ترکیه از سر گرفت و کمک‌مالی بلاعوضی معادل ۵۰ میلیون دلار جهت خرید اسلحه و تجهیزات جنگی به ترکیه داد.

آمریکا با کودتای اخیر از یک سو می‌تواند اطمینان خاطر بیشتری برای حفظ منافع خود در ترکیه داشته باشد و از سوی دیگر زمینه تهاجم و توطئه‌چینی علیه انقلاب ایران و خلق‌های منطقه بسیار سهل‌تر می‌گردد. یکی از هدف‌های کودتا در ترکیه محاصره شدیدتر انقلاب مردم ایران است و در تعادل نیرو در منطقه به سود امپریالیسم آمریکا عامل موثری است.

سرانجام نظامیان وابسته به امپریالیسم ترکیه دولت محافظه‌کار سلیمان دمیرل نخست‌وزیر این کشور را به وسیله کودتا سرنگون و قدرت را در دست گرفتند. براساس گزارش‌های منتشر شده از سوی خبرگزاری‌های جهان، کودتا همزمان با مانور نظامی نیروهای عضو پیمان ناتو در مجاورت آب‌های ترکیه صورت پذیرفته و نمایندگان امپریالیسم آمریکا در کاخ سفید قبل از کودتا از جریان باخیر بوده و حمایت خود را از آن اعلام داشته‌اند.

آمریکا بلافاصله پس از کودتا اعلام کرد که: "کودتا عملی است که در جهت استقرار یک دولت دمکراتیک وظیفه‌شناس انجام شده و ادامه کمک‌های امپریالیسم آمریکا به کودتاگران را نوید داد.

کودتای امریکایی اخیر در ترکیه سومین کودتای نظامیان پس از اعلام جمهوری در این کشور می‌باشد. نظامیان در سال‌های ۱۹۶۰ و ۷۱ نیز که مبارزات مردم ترکیه اوج و گسترش بی‌سابقه‌ای یافته بود دست به کودتا زدند.

در یک سال گذشته مبارزات مردم ترکیه، تظاهرات و اعتصابات افشار و طبقات گوناگون خلق در مقیاس وسیعی گسترش یافته است. در این میان مبارزات پرولتاریای ترکیه که عملاً به وسیله انقلابیون م - ل رهبری می‌شود در آگاهی توده‌ها نقش مهمی را ایفا نموده است. به همراه کارگران، دهقانان نیز خیزش‌های خود را شروع کرده‌اند.

تعمیق مبارزات خلق ترکیه در یک‌ساله اخیر نمایانگر اعتدالی انقلابی در ترکیه می‌باشد. دلایل مادی اعتصابات و تظاهرات را باید در حدت یافتن تضادهای موجود بین خلق ترکیه و سرمایه‌داری دانست.

ترکیه یک کشور وابسته به امپریالیسم می‌باشد. در ترکیه همانند تمام جوامع سرمایه‌داری وابسته، بیکاری، تورم، گرانی و... همواره گریبانگیر کشور بوده است. طی یک سال گذشته بالغ بر ۲ میلیون و پانصد هزار نفر و یا بین ۱۵ تا ۲۰ درصد نیروی کار ترکیه از داشتن شغل محروم بوده‌اند. نرخ تورم در ترکیه طی ماه‌های گذشته به ۱۰۰٪ رسیده است. و شاخص قیمت‌ها طی این مدت تا ۵۳٪ افزایش را نشان می‌دهد. به‌علاوه کمبود نفت، مسکن برق مواد غذایی و... از دیگر مسائلی هستند که زحمتکشان ترکیه را تحت فشار شدید قرار داده است.

پس از استعفای بلنداجوبیت و روی کار آمدن سلیمان دمیرل از حزب عدالت، از شدت مشکلات و نابسامانی‌های اقتصادی ترکیه اساساً کاسته نشد چراکه سلیمان دمیرل نیز همانند همتای سابق خود نه در جهت منافع زحمتکشان ترکیه که در جهت سیاست‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا عمل می‌کرد و بطور کلی جناح‌های گوناگون درون حاکمیت ترکیه نماینده بخش‌های مختلف سرمایه‌داری وابسته ترکیه می‌باشند.

بحران اقتصادی ترکیه دولت محافظه‌کار دمیرل را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت. در اواخر ژانویه کابینه دمیرل مجبور گردید ارزش

## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



## جنبش دهقانی ایران

### ۱۸ ماه مبارزه شورای دهقانی (سراسیاب فرسنگی کرمان)

## با سرمایه داران و زمینداران بزرگ



"هیئت ۷ نفره" تقسیم زمین ارائه کردند. آنها در این اجتماع همان چیزی را خواستند که اکنون همه زحمتکشان روستا در سراسر ایران می خواهند. زحمتکشان "سراسیاب فرسنگی" ضمن خواستهای خود با صدای رسا اعلام کردند که:

زمین و آب از آن زحمتکشان است.

دست سرمایه داران، زمین داران بزرگ و وابسته‌ها از زمین‌ها و منابع آب باید به کلی قطع شود.

زمین داران بزرگ را خنثی نمودند و علیرغم کارشکنی‌های فراوان موفق شدند بیش از ۳۰ هزار کیلوگرم گندم از زمین‌های مصادره شده برداشت نمایند.

زحمتکشان "سراسیاب فرسنگی" مبارزه خود را برای مصادره همه زمین‌های زمین داران بزرگ و سرمایه داران محل و منابع آبی که توسط آنها غصب شده است ادامه می دهند. آنها اخیراً ضمن اجتماع در مسجد ده خواستهای خود را به

یکسال و شش ماه از تشکیل شورای دهقانی روستای "سراسیاب فرسنگی" می گذرد. در این مدت زحمتکشان روستا، اتحاد و همبستگی شان را در مبارزه با سرمایه داران و زمین داران بزرگ منطقه از جمله حاج "علی علی احمدی" حفظ کرده اند و با تمام قوا از شورای شان حمایت به عمل آورده اند. آنها در این مدت با هدایت و رهبری شورا بسیاری از توطئه های

## فئودال ها محصولات روستای

### «قره چیق» را به آتش کشیدند

بخش از حاصل دسترنج دهقانان "قره چیق" بزرگترین مسئولیت متوجه مقامات جمهوری اسلامی است آنها نه تنها تاکنون نتوانسته اند با اقدامات قاطع ریشه زمین داران بزرگ و سرمایه داران را بخشکانند بلکه با کمک به آنها و آزاد گذاشتن آنها در بسیاری از موارد منشاء ضربات بزرگی بر حاصل کار و مبارزه مردم بیهن ما بوده اند.

تردیدی نیست که زحمتکشان روستای "قره چیق" مبارزات خود را با زمین داران بزرگ ادامه خواهند داد. خرابکاری در کار تولیدی آنان و به آتش کشیدن محصولاتشان نیز نمی تواند سد راه ادامه حرکت انقلابی آنها برای مصادره و حفظ زمین های مصادره ای شود. دولست جمهوری اسلامی باید با حمایت از آنان، با دستگیری و سرکوب زمین داران بزرگ و سرمایه داران، خود را با مبارزات آنها هماهنگ سازد.

"قره چیق" از روستاهای "بناب" (آذربایجان شرقی) است. اهالی این روستا در بهار سال ۵۸ تمام زمین های اسدالله و یدالله آصف، زمین داران بزرگ روستا را مصادره کردند. کمیته "بناب" به حمایت از زمین داران برخاست لیکن علیرغم به خون کشیدن مبارزه انقلابی دهقانان که یک کشته و چند مجروح بجای گذاشت نتوانست زمین ها را از روستائیان پس بگیرد.

اربابان و حامیان آنها در کمیته که پس از کشتار و قتل روستائیان همچنان آزادانه می گشتند، همواره در پی فرصت بودند تا روستائیان را مورد تهاجم قرار دهند. از سوی دیگر مسئولین جمهوری اسلامی کوچکترین اقدامی در جهت دستگیری و مجازات آنان به عمل نیاوردند. بطوری که آنها توانستند در مردادماه امسال در حدود یک دهم محصولات کشاورزان را به آتش بکشند. بدون شک در نابودی این

را بطور خلاق شناخت و همه را در خدمت برقراری و تحکیم پیوند با زحمتکشان قرار داد.

برابر ما قرار دادند که: هر عرصه کار و زندگی، پهنای برای برقراری تحکیم پیوند با زحمتکشان است. باید عرصه های کار و زندگی

## هواداران سازمان در ماوند؛

### «همدوش با زحمتکشان در همه عرصه های

### زندگی و مبارزه»



تابستان امسال، دماوند سرسبز شاهد فعالیت پرشور هواداران سازمان در برخی از روستاهای خود بود.

هواداران به روستاهای منطقه رفتند و همدوش با زحمتکشان در برداشت محصول آنان شرکت نمودند. شور و شوق و از خود گذشتگی رفقای هوادار به هنگام کار، پیوند آنان را با زحمتکشان روستا هرچه محکم تر و عمیق تر نمود و بر زمینه آشنائی با مشکلات و مسائل ملموس آنها این امکان را برایشان پدید آورد که در جهت شناخت سطح تکامل مبارزاتی و خواستهای مردم منطقه گام دیگری به پیش بردارند.

آنها به این ترتیب فرصت یافتند که با مردم و در میان آنها از مسائل و مشکلاتشان سخن بگویند. علناً ناسامانی ها را برایشان تشریح نمایند. راه حل دشواری ها را با آنها در میان گذارند، ضرورت اتحاد و همبستگی زحمتکشان را در مبارزه برای به دست آوردن حقوق خود مطرح کنند و... شرکت در برداشت محصول را به گامی در جهت ارتقاء آگاهی توده ها تبدیل نمایند.

مقاومت زحمتکشان روستاهای منطقه در برابر کارشکنی های مامورین

بعضی از کارکنان جهاد سازندگی که می گفتند: "اینها می آیند راه یاب بگیرند، تا بعدها دست به عملیات بزنند" گفتند که:

"اینها این دهات را از ما بهتر بلدند. اگر بخواهند کاری بکنند، لازم نیست یک روزهم خودشان را خسته کنند."

زحمتکشان روستا در دماوند با جوابهای خود به خوبی نشان دادند که هواداران سازمان در امر برقراری پیوند با آنان گام دیگری به پیش برداشته اند. آنها یکبار دیگر این واقعیت را بطور زنده و ملموس در

جمهوری اسلامی که با دروغ و افترا قصد داشتند مانع همکاری روستائیان و هواداران شوند، بهترین شاهد موفقیت هواداران در زمینه ارتباط گیری با مردم است.

روستائیان در برابر تهمت های بی شرمانه کسانی که می گفتند: "اینها که به ده می آیند، می خواهند خرمن ها را آتش بزنند" پاسخ دادند:

"اینها زیر آفتاب برای ما زحمت می کشند و دستهایشان همه تاول زده است. ما حرف های شما را باور نمی کنیم." آنها در پاسخ دروغ های

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



بقیه از صفحه ۷



تعیین سروشت، همبستگی، همزیستی سلامت-  
آمیز، حقوق برابر و احترام متقابل در بین  
دولت‌ها.

۱۵- با توجه به نکات فوق تضمین صلح، آزادی  
بهبود زندگی مردم و ترقی اجتماعی در کشورمان

## فلسطین

امسال خلق فلسطین دهمین سالروز سپتامبر  
سپاه ۱۹۷۵ را با خاطره بیش از بیست هزار شهید  
فلسطینی گرامی می‌دارد.

در سپتامبر ۱۹۷۵ دولت ارتجاعی ملک حسین  
به بهانه خلع سلاح مردم فلسطینی که در عمان و  
غرب اردن بسر می‌بردند، این کشتار وحشیانه را  
انجام داد. انقلابیون فلسطینی در مقابل این  
توطئه مقاومت نمودند و سرانجام در جریان  
محاصره اردوگاه‌های فلسطینی و بمباران آن،  
هزاران زن و کودک و انقلابی فلسطینی قتل عام  
شدند.

ما در سالگرد این روز یاد تمام شهدای جیش  
خلق فلسطین را گرامی می‌داریم.

## لیبی - سوریه

بر طبق توافقنامه‌ای که بین رهبران دو کشور

بقیه از صفحه ۶

## تجربه شیلی

همان‌زمان (اکتبر ۱۹۷۵) اعلام نمود:

" به نظر می‌رسد که استراتژی غالب بورژوازی  
و امپریالیسم عبارت است از اجازه دادن به  
آلنده برای گسب قدرت، گوشش برای اینکه  
چند ماهی به او فرصت داده شود حکومت  
نماید، با طناب قانونیت " دست او را  
ببندد " و بنا براین با هدف مشخص بازداری  
آلنده از پیاده کردن برنامه‌هایش، " اتحاد  
خلقی " را در تهدید خطر دائمی کودتای  
ارتجاعی نگه‌دارند. همچنین بخشی از توطئه  
بورژوازی عبارت خواهد بود از ایجاد رکود در  
تولید صنعتی، روی گرداندن از مذاکره در  
مورد قروض خارجی، پائین آوردن تولیدات  
کشاورزی و بدینوسیله بالا بردن تورم و بیکاری  
( در جامعه). آنها از این راه گوشش خواهند  
کرد پرستیژ دولت " اتحاد خلقی " را نابود  
ساخته و سپس با اتکاء بر گروه‌های دست  
راستی که در این فرصت ساخته‌اند و با استفاده  
از نیروهای مسلح سعی می‌کنند " سرزمین  
پدري را حفظ نموده " و از بی‌نظمی و هرج و  
مرج " جلوگیری نمایند و آنگاه و فقط آنگاه  
آنها آلنده را در شرایط سیاسی که بسیار بیشتر  
به سود آنهاست برکنار خواهند نمود. این  
استراتژی دارای این فریب است که به طبقه  
حاکم فرصت لازم را برای تجدید سازماندهی  
خود به دست داده و بالاتر از همه به  
آنها فرصت خواهد داد که راه حل سیاسی  
" چپ " و سوسیالیسم را از نظر تاریخی  
بی‌اعتبار نمایند. ما معتقدیم که همه نیروهای

به امضاء رسید، این دو کشور عضو جنبه پایداری  
عرب قرار است تا ماه آینده به وحدت کامل دست  
یافته و رسماً به عنوان یک کشور متحد اعلام  
موجودیت نمایند. نزدیکی و اتحاد بیشتر لیبی  
و سوریه گامی در جهت تقویت نیروهای ضد  
امپریالیست و ضد صهیونیست در منطقه می‌باشد.  
این اتحاد مورد تأیید و حمایت نیروهای انقلابی  
منطقه قرار گرفته است.

## کره

خلق کره سالروز تاسیس جمهوری دمکراتیک  
خلق در این کشور را با شکوه فراوان جشن گرفت.  
سفیر جمهوری دمکراتیک کره طی پیامی به مردم  
ایران به مناسبت این روز بر همبستگی و اتحاد  
خلقی‌های دو کشور در مبارزه علیه امپریالیسم  
تاکید نمود و پشتیبانی جمهوری دمکراتیک کره از  
مبارزات ضد امپریالیستی جمهوری اسلامی ایران  
را اعلام نمود. وی در این نطق که از تلویزیون  
جمهوری اسلامی پخش گردید، دستاوردهای خلق  
کره را در زمینه ساختمان سوسیالیسم برشمرد.

## شیلی

رفراندم کذایی رژیم پینوشه برای قانون اساسی  
جدید در این کشور مورد مخالفت بسیار شدید  
خلق شیلی قرار گرفته است. بر طبق این قانون  
حکومت نظامی پینوشه تا سال ۱۹۸۹ همچنان  
ادامه خواهد یافت و در سال ۱۹۹۷ یعنی در  
اواخر قرن بیستم قرار است انتخابات ریاست  
جمهوری در کشور انجام گیرد. باید گفت که خلق  
شیلی مسلماً اجازه این خیال‌پردازی‌ها را به  
دیکتاتورهای خونخوار شیلی نخواهد داد.

چپ باید هوشیار باشد و با استفاده از هر  
وسيله سیاسی و هر راهی کوشش نمایند که  
موفقیت این استراتژی ردیالانه را سد نمایند.

بدین ترتیب میر با اتکاء بر آموزش مارکسیسم -  
لنینیسم مسئله تقابل قهرآمیز انقلاب و ضد  
انقلاب و ضرورت آمادگی برای آن را خاطر نشان  
ساخت و سیاست حمایت انتقادی از حکومت  
آلنده را در پیش گرفت. این سازمان در تأمین  
گارد محافظ آلنده و فعالیت‌های مشخص برای کشف  
شبهک‌های ضدانقلاب با آلنده همکاری می‌کرد. در  
عین حال سیاستی مستقلانه برای بسیج و  
سازماندهی مبارزات توده‌ها در ایجاد شوراهای  
کمیته‌های کارگری و دهقانی و مصادره و کنترل  
سرمایه‌های بزرگ را در پیش گرفت. این سیاست  
علیرغم آنکه در برخی موارد به برخی چپ‌روها  
منجر شد ( مثلاً در جریان مصادره زمین ملاکین  
که با دخالت آلنده میر توافق نمود آن را با  
برنامه اصلاحات ارضی وی هماهنگ سازد) در  
اساس بر یک جنبش انقلابی و مرزبندی با رفرمیسم  
استوار بود.

\* - در سال ۱۹۳۸ حزب سوسیالیست و حزب  
کمونیست و حزب رادیکال شیلی در یک ائتلاف  
به نام " جنبه توده‌ای " در انتخابات پیروز شدند  
پدرو آگویرو سدرای عضو حزب رادیکال و نماینده  
این ائتلاف به ریاست جمهوری انتخاب شد. این  
احزاب در چندین دوره دیگر در انتخابات شرکت  
داشتند.

\*\* - " اتحاد خلقی " ائتلاف ۶ حزب بود:  
۱- حزب سوسیالیست ۲- حزب کمونیست  
۳- حزب رادیکال ۴- مایو ( جناح چپ حزب  
دمکرات مسیحی - منشعب در سال ۶۹ ) جنبش  
عمل متحد خلق " با پایه دهقانی ۵- حزب  
سوسیال دمکرات ۶- حزب عمل مستقل خلق  
این ائتلاف یک کمیته مشترک به وجود آورده و

## سورسی قانون

بقیه از صفحه ۱۲

برای خالی نبودن عریضه بدان اشاره نموده  
است. به مسئله‌ای به اهمیت بیمه بیکاری در این  
قانون تنها در لایلای تبصره‌ها اشاره شده است  
آن هم به نحوی که بتواند از طرح مشخص مسئله  
بگریزد. حال آنکه به مسئله‌ای به اهمیت بیمه  
بیکاری می‌بایست نه یک تبصره بلکه یک فصل از  
قانون اختصاص داده می‌شد.

قانون تأمین اجتماعی باید کلیه بیکاران را  
تا هنگام اشتغالشان تحت پوشش بیمه بیکاری  
قرار دهد.

۵- در مورد بازنشستگی همان شرایط و همان  
نظام بازنشستگی پیشین حفظ شده است. استفاده  
از مستمری بازنشستگی را موقوف به پرداخت حق  
بیمه ( حداقل ۱۰ سال ) نموده و مبنای محاسبه را  
متوسط مزد دوسال آخر سال قرار داده‌اند. حال  
آنکه در قانون تأمین اجتماعی، مستمری  
بازنشستگی باید بدون توجه به میزان و سوات  
پرداخت حق بیمه و بر اساس متوسط مزد آخرین  
سه‌ماه محاسبه و پرداخت گردد و این مبلغ در  
هیچ‌شرایطی نباید از ۹۰٪ آخرین دریافتی یک  
کارگر کمتر باشد. علاوه مزایای کارگران از قبیل  
استفاده از مسکن ( یا حق مسکن ) استفاده از  
شرکت تعاونی و غیره باید قطع گردد.

۶- در قانون "جدید" تأمین اجتماعی برای  
کارگران و تشکیلات کارگری در هیچ یک از  
ارگان‌های مختلف تصمیم‌گیری جایی پیش‌بینی  
نشده است. فقط در هیئت عالی، بدوی و  
تجدید نظر، تشخیص مطالبات یک نفر به عنوان  
نماینده بیمه‌شدگان یعنی کارگران و... به  
انتخاب " کنفدراسیون " کارگری مطرح می‌شود و  
مادام که این " کنفدراسیون " تشکیل نشده است  
مطابق این قانون، وزیر کار و امور اجتماعی  
این نماینده را خودش تعیین می‌کند!

حال آنکه در تدوین قانون تأمین اجتماعی  
باید تشکیلات کارگری و نمایندگان واقعی آن در  
کلیه سطوح تصمیم‌گیری و ارگان‌های مختلف تأمین  
اجتماعی شرکت فعال داشته باشند.

ارگان‌هایی از قبیل شورای عالی تأمین  
اجتماعی، هیئت‌های بدوی و تجدید نظر،  
کمیسیون‌های پزشکی، هیئت‌های بازرسی و غیره  
بدون شرکت فعال کارگران تشکیلاتی ارگان‌هایی  
فرمایشی پیش نیستند.

بدیهی است، قانونی که تشکیلات واقعی  
کارگران و نمایندگان آگاه آن در تدوین آن سهم  
نباشند و این وظیفه به عهده " کارشناسان " و  
مدیران لیبرال سپرده شود و دستشان باز گذاشته  
شود تا از روی همان قوانین ضد کارگری رژیم شاه  
رونویسی کنند، چنین قانونی نمی‌تواند چیز  
جدیدی داشته باشد.

تنها با شرکت فعال تشکیلات کارگری و  
نمایندگان واقعی آن در بررسی و تدوین قانون  
کار و تأمین اجتماعی، می‌توان قانون نامیوس  
اجتماعی واقعا جدیدی را تدوین کرد. قانونی که  
تجلی دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان  
میهن ما باشد.

پس از تبادل نظر برنامه مشترکی تنظیم نمود و  
سپس از بین پیچ‌کاندید:

- ۱- یابلورودا ( شاعر ) از حزب کمونیست
- ۲- آلبرتو بالترازا از حزب رادیکال
- ۳- ژاکو چونچول از مایو
- ۴- رافائل نارود از " عمل مستقل خلق "
- ۵- سالوادور آلنده از حزب سوسیالیست،  
آلنده را برای کاندیداتوری ریاست جمهوری  
انتخاب نمود. در بین این کاندیدها برخی  
مترقی‌تر از آلنده و برخی نیز دارای گرایش  
بورژوازی بودند.

بقیه از صفحه ۱

## تجاوزات رژیم عراق به خاک...

## گمکهای مالی دریافت شده

الف و د	ج	ش	ک	م
۵۲۲۲	۱۰۱۲۳	۳۴۵۱	۵۲۰۲	۱۰۰۳۳۴
۴۱۲۵	۲۴۲۲	۱۵۸۴	۱۱۰۰	۵۱۱۱
۱۰۰۰		۴۱۲۳	۱۶۰۰	۵۲۵۵
۲۶۸۸	ج	۱۱۲۳	۱۲۰۴۶	۱۲۸۴
۲۶۵۰		۱۳۳۵	۵۲۲۲	۳۳۰۰
۳۴۲۴		۲۵۱۵	۵۰۵۲	۱۱۰۳
۲۶۵۰		۶۱۱	۵۰۱۲	۳۱۰۱
۷۳۵		۵۲۲۲	۱۸۵۵	۵۱۲۵
۱۰۲۰۳		۳۸۵۲		۳۱۶۵
۲۳۱۲۳		۱۰۱۹	ک	۵۰۰۰۸
۱۵۰۰		۵۲۰		۵۵۵۵
۱۲۳۵		۳۳۰۰	۴۰۳۵۰	۱۰۶۳
۱۰۱۱۱		۱۰۱۴۱	۱۱۰۰	۳۱۶۰
۱۶۲۲		۴۴۰	ل	۱۰۴۱۴
۱۰۱۱۸		۱۵۵۵۵		۵۰۱۶۸
۱۰۲۴۵		۱۰۲۹		۱۱۵۱۱۹
۵۷۳۵		۷۵۰۱	۴۱۳۰	۱۵۲۰
۳۳۵۵۵		۱۰۶۳	۴۱۳۲۲	۱۱۱۱
۲۲۲۲		۴۲۱۸	۲۲۳۰	۱۲۲۹
۴۱۱۸		۲۰۹۷	۶۳۶	۱۱۰۵
۱۰۱۱۱		۱۰۱۲	ص	۶۰۰۰
۱۳۴۰		۱۲۹۵۴	۱۰۰۲	ن
۱۱۲۳		۱۰۱۲۵	۱۰۰۱۳۹	
۱۱۱۳		۵۳۲۹	۱۰۲۴۰	۲۰۰۹۹
۵۱۹۰	خ	۵۳۲۹	۱۵۲۱۴	۷۶۶
۱۵۵۵		۵۰۰۰	۱۰۱۲۱	۶۰۰
۵۱۱۹		۸۲۷۷	۱۶۲۷	۱۴۸۴
۳۵۹		۱۰۰۰۵	۲۰۰۰	۴۱۰۰
۱۰۰۰۰			۱۰۱۳۲	۴۱۰۰
۱۰۲۰۲			۲۵۲۲۲	۴۱۲۴
۵۲۳۳			۱۰۱۲۰	۱۰۴۳
			۲۰۱۲۱	۱۸۰۰
			۲۰۰۰	۱۰۶۶۶
			۱۰۲۳۴	۵۹۲۳
			۱۰۲۳۳	۵۵۶۰
	ب		۱۵۵۵	ر
			۵۲۲۲	
			۸۰۴۵	
			۲۱۱۱	۳۰۱۲
			۲۱۰۰	۸۱۵۲
			۱۵۵۵	۵۵۰۰
			۲۳۴۰	
			۲۳۱۱	ه
			۱۳۵۰	
			۴۵۳۵	۳۲۵۵
			۷۰۰۰	۱۳۴۴
			۵۰۱۲	۱۳۴۶
			۲۰۳۳	۲۱۸۹
			۳۰۵۸	۶۲۲۲
			۱۰۵۱	۵۲۰
			۵۱۱۱	ی
			۱۰۱۱۱	۱۰۷۳۵
			۳۱۰۰	۲۹۲۴
			۱۰۱۰۱	۱۷۱۱۱
			۲۸۰۰	۱۷۷۷۷
			۵۰۷۵	۵۴۲۸
			۱۰۳۲۴	
			۲۳۲۲	
			۵۱۰۲	
			۲۱۰۸	
			۲۰۱۲۳	
			۶۰۰	
			۱۰۳۱۲	
			۴۲۵۵	
			۶۲۰۱	
			۲۰۰۲	
			۱۰۱۱۸	
			۳۲۵۵	
			۳۲۲۲	
			۱۷۰۰	
			۶۱۰۰	
			۱۰۱۱۸	
			۳۲۵۵	
			۴۶۳۳۳	
			۵۹۷۵	
			۱۰۸۲۵	
			۲۷۸۹	
			۱۵۸۴	
			۲۰۰۲۰	
			۶۰۱۰	
			۲۰۰۲۰	
			۱۰۱۱	
			۱۵۲۲۱	
			۲۹۶۸	
			۶۰۳	
			۱۰۱۲۳	
			۱۰۱۳۴	
			۱۱۳۵	
			۴۲۰۰	
			۲۲۰۱	
			۲۶۷۵	

بمسرکردگی امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته است. به اعتقاد ما برای دفاع از دستاوردهای انقلاب شکوهمند ایران، برای مقابله با تجاوزات امپریالیسم آمریکا و دولت‌های ارتجاعی منطقه از جمله دولت عراق که با دوستی خلقهای ایران و عراق دشمنی ورزیده و علیه انقلاب مردم ما و مبارزات خلقهای کرد و عرب عراق در جهت تحکیم منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا به تجاوز نظامی و سرکوب بی‌رحمانه دست زده است:

۱- باید در تقویت همبستگی خلقهای ایران و عراق برای مبارزه علیه دشمن مشترک، امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن تمام توان انقلابی را به کار گرفت نباید اجازه داد که دشمنی دولت عراق با انقلاب مردم ایران به دوستی خلقهای تحت ستم ایران و منطقه، به ویژه خلقهای کرد و عرب عراق خلل وارد آورد.

۲- پایمهای رژیم عراق امروز در برابر توده‌های بی‌خاسته عرب و کرد به لرزه درآمده است. درهم شکستن تجاوزات این رژیم و کمک به انقلابیون عراق بدون تردید سرنگونی رژیم سرکوبگر عراق را به دست خلقهای عرب و کرد عراق تسریع خواهد کرد.

۳- زحمتکشان ایران باید تحت آموزشهای نظامی فرار گیرند و متشکل و مسلح شوند بدون شک انقلاب ضد امپریالیستی-دمکراتیک مردم ما در مسیر پیشرفت خود همواره با مقابله جبهه فشرده ضدانقلاب روبرو خواهد بود. تنها توده‌های مسلح خلق و نیروهای انقلابی خلق می‌توانند مقاومت فشرده ضدانقلاب را درهم شکنند و پیروزی کامل انقلاب را تضمین کنند.

نیروهای انقلابی خلق آماده‌اند در برابر تجاوزات رژیم عراق به خاک میهنمان قاطعانه علیه تجاوزگران به نبرد برخیزند و ایران را گورستان آنان کنند.

عراق و در رشد و گسترش مبارزه مردم پاکستان، ترکیه و شیخ‌نشین‌ها کاملاً مشهود است.

انقلاب مردم ما، مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست‌نشانده آن را در سراسر جهان و به ویژه در منطقه تعمیق برده است.

دشمنی دولت‌های ارتجاعی منطقه از جمله دشمنی رژیم عراق با انقلاب مردم ما از همان آغاز متوجه جلوگیری از گسترش انقلاب در منطقه بوده است. مسافرت وزیر خارجه عراق به عربستان سعودی و زمزمه عقد یک پیمان اتحاد بین عراق - عربستان سعودی و عمان برای مقابله با گسترش انقلاب در منطقه تنها یکی از صدها دلیلی است که برای توضیح ماهیت تجاوزات و مداخلات رژیم عراق که به سرکوب مبارزات مردم کرد و عرب عراق و به ویژه انقلابیون کمونیست این کشور مشغول است، می‌توان ذکر کرد.

امروز مدارک و اسناد موجود پیوندهای آشکار و نهانی را که بین رژیم عراق و جبهه ضد انقلاب داخلی وجود دارد برای همسایه‌های غربی آشکار است. استفاده فرماندهان فراری شاه و باند بختیار، اویسی، پالیزبان از پایگاه‌های نظامی عراق و نیز یاری و کمک رژیم عراق به خوانین، فئودال‌ها و شبکه سرمایه‌داران فراری و لیبرال و نیز تسلیح سران عشایر در خوزستان و سیستان و بلوچستان برای اقدام به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، تربیت و اعزام گروه‌هایی که مبادرت به بمب‌گذاری و تخریب در مراکز شهرها می‌کنند، دامن زدن به اختلافات مذهبی، قومی و نژادی به منظور تضعیف اتحاد مردم ایران همه و همه گواه بر هدف‌های ضد مردمی و سرکوبگرانه رژیم عراق در برابر مردمی است که گسترش و تعمیق مبارزات آنان نابودی امپریالیسم جهانی

عراق و چندین روستا به کلی ویران شده است. همچنین اطلاعات حاکی از بمباران‌های شدید مناطقی از خاک عراق توسط نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران است. مدارک و اطلاعات موجود در عین حال مبین این حقیقت است که تاکنون بیشترین تلفات را سپاه پاسداران متحمل شده است و به علت سیاست انحصار - طلبانه‌ای که مقامات جمهوری اسلامی در این مورد نیز به‌کار بسته‌اند، مردمی که آماده‌اند در مقابل تجاوزات نظامی رژیم عراق با قاطعیت به دفاع برخیزند، امکان شرکت فعال در دفاع از میهن از آنان سلب شده است.

جنگ گسترده در نوار مرزهای غرب کشور هزاران تن از مردم زحمتکش میهن ما را آواره شهرها و دهات دور و نزدیک کرده است. طبق اطلاعاتی که در دست داریم امکانات پزشکی و درمانی در آنچنان سطح نازلی قرار دارد که تعداد زیادی مجروحین و مصدومین در خطر مرگ ناشی از جراحات قرار دارند.

گسترش ابعاد جنگ با توجه به روابط رژیم عراق با جبهه داخلی ضد انقلاب عملاً چیزی جز تلاش مدبوحانه امپریالیسم آمریکا و دولت‌های ارتجاعی منطقه برای سرکوب انقلاب مردم ما و تقویت و تحکیم سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا نیست.

انقلاب مردم ما از همان روزهای نخست به علت پیوندهای تاریخی بین خلق‌های ایران و عراق یک عامل موثر در گسترش مبارزات خلق‌های عرب و کرد عراق برای دست‌یابی به استقلال و آزادی بوده است. نقش انقلاب مردم ما در گسترش مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک مردم منطقه یک حقیقت آشکار است که بازتاب آن در گسترش مبارزات مردم عرب و کرد

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



# کمیسیون پاکسازی وزارت نفت راه را برای امپریالیسم باز می کند؛ حکم تعلیق نفتگران مبارز از طرف کمیسیون پاکسازی وزارت نفت

کنونی که خطر تهاجم امپریالیسم دستاوردهای انقلابی کارگران و زحمتکشان را به مخاطره انداخته است، جز تشنگی و پراکندگی بیشتر در صفوف مبارزاتی مردم حاصلی نخواهد داشت.

کارگران پیشرو صنعت نفت جنوب نیز در اعلامیه خود آورده اند:

"بیخود نبود هنگامی که شماسی از طرف معین فر به سمت معاون مالی و اداری مناطق نفت خیز جنوب منصوب شد، یکی از لیبرالهای کهنه کار صنعت نفت با خوشحالی گفته بود که خیلی خوب شد. شماسی سرکار آمد تا وظیفه تاریخی خود یعنی سرکوب شوراها و نیروها و عناصر مترقی را انجام دهد. بگذار او کارش را بکند، آن وقت کار ما آسان تر می شود."

کارگران پیشرو ضمن محکوم کردن این اقدام چهره عاملین اینگونه سیاستهای نفره افکنانه و ضدکارگری را افشاء نموده اند.

بلندگوهای خود را به خدمت تبلیغات علیه انقلاب مردم و در جهت فریب توده ها به کار گرفته است، سیاستهای ضد کارگری و ضد دمکراتیک عوامل وابسته به نیروهای اسلامی به جای بسیج کلیه نیروهای خلق در جهت مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، عملاً در جهت افزایش ناراضی توده های زحمتکش، تشنگی در نیروهای انقلابی و تضعیف صف مردم است. امپریالیستی مردم اقدام به تعلیق کسانی که پیشاپیش نفتگران انقلابی و قهرمان به مبارزه علیه امپریالیسم و دیکتاتوری دست نشانده آن برخاستند و در تمام ماههای پس از قیام نیز در راه پاکسازی این صنعت حیاتی از وجود و نفوذ عناصر وابسته و ضدانقلابی تلاش کرده اند در برابر توطئه های لیبرالها از جمله ایادی بختیار، نزیه و مدنی پابرجا در صف مقدم ایستادند در شرایط

در تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹هـ بخشناهای به امضای محمد رضا شماسی معاون اداری و مالی سرپرست مناطق نفت خیز صادر شد که حاکی از اعلام رای خودسرانه کمیسیون پاکسازی وزارت نفت در مورد "تعلیق ۱۲ تن از نفتگران مبارز جنوب بود. به موجب این بخشناه نفتگران مبارز زیر از تاریخ ۱۲ شهریور ۵۹ از کار معلق گردیده و تا صدور رای نهایی از طرف مقامات "دصلاح" حقوق و مزایایشان قطع شده است. داریوش شهبازی، شاهپور روشنی، محمد جواد خانی، شیر معیل، علیرضا حمیده خو، عباس فیلی، سید باقر امینی، دهکردی، اسماعیل باقری، غلامرضا مجدوبی، خیرالله نبی زاده، عبدالحسین نجمی و صفر محمدی حاجی وند. کارگران پیشرو اهواز متعاقب بخشناه فوق طی اعلامیه های در ضمن محکوم کردن این اقدام ضد کارگری و ضد دمکراتیک هشدار داده اند که:

"هنگامی که امپریالیسم

## بفیه از صفحه ۱ اخراج معلمین مترقی و انقلابی

و بی دانشی می سپارد که تنها قابلیت آن را دارند اوراد مذهبی و آئینهای اسلامی را تفسیر و تاویل کنند.

امروز دولت جمهوری اسلامی سیاست مخرب و ارتجاعی را که منجر به تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی شد، در سطح مدارس و میلیونها دانشآموز میهن نیز درصدد است عملی سازد آنها مثل همیشه به تحریف حقایق پرداخته و در حالیکه خود عملاً و آشکارا در جهت به تعطیل کشاندن مدارس حرکت می کنند در دستگاههای تبلیغاتی خود چنین می دمند که گویا نیروهای انقلابی مسئول تعطیل مدارس کشورند!

ما ضمن محکوم کردن سیاست تصفیه و اخراج معلمان و استادان انقلابی، اقدامات زیانبار دولت جمهوری اسلامی ایران را در تعطیل مراکز آموزشی کشور محکوم می کنیم و قاطعانه خواستار بازگشایی دانشگاهها و مدارس سراسر میهن هستیم ما اطمینان داریم که مردم ایران و میلیونها دانشآموز میهن به این سیاست تسلیم نخواهند شد.

ما از همه معلمان و استادان انقلابی، دانش آموزان و دانشجویان آگاه می خواهیم که با تحکیم همبستگی و وحدت انقلابی خود، اعتراضات خود را در مقابل اخراج معلمین انقلابی افزایش دهند. سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران را که مخالف آرمان انقلابی مردم و باعث تضعیف جبهه انقلاب ایران است، در بین توده های مردم افشاء سازند. آرمان معلمین انقلابی اخراجی را در بین دانش آموزان و خانواده ها توضیح دهند و با افشای این سیاست مخرب با تحکیم اتحاد یکپارچه خوداز خواسته های انقلابی معلمین دفاع کنند.

رژیم سابق و ساواکیها، سیاست اخراج نیروهای مترقی و انقلابی را نیز در دستور کار خود قرار داده اند اتخاذ و پیشبرد این سیاست در مناطقی مانند لرستان منجر به تعطیل مدارس استان شده است و این نه به دلیل حضور و تسلط نیروهای وابسته به رژیم سابق بلکه به علت حضور نسبتاً فعال نیروهای انقلابی و مترقی صورت گرفته است.

اخراج نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست که از چندی پیش از کارخانجات و ادارات دولتی آغاز شد، اینک در سطح مدارس و ادارات آموزش و پرورش کشور ادامه یافته است. این سیاست به غایت ارتجاعی که به عنوان دفاع از "اسلام" انجام می گیرد، منشاء ضرباتی مهلک بر پیکر انقلاب مردم ایران است.

خالی شدن مدارس از معلمین آگاه و مبارزی که دارای سوابق درخشان مبارزه علیه رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا هستند و میراث دار آرمان صمدبهرنگی و صدها معلم انقلابی هستند که در راه رهایی خلقهای ایران خون پاکشان خاک میهن را لالهگون کرده است، ضایعهای جبران ناپذیر و تخریب فرهنگی به حساب می آید.

این سیاست ارتجاعی راه را بر پرورش روحیه و آموزش انقلابی نوجوانان میهن می بندد و میلیونها دانش آموز ایرانی را از دانش و مهارت آگاهترین و مجربترین معلمان کشور محروم می سازد.

نکنه قابل تاکید اینجاست دولت رجائی و شخص وی که مدافع و مسئول پیشبرد این سیاست ارتجاعی است، آشکارا از این سیاست به دفاع برخاسته و رسماً سیاستی را اعلام می کند که همراه با اخراج آگاهترین و مجربترین معلمین کشور، تعلیم و تربیت میلیونها دانشآموز میهن را به دست جوانان بی تجربه

### تصحیح

در نشریه "کار" شماره ۷۱ در بخش اخبار روستائی، مطلبی داشتیم راجع به روستای "کرشته" شهریار. در آنجا اولاً نام روستا را اشتباهاً "کوشته" نوشتیم و ثانیاً اطلاع یافتیم که مجموعه گزارش محتاج بازبینی است. از اینرو ضمن پذیرش انتقاد از درج ستايزده گزارش فوق در نشریه "کار" تلاش می کنیم با تحقیق کامل، گزارش دقیقی در این رابطه ارائه دهیم

مسئولان وزارت آموزش و پرورش، پاسخ اخراج معلمین مبارز و مترقی را داشتن ایدئولوژی غیر اسلامی عنوان می کنند. در صورتیکه تفتیش عقاید ممنوع است و هیچکس را نمی توان به صرف داشتن عقیده های مورد تعرض و مواخذه قرار داد. (اصل ۲۳ قانون اساسی)

## تفتیش عقاید و اقدامات ضد دمکراتیک بفیع کیست؟ و چه کسانی مجری آنند؟

تصفیه معلمان آگاه و انقلابی، کمک به ایفای فرهنگ امپریالیستی و استعماری است. مردم می خواهند بدانند "شورای تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش" از چه کسانی تشکیل شده است که جهت عمده تصفیه را متوجه معلمین آگاه و متعهد نموده است. هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) - منطقه کرمانشاهان در اعلامیه های با اشاره به این مسئله می نویسند:

"اکنون مدتی است که گروه گروه معلمان مبارز و انقلابی که در افشای باند ضدانقلابی بختیار - پالیزبان در منطقه نیز پیشقدم بوده اند، به وسیله شورای تصفیه و پاکسازی آموزش و پرورش که معلوم نیست از چه کسانی تشکیل یافته است، تصفیه و اخراج می گردند. پرسیدنی است که چرا مقامات مسئول منطقه با وجود گذشت ۱۹ ماه از انقلاب لیست ساواکیها را که بی شک در اکثر ارگانهای دولتی و از جمله در آموزش و پرورش نفوذ دارند، منتشر نمی کنند.

بهرآستی چه دستهای مشکوکی در کار است که می خواهد منطقه کرمانشاهان را آنچنان که خواست امپریالیسم جنایتکار امریکاست، به هرج و مرج بکشد. ما تصفیه و اخراج عناصر مترقی و مبارز را شدیداً محکوم نموده و نسبت به عواقب آن هشدار جدی می دهیم!

# بسیج مسلح توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست



## گرامی باد خاطره رفقای شهید شهریورماه

درباره خلق فداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم .

«مرگ الان خیلی آسان می تواند به سراغ من بیاید، اما من تا می توانم باید زندگی کنم . البته اگر روزی با مرگ مواجه شدم که می شوم ، مهم نیست . مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیری در زندگی دیگران داشته باشد .  
صمدبهرنگی

- ★ **حسن صالحی**
- ★ **علی پیر شکاری**
- ★ **شهريار ناهید**
- ★ **احسن ناهید**
- ★ **علیباز جهانبازلو**
- ★ **علیرضا شکری افشار**
- ★ **پرویز داوری**
- ★ **عباس کابلی**
- ★ **جمیل یخچالی**
- ★ **ایرج سپهری**
- ★ **ابوبکر حمیدی**
- ★ **غلامحسین بیگی**
- ★ **هاشم بابا علی**
- ★ **صمدبهرنگی**
- ★ **حسن سعادت**
- ★ **پروین فاطمی**
- ★ **حسن جان لنگوری**
- ★ **اعظم السادات روحی آهنگران**
- ★ **طهورث اکبری**
- ★ **یعقوب تقدیری (امیر)**

## دو سال از فاجعه طبس گذشت خطر زلزله همچنان زندگی میلیون ها زحمتکش میهن را تهدید می کند

سالگرد فاجعه زلزله طبس برای تمامی مردم میهن ما یادآور حادثه های دردناک است . حادثه ای که با مرگ هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان و آوارگی و بی خانمانی دهها هزار خانوار همراه بود . قهر طبیعت بر زمینه نارسائی های معیشتی و فقدان حداقل امکانات زندگی پیوسته فجاج هولناکی را برای مردم میهن ما به بار آورده است . زمین لرزه ای در خراسان یا سیلی در خوزستان یا هر حادثه ای دیگر در هر گوشه ای از میهنمان همیشه با مرگ و خرابی و دریدری توده های محروم همراه بوده است . سیل و زلزله هیچگاه خانه هیچ سرمایه داری را در هم نکوبید ولی خلق محروم و ستمدیده عرب یا توده های زحمتکش خراسان بارها شاهد ویرانی کلبه های گلین و مرگ عزیزان خود بوده و سالها بی خانمانی ، مصیبت و دریدری را تجربه کرده اند . وضع نامناسب مسکن و محروم بودن توده های مملومی مردم ما از داشتن سرمایه مناسب برای زندگی ، انسانی ترس عامل در بروز اس نجاج بوده است . همور مملومی ها دهها و زحمتکش

ایرانی در کمربند زلزله خیز کره زمین در مخروطه های گلین ، گودها و زاغه ها به سر می برد که در صورت وقوع یک حادثه طبیعی زندگی آنان در خطر مرگ و نابودی قرار می گیرد . اکنون ۱۹ ماه پس از انقلاب وضعیت مسکن توده های مردم هیچگونه تغییری نیافته ، میراث نکبت بار زاغه نشینی و گودنشینی و خانه های محفرو فرسوده همچنان برجای خود باقی است . همچنان بخش عظیمی از توده های ما از مسکن ، این مایحتاج ابتدائی زندگی محرومند . در چنین شرایطی می بایست انتظار داشت که با زهم سیل ، زلزله ، گرما و سرما همچنان فاجعه به بار آورد . علیرغم هشدار نیروهای مترقی که مکرر بر تامين مسکن برای زحمتکشان تاکید داشته اند ، رژیم جمهوری

### ادامه تبلیغات بشرمانه علیه نیروهای انقلابی در تلوزیون

انحصارطلبان سیاسی در دولت جمهوری اسلامی تلاش دارند توطئه های امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران ، از جمله توطئه کودتای آمریکائی اخیر را به نیروهای انقلابی خلق نسبت دهند . انحصار طلبان سیاسی در شنبه شب ( ۲۲ شهریور ) برای چندمین بار کوشیدند با استفاده از یکی از عوامل کثیف کودتا مردم میهن ما را بفریبند و کودتای بقیه در صفحه ۱۲

### یورش مزدوران و چماقداران به دفاتر جنبش مسلمانان مبارز

به قرار اطلاع چماقداران و مزدوران در روزهای گذشته به مراکز و دفاتر جنبش مسلمانان مبارز یورش برده ، به تخریب و غارت دفاتر این نیروی ترقیخواه پرداخته اند .

بدون شک عده معدودی اوباش و قهقش هرگز نمی توانند بدون حمایت جمهوری اسلامی علیه حقوق دموکراتیک مردم به این اقدامات بی شرمانه دست بزنند . این اقدامات نشان می دهند که انحصارطلبان تحمل هیچ نیرویی را که با آنان اختلاف داشته باشد ، ندارند . هیچ ارزشی برای قانون اساسی ای که خود تدوین کرده اند ، قائل نیستند و هر اقدامی را که بتوانند ، علیه آزادی های سیاسی نیروهای ترقیخواه انجام می دهند .

ما بار دیگر صریحا از دولت جمهوری اسلامی می خواهیم که اگر موافق این اقدامات نیست ، اعلام دارد و از ادامه این اعمال جلوگیری کند و در صورتی که توان مقابله با معدودی اوباش و چماقدار را ندارد ، اعلام کند تا مردم و نیروهای انقلابی خود این عناصر مزدور را به سزای اعمال کثیفشان برسانند . ما از همه مردم آگاه و مبارز ایران می خواهیم که هرکجا هستند ، چماقداران و مزدوران و حامیان آنان را شناسائی و افشاکند و در برابر یورش های آنان از نیروهای ترقیخواه و آزادی های سیاسی دفاع کنند .

**آیا حجت الاسلام خامنه ای  
هنوز نمی داند «چماقداران»  
چه کسانی هستند!**

در صفحه ۳